



گفت‌وگوی اختصاصی هفته با رضا کاهانی
فیلم ساز و کارگردان تحسین شده‌ی
نسل جدید سینمای ایران

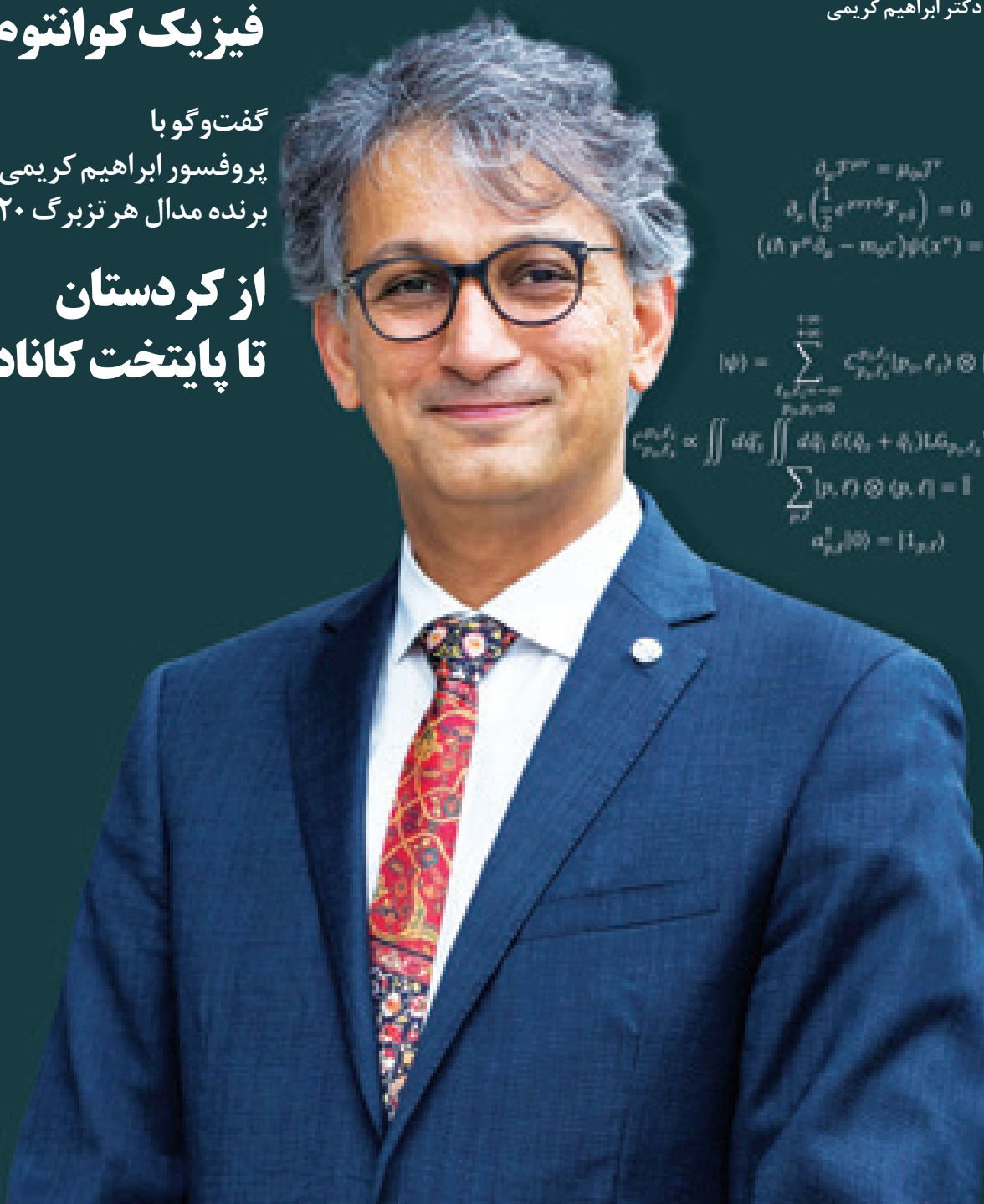
مغز ایرانی فیزیک کوانتوم

گفت‌وگو با
پروفسور ابراهیم کریمی
برنده مدال هر تزیبرگ ۲۰۲۰

از کردستان
تا پایتخت کانادا

گُرد بودن آسان نیست

مقاله‌ای از دکتر ابراهیم کریمی



$$\begin{aligned} \partial_x \gamma^{3\alpha} &= \mu_{3\alpha} \gamma^\alpha \\ \partial_x \left(\frac{1}{2} \gamma^{3\alpha+2} \gamma_{,\alpha} \right) &= 0 \\ (\partial_x \gamma^{3\alpha} \partial_x - m_{3\alpha} c^2) \psi(x^\alpha) &= 0 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} |\psi\rangle &= \sum_{p, \ell} C_{p, \ell}^{3\alpha} |p, \ell\rangle \otimes |p, \ell\rangle \\ C_{p, \ell}^{3\alpha} &\propto \iint d\ell_1 \iint d\ell_2 \delta(\ell_1 + \ell_2) U_{p, \ell_1}^{3\alpha}(\ell_1) U_{p, \ell_2}^{3\alpha}(\ell_2) \\ \sum_{p, \ell} |p, \ell\rangle \otimes \langle p, \ell| &= 1 \\ \langle \ell_1, \ell_2 | \ell_1, \ell_2 \rangle &= (\delta_{\ell_1, \ell_2}) \end{aligned}$$

MARCHÉ ARIYA®



فروشگاه آریا

نانوایی پخت روزانه، خشکبار و تره بار، رستوران
و کباب روی ذغال، سرویس قصابی گوشت حلال

پایین ترین قیمت، بالاترین کیفیت



رضایت شما
اولویت ماست

از ۹ صبح تا ۹ شب
۷ روز هفته

عرضه کننده بهترین مواد غذایی
شرقی و غربی با یک دهه تجربه در
خدمت شما مشتریان عزیز می باشد

Tel: (450)812-7369
www.marcheariya.com
Facebook: MarcheAriya
3207 Boul. Taschereau
GreenfieldPark, QC J4V2H4



دکتر شریف

دکتر البذل

دکتر مهرنوش

Dr. Sharif
Dr. Albazzal
Dr. Mehrnoosh

تخف و سزه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪

بیماران جدید ۱۰٪

Montreal

Brossard

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique Dentaire Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire

soleil-brossard.com

مهاجرین عزیز

آیا می‌دانید که خریداران نیازی
به پرداخت پورسانت ندارند؟

هدیه تا به خریداران:

۱۳۰۰ دلار هزینه محضر

فقد خرید خانه یا آپارتمان دارید؟

می‌خواهید ملک خود را بفروشید یا قصد سرمایه‌گذاری دارید؟

در تمام مراحل خرید یا فروش همراه شما هستیم.

با ۱۵ سال سابقه در امور مشاوره املاک

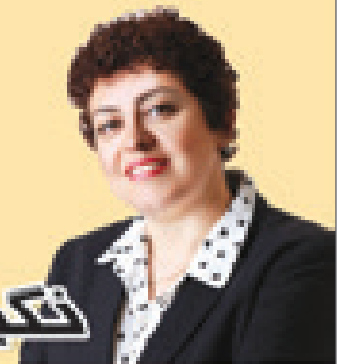
و ۳۰ سال سابقه در زمینه ساختمان

مشاوره رایگان و حضوری ۷ روز هفته

514 969 2492

• بیش فروش آپارتمان در بهترین منطقه Downtown

• خانه‌های اجاره‌ای در West Island



فکین خاکسار - فادر خاکسار

مشاور رسمی املاک مسکونی و تجاری





ساغر تدین

مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ

Sagher.Tadin@remax-quebec.com

514-378-9020

RE/MAX Alliance

rue Beaubien Est 3299

Montréal, Québec, H1X 1G4

Cell. : 514-378-4000

Fax : 514-374-4892

رویاها تحقق پذیرند...

مشاوره و کسب اطلاعات رایگان املاک مسکونی با فوریترین بانک اطلاعاتی فروش املاک مسکونی در کمترین زمان مناسب با بهره گیری از ابزارهای صحیح ارزیابی، تحلیل مناطق جهت خرید و پیش خرید مشاوره و راهنمایی برای سرمایه گذاری املاک در مونترال بزرگ ارائه بیده های انحصاری شرکت ریگنسی RE/MAX Programme Tranquill, Intégri, T Sécurité, T

عبداله صفوی Abdollah Safavi

Financial Security Advisor
Investment Representative

مشاور امنیت مالی
نماینده سرمایه گذاری

۳۰ دقیقه مشاوره رایگان برای برنامه
بازنشستگی و سایر مسائل مالی!

فقط تا آخر فوریه ۲۰۲۱

Mobile: (514) 467 - 8491
Office: (514) 931 - 4242 ext. 2567
✉ abdollah.safavi@f155.com
🌐 mqsf.ca 📱 mqsf.ca
📞 mqsf.ca 📧 mqsf.ca

همین امروز رای خود را رزرو کنید.

Website: MGSF.ca



Sutton



آرزو گتمیری مشاور املاک

AREZOU GATMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agattmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات 24/7 رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010

Sutton

مشاور املاک

Courtier immobilier agréé / Certified Real State Broker

- مشاور ارشد املاک در مونترال و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وام های مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک در آمد زا
- خرید و فروش انواع بیزنس



**با ۳۵ سال سابقه کسب و کار در کانادا و ۱۵ سال تخصص در مشاوره املاک
مونترال مسکونی - تجاری**

ارزیابی رایگان - تهیه وام مسکن

فیروز همیتیان

Cell: (514) 827-6364

Bur: (514) 364-3315

9515 Lasalle Boul. Lasalle, QC H8R2M9

fhemaatiyan@sutton.com

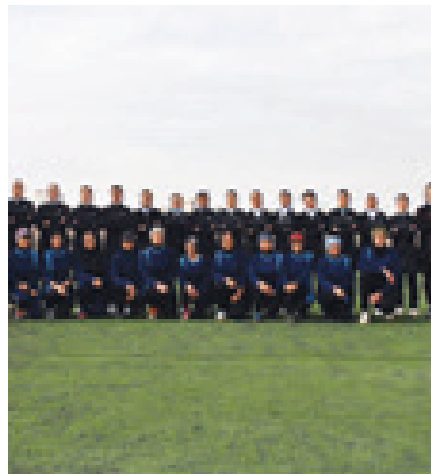


فرنگیس شبکیا

مغز ایرانی فیزیک کوانتوم،
از کردستان تا پایتخت کانادا

گفت‌وگو با پروفسور ابراهیم کریمی،
برنده مدال هر تزرگ ۲۰۲۰

مقاله: کرد بودن آسان نیست



هنرمندان

معصومه علی محمدی استقرار مهاجران تازه‌وارد در دوران
پاندمی

گفت‌وگو

نویده احمدی موفقیت‌ها و موانع ورزشکاران مهاجر
گفت‌وگو با سهام احمدی عضو تیم ملی فریزی افغانستان

روایت‌های کودکان مهاجر

روح الله حیدی؛ نویده احمدی در ایران، افغان بودن
جرمی بزرگ و نابخشودنی است



گفت‌وگو

فرشید سادات شریفی تئاتر، سینما و نوشتن
گفت‌وگو با مسعود منصوری و امینه شریفی

داستان کوتاه

بهروز مایل‌زاده استقبال گرم

تازه‌های کتاب

یاسمن حسنی رمان «بلند شو قهرمان»
و «Mononk Jules»

شعر دوزبانه

خالد پایزیدی شعری از محمد زندگی با ترجمه کردی

سه یادداشت برای زادروز استاد گلپا

اسداله قربان‌زاده به زلالی آب

علی شیرازی میلاد دوباره آواز ایرانی

جاوید عباسی فلاح خلاق‌ترین خواننده تاریخ موسیقی ایرانی

هفته - سال سیزدهم - شماره ۶۱۸

پنج‌شنبه ۹ بهمن ۱۳۹۹ / ۲۸ ژانویه ۲۰۲۱

بها: ۲/۵ دلار / درمونت‌رال رایگان

ناشر: مجله‌ی هفته

صورت آواز مرغ است آن کلام
غافل است از حال مرغان مروخام

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4

www.hafteh.ca

info@hafteh.ca

news@hafteh.ca

ad@hafteh.ca

ISSN1918-4379Hafteh

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۱ میلادی:

پنجشنبه ۷ ژانویه، پنجشنبه ۲۵ مارچ

پنجشنبه ۵ جولای، پنجشنبه ۱۴ اکتبر

■ هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.

■ برداشت مطلب با ذکر مآخذ آزاد است.

■ لطفاً مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.

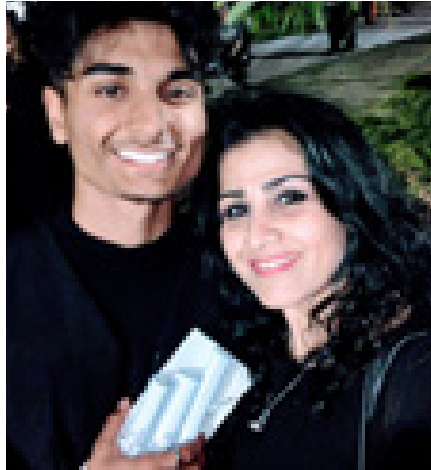
■ هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.

■ نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.

■ استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.

■ درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار دانشجویی: ۶۰ دلار



نرگس هاشمی حیات‌الله حیات، حقوق‌دان شاعر

گفت و گو

حبیب عثمان سلیمان کریمیار ورزشکار موفق افغان در گفت و گو با هفته

داستان کوتاه

جمیله هاشمی ایران فقط پناهگاه ما از جنگ بود



سیاست ایران

احمد زیدآبادی قانونی برای هیچ!

در حاشیه اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری در مجلس

سیاست جهان

ترجمه: نگین پرورنده نجات ده‌ها میلیون کودک کار و کودک سرباز چگونه؟

سازمان ملل: ۲۰۲۱ سال بین‌المللی حذف بهره‌کشی از کودکان

اقتصاد

آرمین آریانپور یک خط لوله نفتی و گره کور اقتصاد و سیاست کانادا

گزارش

نویده احمدی قابلی پلو در «ری لند»؛ عطر و طعمی جدید برای مهاجران و تهرانی‌ها گزارشی از اولین رستوران افغان در شهر ری



اختصاصی هفته

مصطفی عزیزی گفت و گو با کارگردان رضا کاهانی

یاد گرفتن از فضایی موجود نهایت استفاده را بکنم

از همان بدو ورود من مستقیماً با سانسور و توقیف مواجه شدم. این برایم خوشایند نبود و بر روی مسیر حرفه‌ای من تأثیر مستقیم داشت. دیگر هر کاری که انجام می‌دادم به سمت وسوی توقیف می‌رفت و اگر هم اجازه نمایش پیدا می‌کردم طعم و بوی سانسور وجود داشت.

۵۶ دانش، سلامتی و حقوق

دنیای دانش

گروه ترجمه هفته کشف دارویی پژوهشگران کبکی برای مهار کرونا

غذای انسان و خسر سلامتی کایوت‌ها

رفتار خشونت‌بار آخوندگ‌اروپایی در جفت‌گیری

در سال ۲۰۲۰، زمین سریع‌تر چرخید

سلامت روان

الهام گرامی پنج مرحله‌ی گذار از دوران سوگ کدامند؟

حقوق

نیوشا ریاحی قانون‌دعای مدنی و کنفرانس حل و فصل

۷۰ خانواده و سرگرمی

مهسا عباس‌پور آشپزی این هفته: کلوچه کنجدی

خاطره تحویل‌داری یکتا سخن ستارگان، برای تفنن

ادبیات: فرشید سادات شریفی

پزشکی: دکتر فائقه ابراهیمی

حقوق: نیوشا ریاحی

فرهنگ و جامعه: فرنگیس شکبیا

اقتصاد: بهراد رنجبری

پردیس گروه دانشجویی هفته: محمد کرم‌زاده، امیر

مولایی، عباس محرابیان و شهرزاد طباطبایی

گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرورنده، نفیسه

پرورنده و اشکان امیری

وب‌سایت: بهمن عسگری‌پور

سردبیر: خسرو شمیرانی

ویراستار: تیم ویراستاری هفته

صفحه‌آرایی: آتلیه هفته

کاریکاتوربست: سیروس یحیی‌آبادی

عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته

اخبار یاهمستان: گروه خبرهای محلی

آریانا (دَری): نرگس هاشمی و حبیب عثمان

مهاجرت: معصومه علی‌محمدی و نویده احمدی

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: یاسمن حسنی، کریم زبانی، جمیله هاشمی

ایستادن بر قله دانش و افتخار و همچنان درد مردمان را در دل داشتن



همه اینها می‌شود کودک کُردی که در سقز به دنیا آمده اما انواع مرزهای پیدا و پنهان را ندیده می‌گیرد و در اتاوا بر قله دانش می‌ایستد و به سرزمینی که در آن سکونت گزیده خدمت می‌کند و به تمامی مردم جهان؛ چرا که به گفته خودش دانش همچون موسیقی مرز نمی‌شناسد. گرچه جهانِ مدرنِ سودمحور سرمایه‌دارانه همه جا مرز می‌خواهد و در این روزهای ترامپ‌زده از آن هم فراتر رفته و می‌خواهد مرزها را به دیوارهای غیرقابل عبور تبدیل کند.

ابراهیم کریمی با علم و تخصص‌اش در خدمت مهین انتخابی‌اش قرار می‌گیرد اما درد همزبانان را همچنان درد خود می‌داند. او در مقاله‌ای در اکتبر ۲۰۱۹ می‌نویسد: «آسمان پر از اجسام درخشان بود. مدتی گذشت تا بفهمم اینها بمب هستند که بر سر ما می‌بارند. ما بچه‌های مدرسه به هزاران نفری که به سمت حومه شهر می‌دویدند پیوستیم و شهر تخلیه شد. در میان وحشت، فریاد و گریه جمعیت، فراموش کردم که از سلیمان، برادر کوچکم، مراقبت کنم و در میان جمعیت او را گم کردم. به مادرم که رسیدم و او فهمید که برادر همراهم نیست، به صورتم سیلی زد.

به زودی برادر را پیدا کردیم، اما برای اولین بار در زندگی‌ام لمس کردم که جنگ چه بلایی سر مردم می‌آورد. مادرم که حتی در سخت‌ترین شرایط و در زمان دستگیری پدر آرام بود، خشم و هراس و واماندگی در چهره‌اش موج می‌زد. به زودی خود را در حومه شهر یافتیم و راهی روستایی شدیم که اقوام ما در آن زندگی می‌کردند. چندین ماه در آنجا ماندیم؛ جایی که من به دور از مدرسه و معلم کلاس چهارم را گذراندم. ما در مدرسه حق خواندن، نوشتن و صحبت به زبان کُردی (زبان مادری خود) را نداشتیم. همان موقع فهمیدم که کُرد بودن آسان نیست. کُردها دوستی جز کوهستان ندارند.

تقریباً سه سال بعد، صدام حسین از سلاح‌های شیمیایی علیه کُردها استفاده کرد و بیش از ۳۰۰۰ غیرنظامی را در یک لحظه قربانی کرد و بیش از ۱۰ هزار نفر تا آخر عمر تحت تأثیر عوارض ناشی از این سلاح‌ها قرار گرفتند.

ابراز ترس و وحشتی که هر یک از ما در آن روزها تجربه کرده‌ایم دشوار است. من هنوز هم کابوس می‌بینم. بله، حتی بعد از ۳۰ سال این وحشت هنوز با من است. تمام سیاستمداران جهان تنها نظاره‌گران این جنایات بشری بودند. آنها فقط نگران تولید ناخالص داخلی خود بودند که ما هزینه‌اش را می‌دادیم و می‌دهیم.»

به دکتر ابراهیم کریمی و خانواده‌ای که در دامان‌اش چنین انسانی پرورش یافته، افتخار علمی او را شادباش می‌گویم و برایشان بهترین‌ها را آرزو می‌کنم.

دانشمند جوان کُرد ایرانی-کانادایی، ابراهیم کریمی در دسامبر ۲۰۲۰ برای مردم کردستان، ایران و کانادا افتخارآفرین شد. او یکی از معتبرترین جوایز کانادا در زمینه فیزیک و علوم وابسته را دریافت کرد که توسط انجمن فیزیک‌دانان کانادا اهدا می‌شود.

این دستاورد به تنهایی کافی‌ست تا به عنوان یک مهاجر ایرانی ساکن کانادا خوشحال شوی و چشمات در میان تاریکی‌های این روزها به اشک شوق روشن شود. اما آشنایی کمی نزدیکتر با دکتر ابراهیم کریمی امید بزرگی را دلالت زنده می‌کند: تصور کن بمب‌های هر روزه، خرابی و خون را در اولین سالهای زندگی تجربه می‌کنی، مادر تو و دیگر فرزندان خردسالش را در میانه جنگ و خون به دندان می‌گیرد و از این سو به آن سو، محافظت می‌کند، پدر به خاطر مبارزه برای زندگی در شان انسان با حکم اعدام روبرو می‌شود، همچون بقیه همزبانان‌ات از خواندن و نوشتن و مدرسه رفتن به زبان مادری محروم هستی و هزار محرومیت دیگر را که به آنها آگاهی یا نه، زندگی می‌کنی، و نمی‌شکنی، بزرگ می‌شوی، یاد می‌گیری استعدادهای نهفته‌ات را به کار بگیری و از دشواری‌ها نردبان بسازی.

کانادا

کبک

انتاریو

بریتیش کلمبیا

طرح هفته

باهمستان افغان و ایرانی

اخبار و گزارش ها



DAVID BERGER

Avocat - Attorney

Immigration-Refugees-Citizenship

دیوید برگر

پنج دوره نماینده مجلس فدرال و سفير سابق کانادا

عضو کانون وکلای کبک - مهاجرت - پناهندگی - شهروندی

- تقاضای اقامت موقت و دائم شامل ویزای دانشجویی، ملاقات، نیروی کار ماهر
- تقاضای مهاجرت از طریق برنامه های تجاری و انسان دوستانه
- تقاضای پناهندگی، فرجام درخواست های پناهندگی
- بررسی حقوقی تقاضاهای ارائه شده به دادگاه فدرال کانادا و دادگاه عالی کبک
- توجه خاص به نیاز های حقوقی مراجعه کنندگان

Tel: 514-284-1157

www.cilaw.ca

david.berger@cilaw.ca

1980 Sherbrooke Street West, Suite 900-25, Montreal, Quebec H3H 1E8

گفت‌وگوی گرم تلفنی ترودو و بایدن



جاستین ترودو و جو بایدن ۱۸ دسامبر ۲۰۱۶ در اتاوا

درمان که مرتب میان کانادا و آمریکا در حال تردد هستند، مسائل مربوط به زنجیره تامین کالا و ضرورت حفظ آن و به ویژه تامین تجهیزات حفاظت فردی در دوره پاندمی از مسائلی بود که در این گفت‌وگو مطرح شد.

کانادا دارد و برای روابط میان دو کشور اهمیت زیادی قائل است، این گفت‌وگوی تلفنی «فوق‌العاده گرم» و «ساسی» بود. و بایدن حتی به این موضوع اشاره کرد که همسر سابقش نیلیا بایدن که در یک سانحه رانندگی جان باخت، ریشه‌های کانادایی داشت.

یک منبع بلندیپایه در دولت ترودو که خواست نامش فاش نشود، اعلام کرد: «بیشتر اولویت‌های دو کشور مشترک است. بایدن رابطه خوبی با کانادا دارد و درست همانند ما تمایل زیادی برای همکاری دو کشور دارد.»

سران کانادا و آمریکا در این فرصت درباره مسائل مرتبط با کووید ۱۹ گفت‌وگو کردند. مسئله پرسنل بخش بهداشت و

جو بایدن رئیس‌جمهور جدید آمریکا همان گونه که در مراسم تحلیف خود قول داده بود، روز جمعه ۲۳ ژانویه با جاستین ترودو تلفنی گفت‌وگو کرد.

جو بایدن در اولین تماس تلفنی خود با رهبر یک کشور خارجی جاستین ترودو را انتخاب کرد و حدود نیم ساعت با او صحبت کرد. در این تماس تلفنی موضوعات مختلفی مطرح شد و سران دو کشور قرار گذاشتند ماه آینده دیداری دوجانبه داشته باشند با این حال مشخص نیست که آیا این دیدار حضوری خواهد بود یا مجازی.

به گزارش هفته، به‌نقل از رادیو کانادا، به گفته منابع آگاه در دولت ترودو، با توجه به این که بایدن شناخت خوبی از



دومینیک لوبلان، رئیس شورای خصوصی ملکه کانادا مسئولیت نظارت بر رویه‌های رایج در فرمانداری کل کانادا را بر عهده دارد و قرار است در راستای وظایف خود برای حل مشکل و بهبود اوضاع، پیشنهادهای و توصیه‌های خود را به جاستین ترودو، نخست‌وزیر فدرال ارائه نماید. تا انتصاب فرماندار کل جدید، ریچارد واگنر، قاضی ارشد دیوان عالی کانادا به طور موقت فرمانداری کل را بر عهده خواهد داشت.

گزارش داده بود که این گزارش برای خانم ژولی پایت بسیار سنگین خواهد بود و شاید به قیمت برکناری وی تمام شود.

طبق اخبار و گزارش‌هایی که به دست رادیو کانادا رسیده، نتیجه تحقیقات یک شرکت مستقل درباره ادعاهای بدرفتاری و مسمومیت فضای کار در دفتر دادستانی کل کانادا به اندازه‌ای سنگین و طاق‌فرا بوده که خانم پایت را برای ماندن در سمت کنونی دچار تردید کرده و در نهایت به استعفا او منجر شده است.

به همراه ژولی پایت، آسونتای دی لورنزو، دبیر فرمانداری کل کانادا نیز که با اتهامات مشابهی روبرو است، از سمت خود استعفا کرد. وی به تازگی در همین رابطه یک وکیل به خدمت گرفته بود.

استعفا فرماندار کل کانادا

ژولی پایت، فرماندار کل کانادا استعفا کرد.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، منابع آگاه می‌گویند یک گزارش بسیار انتقادآمیز و ویرانگر در رابطه با ادعاهای آزار و اذیت در محیط کار و فضای مسموم حاکم بر دفتر ژولی پایت، فرماندار کل کانادا موجب استعفا او شده است.

ژولی پایت بعد از ظهر پنجشنبه با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: «من برای مصلحت کشور و حفظ تمامیت نهادهای دموکراتیک به این نتیجه رسیدم که بهتر است یک فرماندار کل جدید تعیین شود.» پایت در این بیانیه به علت استعفا خود اشاره نکرد اما اذعان کرد که در ماه‌های اخیر تنش‌های زیادی در Rideau Hall ایجاد شده است.

روزنامه The Globe and Mail در شماره روز پنجشنبه خود

اخراج هزاران مهاجر از کانادا در سال ۲۰۲۰



نفر بیشتر از سال ۲۰۱۹ و بالاترین رقم اخراج از سال ۲۰۱۵ میلادی تاکنون بوده است. به استناد آمار اداره مرزبانی کانادا، اکثریت قریب به اتفاق افراد اخراج شده در سال ۲۰۲۰، به دلایل «عدم رعایت قانون» اخراج شده‌اند.

اگر چه کانادا مانند بسیاری از دیگر کشورهای جهان با موج دوم کووید ۱۹ دست به گریبان است، وکلا و فعالان حقوق بشر خواستار توقف تصمیم ماه نوامبر این کشور برای اخراج مهاجران شده‌اند.

خبرگزاری رویترز در گزارشی اختصاصی عنوان کرد که دولت کانادا با وجود شیوع کرونا در این کشور هزاران مهاجر را از این کشور سال گذشته اخراج کرده و به گفته وکلای حقوق بشر، این روند تشدید شده است.

به گزارش هفته، به‌نقل از بی‌بی‌سی فارسی، این خبرگزاری که به داده‌های اداره مرزبانی کانادا استناد می‌کند، ادعا کرده در سال ۲۰۲۰ میلادی بیش از ۱۲ هزار نفر از این کشور اخراج شدند که این رقم ۸۷۵



هشدار می‌دهند که خطر کرونا برای افراد شصت سال به بالا خطرناک است اما شاید شنیدن این خبر که یک زن سالمند ۱۰۱ ساله موفق به شکست کرونا شده است، برای این افراد امیدوارکننده باشد.

مادر بزرگ ۱۰۱ ساله کبکی کرونا را شکست داد

اما او هیچ وقت ناامید نشد و دوباره به زندگی بازگشت. خانم لاواله یکی از چند عضو خانه سالمندان لوئی چهاردهم است که پیش از آغاز جشن‌های سال نوبه کووید ۱۹ مبتلا شد. پسرش می‌گوید کووید ۱۹ موجب مشکلات تنفسی، خستگی شدید و از دست رفتن اشتهای مادرش شده بود. اما وقتی از خودش می‌پرسند که ویروس کرونا تا چه حد روی او تاثیر گذاشته است، فوری به یاد همسایه‌هایش می‌افتد که اندازه او خوش شانس نبودند و برای همیشه از کنار او رفتند.

خانم لاواله که پنج فرزند ۶۴ تا ۷۳ ساله دارد، می‌گوید شاید داستان‌ش برای خیلی از سالمندان دیگری که به کووید ۱۹ مبتلا شده باشند، دلگرم کننده باشد. مرتب

ایوون لاواله Yvonne Lavallée که با بیش از یک قرن عمر در خانه سالمندان «لویی چهاردهم» اقامت دارد، موفق شد کرونا را شکست دهد.

ایوون لاواله شهروند ۱۰۱ ساله کبکی که به کرونا مبتلا شده بود و اعضای خانواده‌اش خود را برای هر اتفاقی آماده کرده بودند، به رغم نگرانی‌ها و پیش‌بینی‌ها موفق شد از چنگ کرونا رهایی یابد.

به گزارش هفته، به نقل از ژورنال دو مونترال، دومی پولن پسر ایوون لاواله با خنده می‌گوید: «باید ژن بسیار خوب و قوی داشته باشد که توانست در این سن و سال کرونا را شکست دهد. همه اعضای خانواده با در نظر گرفتن واقعیت خود را منتظر شنیدن هر خبر ناگواری کرده بودیم»

قرنطینه اجباری مسافران در هتل با هزینه شخصی

خواهد کرد. تروود که پنجشنبه شب با هم‌تایان استانی خود درباره ضرورت اتخاذ تدابیر محدودکننده جدید در زمینه مسافرت گفتگو کرد، افزود: «وقتی پای امنیت و سلامت شهروندان در میان باشد، هیچ گزینه و احتمالی منتفی نیست.»

فرانسوا لوگو خواستار آن شده است که دولت فدرال پروازهای بین‌المللی غیرضروری را ممنوع کند. لوگو در عین تاکید کرده که راه حل موثر دیگری که دولت نیوزیلند به اجرا گذاشته و اتاوا نیز می‌تواند آن را به اجرا گذارد این است که مسافرانی را که از کشورهای خارجی می‌آیند بلافاصله در بدو ورود به کشور به مدت دو هفته با هزینه خودشان تحت نظر در هتل‌ها قرنطینه کند.

بیل بلر وزیر امنیت عمومی کانادا نیز تاکید کرد اتاوا برای محدود کردن سفرهای غیرضروری بین‌المللی، پیگیری و ردیابی تماس با افراد مبتلا به کووید ۱۹ و همچنین افزایش کارایی قرنطینه تدابیر مختلفی در نظر گرفته است.

اتاوا قرنطینه اجباری مسافران در هتل با هزینه خود آن‌ها را مد نظر قرار داده است

دولت فدرال مطابق با پیشنهاد فرانسوا لوگو وزیر اول کبک قصد دارد مسافرانی را که از کشورهای خارجی وارد کانادا می‌شوند، با هزینه خودشان در هتل قرنطینه کند.

به گزارش هفته، به نقل از ژورنال دو مونترال، جاستین تروود نخست‌وزیر کانادا روز جمعه ۲۳ ژانویه تاکید کرد یکی از گزینه‌هایی که دولت کانادا به منظور مقابله هر چه بهتر با شیوع ویروس کرونا توسط مسافران مد نظر قرار داده این است که آن‌ها را به محض ورود به کشور به مدت دو هفته با هزینه خودشان در هتل قرنطینه کند.

تروود تصریح کرد این فقط یکی از گزینه‌هایی است که اتاوا به منظور منصرف کردن شهروندان از سفرهای غیرضروری در دوره پاندمی مد نظر قرار داده است و درباره تدابیر پیشگیرانه جدیدی که در این زمینه اتخاذ خواهد شد، دولت طی روزهای آینده جزئیات بیشتری منتشر



وی افزود اتاوا با دولت جدید آمریکا نیز در تماس است تا در زمینه کنترل‌های مرزی با همسایه خود به یک موضع مشترک دست یابد.

رشد کلاهبرداری در دوران پاندمی

پاندمی کرونا و افزایش شدید کلاهبرداری در سال ۲۰۲۰ سال گذشته در حالی که همه چیز تحت تاثیر پاندمی کرونا قرار داشت، کلاهبرداران نه تنها دست از کار نکشیدند بلکه از راه‌های مختلف تلاش کردند از فرصتی که این بحران بهداشتی به وجود آورده است، برای برداشتن هر چه بیشتر کلاه کانادایی‌ها استفاده کنند.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، تازه‌ترین اطلاعاتی که «مرکز ضدتقلب» کانادا منتشر کرده حاکی از آن است که نزدیک به ۴۰ هزار کانادایی سال گذشته با

یک کلاهبرداری مالی روبرو شدند، رقمی که رشد قابل توجهی را نسبت به سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد. کارشناسان می‌گویند بخش قابل توجهی از ترفندهایی که کلاهبرداران سال گذشته به کار بستند، به نوعی با پاندمی کرونا ارتباط داشت.

طبق اعلام مرکز ضدتقلب کانادا، نزدیک به ۶۷ هزار گزارش تقلب در سال ۲۰۲۰ در این نهاد ثبت شد که تقریباً ۲۰ هزار فقره بیشتر از سال ۲۰۱۹ بود. ضرر و زیان‌های مالی ناشی از این کلاهبرداری‌ها بالغ بر یکصد میلیون دلار تخمین زده می‌شود. سال ۲۰۱۹ نیز خسارات ناشی از کلاهبرداری در کشور تقریباً همین میزان اعلام شده بود.

کلاهبرداران برای سوءاستفاده از تنهایی و انزوی

کانادایی‌ها و خالی کردن جیب آن‌ها در دوره پاندمی، تردید به خود راه ندادند. طبق گزارش مرکز ضدتقلب کانادا، کلاهبرداری‌های احساسی و عاشقانه یکی از رایج‌ترین ترفندهایی بود که سال گذشته کانادایی‌ها با آن مواجه شدند. یکی دیگر از راه‌های شیره مالیدن به سر کانادایی‌ها در دوره پاندمی به خرید و فروش سگ‌های همراه مربوط می‌شد.

گی پل لاروک افسر ژاندارمری سلطنتی کانادا که در مرکز ضدتقلب کانادا کار می‌کند، می‌گوید سال گذشته گزارش‌های متعددی دریافت کردیم مبنی بر این که شهروندان برای درآمدن از تنهایی، اقدام به خرید اینترنتی سگ همراه از نژاد خاصی کرده اما هرگز آن را دریافت نکرده‌اند.



رئیس و مهرنوش احمدی مدیر کمیته سلامت روان کنگره اعلام شدند. برای لینک زوم به کانال تلگرامی هفته مراجعه کنید.

نشستی با مهرنوش احمدی عضو هیئت مدیره کنگره ایرانیان کانادا

طرف کنگره ایرانیان کانادا برپا نمی‌شود و برای شرکت در آن نیازی به عضویت در کنگره نیست. مدت زمان جلسه ۹۰ دقیقه است و علاقه‌مندان برای شرکت نیازی به ثبت‌نام ندارند و کافی است از طریق لینک زیر روی پلتفرم زوم، برنامه را دنبال کنند. این جلسه در روز پنج‌شنبه ۲۸ ژانویه بین ساعت ۲۰ تا ۲۱:۳۰ به وقت شرق کانادا (ساعت ۱۷ تا ۱۸:۳۰ به وقت ونکوور) برگزار خواهد شد.

لازم به ذکر است در روز ۱۳ دسامبر ۲۰۲۰ مجمع عمومی سالانه کنگره ایرانیان کانادا برپا و انتخابات هیئت مدیره جدید نهایی شد. روز چهارم ژانویه ۲۰۲۱ هیئت مدیره جدید اولین نشست رسمی خود را داشت. طبق تصمیمات این جلسه مسلم نوری رئیس جدید، آرزو خدیر نایب

بنا به درخواست جمعی از اعضا و داوطلبان کنگره ایرانیان کانادا یک جلسه مهرنوش احمدی، عضو کنگره ایرانیان کانادا دومین نشست خود را با اعضا برگزار می‌کند. به گزارش هفته به نقل از اطلاعیه منتشر شده توسط گروهی از اعضای کنگره ایرانیان کانادا، روز هفتم ژانویه ۲۰۲۱ نخستین جلسه با مهرنوش احمدی برای ارائه گزارش و همفکری صورت گرفت. بنا به اطلاعیه مذکور به دلیل استقبال و نظر مساعد شرکت‌کنندگان به برگزاری و ادامه این‌گونه جلسات برای گفت‌وگوی آزاد و تبادل نظر، قرار جلسه بعدی گذاشته شد.

در این جلسه قرار است مهرنوش احمدی گزارش تازه‌ای درباره فعالیت‌های کنگره ارائه کند.

لازم به توضیح است که این نشست‌ها به طور رسمی از



فرم زیر را پر کنید. همچنین از شما صمیمانه خواهش می‌کنیم که این فرم را با دوستان خود به اشتراک بگذارید تا بتوانیم به تعداد بیشتری از هموطنانمان کمک کنیم.»

واکنش کنگره ایرانیان کانادا به محدودیت بانک‌های کانادایی برای برخی ایرانیان کانادایی

به گزارش هفته به نقل از کانال تلگرامی کنگره ایرانیان کانادا، بر اساس بیانیه کنگره ایرانیان کانادا، این نهاد قصد دارد تا در راستای دفاع از منافع جامعه ایرانی-کانادایی، به این مسأله رسیدگی کند. در این بیانیه اعلام شده است: «چنانچه تحت تاثیر این اقدامات بانک‌ها قرار گرفته‌اید و مایل هستید که کنگره مشکل شما را پیگیری کند، لطفاً

برخی از بانک‌های کانادا، با ارسال نامه‌ای به تعدادی از اعضای جامعه ایرانی کانادایی اعلام کرده‌اند که طی چند هفته دارای خود را به موسسه یا بانک دیگری منتقل کنند و در غیر این صورت، حساب بانکی آنان بسته خواهد شد. در موارد دیگری ذکر شده که برخی بانک‌ها خدمات خود را به ایرانی کانادایی‌ها محدود کرده‌اند.

چرا باید به بازنشستگی اهمیت بدهیم؟ گزارش یک وینار



برای شنیدن صحبت‌های کاربردی عبدالله صفوی می‌توانید این وینار را در فیسبوک همه چیز در مورد مونترال ببینید.

همچنین آقای صفوی اعلام کرده است که برای یک مشاوره نیم ساعته رایگان در خدمت علاقه‌مندان است.

بازنشستگی گفته می‌شود. زمانی که دیگر هزینه تحصیل فرزندان نیست ولی هزینه سفر و دارو و درمان، تعمیرات سقف خانه، خرابی ماشین، و ... هنوز وجود دارد. طبیعی است که دیگر نمی‌توان برای هزینه‌هایی این چنینی به ساعات کار خود اضافه کرد زیرا دوران، دوران بازنشستگی است. البته این هزینه‌ها به سبکی که شما برای زمان بازنشستگی انتخاب می‌کنید هم بستگی دارد ولی در هر حال هر شکلی را انتخاب کنید چه سفر با یک کوله دور دنیا، چه همانند دوران قبل از بازنشستگی ادامه دهید و نیاز دارید که مراقب هزینه‌هایتان باشید.»

این مشاور امور مالی سپس افزود: «نیاز به برآورد هزینه زندگی دوران بازنشستگی، یک حساب پس انداز که دارای در آن سیو شود و روشی که مالیات کمتری پرداخت کنید تا پس انداز بیشتری داشته باشید.»

یک وینار مالی روز جمعه بیست و دوم ژانویه ۲۰۲۱ ساعت ۲۱:۳۰ به وقت شرق کانادا به صورت مجازی برگزار شد. آقای عبدالله صفوی مشاور امنیت مالی و سرمایه‌گذاری سخنران این برنامه بود.

چرا باید به بازنشستگی اهمیت بدهیم؟ صحبت با این پرسش از طرف آقای صفوی شروع شد.

بازنشستگی مقصدی است در پایان راه تلاش حرفه‌ای و در شرائط معمولی همه در زمانی کاملاً مشخص و از پیش تعریف شده به آن می‌رسند. پس چه بهتر که از قبل به فکر این دوران باشند و آن را به دوران طلایی زندگی خویش تبدیل کنند.

عبدالله صفوی گفت در این نشست گفت: زندگی دو مرحله دارد مرحله اول زمانبست که نیروی جوانی هست و می‌توان کار کرد. و مرحله دوم زمانی که توان کار کاهش پیدا کرده و به اصطلاح به آن دوران



پاندمی کرونا یک ساله شده، کارگاهی برای بررسی تاثیرات آن

دکتر نیما مشعوف؛ اپیدمیولوژیست در کلینیک Quartier و chargé de cours در دانشکده بهداشت عمومی دانشگاه مونترال، دکتر هانا مختاری؛ متخصص بیماری‌های عفونی، نینا ممیشی؛ پرستار و پژوهشگر و دکتر تینا فرشادگهر؛ پزشک و محقق روانپزشکی، از کارشناسان این گفت‌وگو هستند.

این برنامه جمعه ۲۹ ژانویه ساعت ۱۹ به وقت شرق کانادا برگزار می‌شود.

یک سال پس از همه‌گیری کرونا، کارگاهی برای بررسی این پاندمی با همکاری «انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه مونترال» (کاسپین) و «خانه ایران» برگزار می‌شود.

به گزارش هفته، به نقل از کانال تلگرامی کاسپین، چهار کارشناسان مونترالی در این برنامه حضور دارند و در مورد پاندمی کرونا، آخرین اطلاعات و اخبار درباره راه‌های درمان، مراقبت‌های لازم و واکسیناسیون به گفت‌وگو می‌پردازند.



استخدام اداره آمار برای سرشماری ۲۰۲۱ در سراسر کانادا

سلامت عمومی، بازار کار و شرایط اضطراری به کار گرفته خواهند شد.

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد مشاغل موجود در سرشماری ۲۰۲۱ و روند استخدام، به لینک زیر مراجعه کنید. / منبع خبر کانال تلگرامی همه چیز برای ایرانیان اتاوا

اداره آمار کانادا، ۳۲ هزار نفر را برای سرشماری و جمع‌آوری داده‌های ضروری برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان در سراسر کانادا استخدام می‌کند. بخشی از یک کار بزرگ باشید و به تیم سرشماری ۲۰۲۱ بپیوندید!

این سرشماری تصویری از جمعیت کانادا و مکان‌های زندگی افراد را ترسیم می‌کند. اطلاعات حاصل از سرشماری، برای سیاست‌گذاری در حوزه‌هایی نظیر

<https://census.gc.ca/jobs-emploi-eng.htm>

اخبار باهمستان در

اتاوا

جشنواره نوروزی شکوفه‌های ایرانی اتاوا

کانون شکوفه‌های ایرانی اتاوا اعلام کرد کودکانی که تمایل به شرکت در یکی از برنامه‌ها را دارند، اسم، سن و برنامه مورد علاقه خود را به ایمیل شکوفه‌ها ارسال کنند. لازم به ذکر است مهلت تنها تا اول فوریه ۲۰۲۱ است.

در ادامه خبر آمده است بعد از این تاریخ فرصت برای فرستادن آثار و ویدئوها باقی‌ست.

اطلاعات بیشتر از طریق ایمیل در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

برای ارتباط با برگزارکنندگان از لینک‌های زیر استفاده کنید

@MaryKamk

@SalmaYar

@kavehshakouri

<https://t.me/Skokoofehayeottawa>

@Skokoofehayeottawa

«کانون شکوفه‌های ایرانی اتاوا» یک جشنواره نوروزی برای کودکان ایرانی اتاوا به صورت مجازی برگزار می‌کند.

به گزارش هفته به نقل از کانال تلگرامی کانون شکوفه‌های ایرانی اتاوا، این کانون از کودکان برای یک سری برنامه دعوت به همکاری کرده است.

این جشنواره در روز یکشنبه ۲۱ مارچ بین ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸ برگزار خواهد شد. مسئولان این برنامه اعلام کرده اند که در زمینه‌های زیر نیاز به همیاری داوطلبان دارند.

- شرکت در همخوانی سرود ای ایران
- شرکت در همخوانی سرود ملی کانادا («او کانادا»)
- فرستادن نقاشی برای تهیه کلیپ
- هنرنامه‌ای در کلیپ شو لباس و هفت‌سین و نوروز
- «تلنت شو»: استعدادیابی
- کلیپ نقاشی
- ویدئو کلیپ نوروزی

شکوفه‌های نوری نوروزی ایرانی
Shkooofehaye Virtual Norooz Celebration

If your kids are interested in:

- Performing National Anthem
- Performing Iranian Song
- Talent Show
- Traditional Oriole Show
- Drawing Clip
- Skit Show
- Video Clip

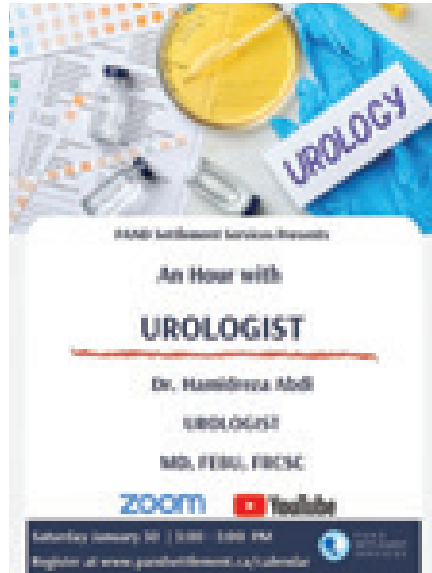
Please contact us:

shkooofehayeottawa@gmail.com

Sunday March 21
۱۶:۳۰ - ۱۸:۰۰ PM

یکشنبه ۲۱ مارچ ۱۴۰۱
۱۶:۳۰ - ۱۸:۰۰ عصر

نشستی با یک متخصص اورولوژی



از مجموعه جلسات سلامتی «سازمان پند»، جلسه‌ی پیش رو به نشست با متخصص اورولوژی اختصاص داده شده است.

به گزارش هفته، به‌منقل از کانال تلگرامی سازمان پند، این جلسه سلامتی روز شنبه ۳۰ ژانویه ۲۰۲۱ بین ساعت ۱۵ تا ۱۷ برگزار می‌شود.

سخنران این جلسه دکتر حمیدرضا عبدی است.

دکتر حمیدرضا عبدی درباره کلیه و مجاری ادراری صحبت می‌کند و سپس به سوال‌های شرکت کنندگان نیز پاسخ خواهد داد. شرکت در این جلسه برای همه آزاد و رایگان است. از طریق لینک زیر می‌توانید برای شرکت در این جلسه اقدام کنید. ایمیل حاوی لینک جلسه از طرف زوم برای ثبت‌نام کنندگان ارسال خواهد شد.

<https://us02web.zoom.us/j/97926380558?pwd=TWZ3cVNrKkRtZMsc-ivrzkuHNTK5WB34gfD4vcNV7U0jmxP>

برای دریافت لینک ثبت‌نام به کانال تلگرامی هفته [@haftehmontreal](https://www.haftehmontreal.ca) مراجعه کنید.

آموزش یوگا در منزل

انجمن فرهنگی هنری ایرانیان اتاوا (پاکسو) یک کلاس یوگا را به صورت هفتگی و مجازی برگزار می‌کند.

به گزارش هفته، به‌منقل از کانال تلگرامی پاکسو، این کلاس‌های یوگا روزهای سه‌شنبه ساعت ۱۹ تا ۲۰ برگزار می‌شوند. مدرس و مربی جلسات خانم مریم قدرت است.

در ادامه این اطلاعیه آمده است که برای شرکت در این کلاس‌ها نیازی به هیچ تجربه‌ای نیست. حرکات طوری انتخاب و طراحی شده‌اند و همینطور شیوه توضیح مربی به گونه‌ایست که برای همه‌ی افراد قابل اجرا هستند.

وسایل مورد نیاز: مت یوگا، یک بالش کوچک یا تشکچه

کلاس‌های یوگای پاکسو رایگان برگزار می‌شوند.

علاقه‌مندان به این رشته ورزشی-سلامتی می‌توانند از طریق لینک زیر روی پلتفرم زوم در این کلاس شرکت کنند.

Meeting ID: 979 2638 0558

Passcode: 304542

<https://zoom.us/j/97926380558?pwd=TWZ3cVNrKkRtZMsc-ivrzkuHNTK5WB34gfD4vcNV7U0jmxP>

RQRml2ZHpmR3pYN2ZBU09

خسارات ناشی از برف و یخ زدگی به ساختمان‌ها و خانه‌ها و نحوه مواجهه و پیشگیری از آنها



با آن دست به گریبان هستند، آب گرفتگی منازل به دلایل مختلف از جمله بارش باران و آب شدن برف‌های زمستانی هست که ضرر مالی قابل توجهی نیز به ملک وارد خواهد کرد، دومین سمینار در تاریخ شنبه ۵ سپتامبر برگزار شد که طی آن پیرامون خسارت‌های ناشی از آب گرفتگی منازل و راه و روش مواجهه با آن همراه با طرح و بررسی نمونه‌های واقعی صحبت شد.

آتش سوزی در منازل نیز به دلیل مواد و مصالح به کار رفته در ساختمانها از جمله عواملی هست که باعث ایجاد آسیب‌های فراوان و ضرر مالی و جانی قابل توجهی می‌شود از این رو سومین جلسه در تاریخ شنبه ۷ نوامبر به موضوع عوامل رایج آتش سوزی، نحوه پیشگیری و خسارت‌های ناشی از آتش سوزی اختصاص پیدا کرد.

همچنین زمستان‌های بسیار سرد و طولانی و بارش سنگین برف در اتاوا و سایر شهرهای کانادا که باعث تجمع برف روی لبه بام و درچه‌های روی سقف می‌شود خسارت‌های زیادی به منازل و ساختمان‌ها وارد می‌کند که ضرر مالی قابل توجهی برای مالک ساختمان به همراه دارد، بدین سبب در آخرین سمینار از این دوره روز شنبه ۱۶ ژانویه پیرامون خسارت‌های ناشی از بارش برف و یخ‌زدگی در ساختمان‌ها و نحوه مواجهه و پیشگیری از این آسیب‌ها بحث و گفتگو شد.

کاوه شکوری درباره برنامه آینده سازمان پند در همین راستا افزود:

«در سال ۲۰۲۱ نیز در ادامه این دوره و با هدف آگاه‌سازی

روز شنبه ۱۶ ژانویه ۲۰۲۱ سازمان پند یک سمینار در رابطه با خسارات ناشی از بارش برف و یخ زدگی به ساختمان‌ها و خانه‌ها و نحوه مواجهه و پیشگیری از آنها برگزار کرد. آقای کاوه شکوری مدیر سازمان پند در همین رابطه به هفته توضیح داد:

«از آنجا که شرایط آب و هوایی در کانادا بسیار متغیر است، عدم آشنایی و توجه به نکات مهم و ضروری تعمیرات و نگهداری منازل باعث می‌شود در طول سال آسیب‌های قابل توجهی به ساختمان‌ها و منازل مسکونی وارد شود که این مشکلات و آسیب‌ها اغلب با ضررهای مالی برای صاحبان منازل و خریداران ملک همراه هست.

از این رو در سازمان پند (پشتیبانی و توانمند سازی ایرانیان و فارسی زبانان اتاوا) بر آن شدیم تا در قالب سلسه سمینارهای مهندسی قانونی، به بررسی این مشکلات و آگاه‌سازی جامعه برای آماده‌سازی خانه‌ها و اطلاع از نحوه پیشگیری و مواجهه با آن مشکلات بپردازیم.

بر اساس نظر سنجی که از مخاطبین انجام شد سه مشکل و نگرانی اصلی، آب گرفتگی منازل، آتش سوزی و بارش برف و یخ زدگی در ساختمان‌ها اعلام شد، بدین جهت سه سمینار تخصصی در این رابطه برگزار شد که در اولین جلسه روز شنبه ۲۵ جولای در سمینار «مهندسی قانونی برای خریداران ملک»، پیرامون مفهوم کلی مهندسی قانونی و خدمات و پوشش‌های مربوطه صحبت شد.»

این فعال اجتماعی در ادامه توضیح خود آورده است: «از آنجا که یکی از نگرانی‌هایی که خریداران و مالکان خانه

جامعه از مراحل قانونی شکایات، در نظر داریم سمیناری با هدف معرفی و آشنایی با روند دادرسی دعاوی قراردادهای ساختمانی و ساخت و ساز (مخصوص مالکین املاک، پیمانکاران و مهندسیین) و نیز آشنایی با تغییرات جدید در قوانین ساخت و ساز و رویه قضایی جدید دادرسی همراه با معرفی ساختار جدید دادرسی سریع، نحوه تشکیل پرونده و ارائه دادخواست و دفاع در تاریخ شنبه ۲۰ فوریه برگزار کنیم که جزئیات بیشتر از طریق کانال تلگرامی و وبسایت سازمان پند www.pandsettlement.ca به زودی منتشر خواهد شد.»

Ali Samadian

Real Estate Broker



438.504.5922

مشاور املاک مسکونی و تجاری در مونترال بزرگ



- متخصص در خرید و فروش واحدهای آپارتمانی و منازل ویلایی
- برای مشورت یا من اعراض بگیریید، بدون تعهدی از سوی شما در خدمتتان هستیم

علی صمدیان

مشاور املاک

لیسانس رشته شهرسازی

حامد ملکی

Hamed Maleki

- خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- توجه و کمک به امد وام مسکن با کمترین نرخ
- ارزایی رایگان ملک و آمار مناطق مختلف
- مونترال، جهت خرید

hamadmaleki@multi.ca
(514) 507-1929

مشاور و سرمایه مسکن در استان کبک



بهار ایزدی

مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ
خرید، فروش و پیش فروش

MIMMOBILIER
BAHAR IZADI
REAL ESTATE ADVISOR

BUY
SALE
PRESALE



انتخاب خوب هنر است



514 651 48 26

برای انتخاب هوشمندانه یا من اعراض بگیریید.
bahar@immovest.ca

MARYAM RAMEZANLOO

Courtier hypothécaire

مریم رمضانلو

کارشناس وام مسکن

- کاره واریس
- تجربه وام
- خود اشتغالی
- سرمایه گذاری
- مشورتی به وام دهندگان خصوصی
- پرداخت منظم
- تیمم کریسیتل

خدمات وام مسکن در زمان و مکان مورد نظر شما
ارائه بهترین نرخ بهره و وام
مطابق شرایط منحصر به فرد شما در کوتاه ترین زمان مسکن

mramazanloo@multi-profs.ca
438-826 5626

1 boulevard Taschereau, suite 212, Brossard, Québec, J4Z 1A8, B7R5

مغز ایرانی فیزیک کوانتوم، از کردستان تا پایتخت کانادا
گفت‌وگوی اختصاصی هفته با پروفسور ابراهیم کریمی، فیزیکدان و
برنده مدال هرتزبرگ ۲۰۲۰:

سختی‌های مهاجرت در مقابل جنگ چیزی نیست

مقاله: کرد بودن آسان نیست



محاسبات ریاضی روی جلد بخشی از پژوهش‌های
دکتر ابراهیم کریمی است.
از ایشان سپاسگزاریم

پرونده

سختی‌های مهاجرت در مقابل جنگ چیزی نیست

رشته فیزیک به دانشگاه شهید باهنر کرمان (افضلی پور) رفتم و در همان دوران در جشنواره خوارزمی هم شرکت کردم. تحصیل در دانشگاه کرمان نیز از جمله مقاطع مهم و تاثیرگذار زندگی من بود؛ چرا که به لحاظ تئوریک در دانشگاه کرمان به علت حضور اساتید بسیار بزرگی در آن دانشگاه، دوره آموزشی پرباری را گذراندم. پس از اخذ مدرک لیسانس در رشته فیزیک، با این که می‌توانستم در مقطع کارشناسی ارشد وارد دانشگاه شریف شوم، اما مرکز تحصیلات تکمیلی زنجان را به این منظور انتخاب کردم. این مرکز در آن زمان به وسیله آقای پروفسور ثبوتی، که خود شاگرد یکی از برندگان جایزه نوبل هستند، تازه تاسیس و بنیان‌گذاری شده و حمایت علمی می‌شد. البته باید بگویم که مرکز تحصیلات تکمیلی زنجان با دانشگاه زنجان تفاوت دارد.

■ کمی در مورد این مرکز و تفاوت آن با دانشگاه زنجان توضیح می‌دهید؟

تفاوت این مرکز با دانشگاه‌های دیگر در این بود که در آن زمان مرکز تحصیلات تکمیلی زنجان فقط در مقاطع فوق لیسانس و دکترا دانشجو می‌پذیرفت و نظام آموزشی مرکز کاملاً مطابق با نظام آموزشی دانشگاه‌های معتبر اروپا و آمریکا بنا نهاده شده بود. حتی زمان‌بندی ترم‌ها نیز بر اساس اصول دانشگاه‌های معتبر اروپا و آمریکا برنامه‌ریزی شده بود. دلیل این امر، ارتباطات گسترده پروفسور ثبوتی با اساتید بزرگ این دانشگاه‌ها در خارج از ایران بود. با آن که خود ایشان در ایران مستقر بودند، اما در بسیاری مواقع، اساتید بزرگ دانشگاه‌های خارجی را برای تدریس به مرکز تحصیلات تکمیلی زنجان دعوت می‌کردند. این بزرگ‌ترین تفاوت و مزیت آن مرکز نسبت به دیگر دانشگاه‌ها در ایران بود. به همین دلیل امروز هم تنها دانشگاهی که در ایران با آن همکاری می‌کنم، همان مرکز تحصیلات تکمیلی زنجان است که در پرورش استعداد‌های نسل جوان بسیار موفق و کوشا عمل می‌کند و علاوه بر آموزش‌های تئوری، آزمایشگاه‌های عملی مجهز به تکنولوژی روز را نسبت به دیگر دانشگاه‌ها در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند. هنوز هم اساتید بسیار برجسته‌ای در آن مرکز حضور دارند و از نظر علمی در دنیا بسیار شناخته شده است.



در شهرستان سقز گذراندم. در دوران دبیرستان برای شرکت در سه مسابقه فیزیک در سطح کشوری و یک المپیاد ریاضی که در سطح کشور برگزار می‌شد، انتخاب شدم. جالب این که در مقطع دبیرستان، در درس ریاضی بسیار بهتر از درس فیزیک بودم، اما دبیران مربوط به درس فیزیک، آقایان سیدیان، بهاری، اردلان، حیدری، سیدهاشمیان و غفوری بسیار در این درس به من کمک کردند، که از این فرصت برای تشکر صمیمانه از آنها استفاده می‌کنم.

در زندگی، افراد بسیاری از اقوام و دوستان به پیشرفت‌های ما کمک می‌کنند اما در مقطعی از زمان، برخی از افراد هستند که تاثیر بسیار شگرفی بر زندگی آدمی می‌گذارند و مسیر زندگی انسان را تغییر می‌دهند. این بزرگواری که از آنها نام بردم از جمله کسانی بودند که این تاثیر شگرف را بر زندگی من و تغییر مسیر زندگی‌ام داشته‌اند.

پس از اخذ دیپلم، برای تحصیل در دوره کارشناسی در

پروفسور ابراهیم کریمی متولد ۱۳۵۷ در سقز استان کردستان است. او تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی‌ارشد رشته فیزیک در ایران به پایان رساند و برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا به ایتالیا مهاجرت کرد. پس از اخذ دکترا و پژوهش در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ به کانادا مهاجرت کرد. ایشان علاوه بر جوایز متعددی که در این حوزه کسب کرده است، در ماه دسامبر سال ۲۰۲۰ موفق به اخذ مدال هرتزبرگ از انجمن فیزیکدانان کانادا شد. با این فیزیکدان برجسته پیرامون زندگی، فیزیک، جنگ و مهاجرت به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه از نظراتان می‌گذرد.

■ دوران کودکی تا جوانی شما در ایران چگونه گذشت؟

من «ابراهیم کریمی» متولد سال ۱۳۵۷ خورشیدی در شهرستان سقز واقع در استان کردستان ایران هستم. تحصیلات ابتدایی را تا پایان مقطع متوسطه

در زمان تحصیل من، مرکز تحصیلات تکمیلی زنجان فقط در دو رشته فیزیک و ریاضی دانشجو می‌پذیرفت اما بعدها رشته‌های شیمی و علوم کامپیوتر هم به مرکز اضافه شد و هم‌اکنون در این دو رشته نیز به جذب دانشجویان واجد صلاحیت می‌پردازد.

■ پس از پایان دوره کارشناسی ارشد به چه فعالیتی مشغول شدید؟

◀ در سال ۱۳۸۲ خورشیدی در مقطع کارشناسی ارشد فیزیک فارغ‌التحصیل شدم و با توجه به این که از چند دانشگاه دیگر پذیرش بورسیه داشتم، اجازه تحصیل در خارج از کشور را پیدا نکردم و به خدمت سربازی اعزام شدم. در دوران خدمت سربازی با عنوان «استاد وظیفه»، سه سال در دانشگاه کردستان به تدریس مشغول بودم و در همان دانشگاه با همسر، خانم راحیل گلی‌پور، آشنا شدم و در سال ۱۳۸۴ ازدواج کردیم.

■ چه زمانی از ایران مهاجرت کردید؟

◀ در سال ۱۳۸۶، ایران را به مقصد ایتالیا ترک کردم و در دانشگاه ناپل «فدریکو سکندو» (که جزو شش دانشگاه قدیمی جهان است) به تحصیل مشغول شدم. در طی دو سال‌ونیم، مقطع دکترا را به پایان رساندم. پس از پایان مقطع دکترا، به مدت دو سال در پروژه‌های تحقیقاتی به نام «PHORBITECH» که در اتحادیه اروپا

به عنوان پژوهشگر این جایزه (کرسی تحقیقاتی کانادا) را به صورت مستقیم از آقای جاستین ترو دو دریافت کردم. پس از دریافت این جایزه، دانشگاه مربوطه کلیه مسائل مرتبط به کار و تحقیق را مورد حمایت قرار خواهد داد. حمایت مالی این محققان از سوی دولت کانادا انجام می‌شود و سالانه مبلغ قابل توجهی صرفاً برای انجام امور تحقیقاتی در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

■ شما موفق به اخذ جوایز متعدد دیگری شدید. در مورد این جوایز توضیح می‌دهید؟

◀ در سال ۱۳۹۶ خورشیدی (۲۰۱۷ میلادی)، جایزه «Minister Of Ontario» را گرفتم که این جایزه نیز بودجه‌ای را برای انجام تحقیقات فراهم می‌کند. در سال ۱۳۹۷ خورشیدی (۲۰۱۸ میلادی) موفق به اخذ عنوان پژوهشگر برتر سال دانشکده علوم شدم و در سال بعد عنوان پژوهشگر برتر دانشگاه را اخذ کردم.

جریان داشت، به عنوان مرحله فوق دکترا مشغول به کار و پژوهش شدم. پس از پایان این مقطع در سال ۱۳۹۱ خورشیدی (اواخر سال ۲۰۱۲ میلادی)، اروپا را به همراه همسر به مقصد کانادا ترک کرده و مقیم این کشور شدیم. از سال ۱۳۹۴ خورشیدی (۲۰۱۵ میلادی) به عنوان استاد و دارنده‌ی کرسی تحقیقاتی کانادا در دانشگاه اتاوا مشغول به کار و تحقیق شدم.

■ لطفاً در مورد محقق برتر در کانادا توضیح بفرمایید؟

◀ هر ساله دولت کانادا سهمیه محدودی از محققین شناخته شده در علوم مختلف را برای تحقیقات جذب می‌کند. این افراد باید در تخصص خود دارای نوآوری و پیشنهاد شده از سوی اساتید برتر آن رشته در جهان باشند. میزان و مجوز این سهمیه مستقیم زیر نظر دولت فدرال کانادا و شخص نخست‌وزیر است و من نیز

ابراهیم کریمی

گُرد بودن آسان نیست

مادر به صورتم سیلی زد وقتی به او گفتم: «موقع دویدن، دست برادرم از دستم رها شد». سی سال پیش بود، وقتی هنوز ده ساله بودم. صبح زود، هواپیماهای جنگنده عراقی شهر ما، سقز، را بمباران کردند. ما مثل بقیه بچه‌ها در مدرسه بودیم. در لحظه‌ای شهر یکپارچه دود و آتش و فریاد شد. در آن بلوا، هراسان به سمت خانه که فقط پنج دقیقه با مدرسه فاصله داشت دویدم. در آن همه‌مه، وقتی مادر، خواهر و برادرانم را دیدم کمی آرام گرفتم. پدر اما نبود. چند سال قبل توسط رژیم ایران دستگیر و به اعدام محکوم شده بود؛ چرا که حامی یک حزب سیاسی گُرد مخالفت حکومت بود. آسمان پر از اجسام درخشان بود. مدتی گذشت تا بفهمم اینها بمب هستند که بر سر ما می‌بارند. ما بچه‌های مدرسه به هزاران نفری که به سمت حومه شهر می‌دویدند پیوستیم و شهر تخلیه شد. در میان وحشت، فریاد و گریه جمعیت، فراموش کردم که از سلیمان، برادر کوچکم، مراقبت کنم و در میان جمعیت او را گم کردم. به مادرم که رسیدم و او فهمید که برادر همراهم نیست، به صورتم سیلی زد. به زودی برادر را پیدا کردیم، اما برای اولین بار در زندگی‌ام لمس کردم که جنگ چه بلایی سر مردم می‌آورد. مادرم که حتی در سخت‌ترین شرایط و در زمان دستگیری پدر آرام بود، خشم و هراس و واماندگی در چهره‌اش موج می‌زد. به زودی خود را در حومه شهر یافتیم و راهی روستایی شدیم که اقوام ما در آن زندگی می‌کردند. چندین ماه در آنجا ماندیم؛ جایی که من به دور از مدرسه و معلم کلاس چهارم را گذراندم. ما در مدرسه حق خواندن، نوشتن و صحبت به زبان کردی (زبان مادری خود) را نداشتیم. همان موقع فهمیدم که گُرد بودن آسان نیست. گُردها دوستی جز کوهستان ندارند. تقریباً سه سال بعد، صدام حسین از سلاح‌های شیمیایی علیه گُردها استفاده کرد و بیش از ۳۰۰۰ غیرنظامی را در یک لحظه قربانی کرد و بیش از ۱۰ هزار نفر تا آخر عمر تحت تأثیر عوارض ناشی از این سلاح‌ها قرار گرفتند.

” در مخابرات کوانتومی ما توانسته‌ایم تکنیک‌هایی ابداع و آزمایش کنیم که این نوع کدگذاری به صورتی انجام شود که به هیچ عنوان و با هیچ وسیله‌ای قابل رمزگشایی و کشف نیست. امنیت بالای مخابرات کوانتومی به این دلیل است که بر اساس روابط ریاضی عمل می‌کنند و بر اساس روابط فیزیکی کار می‌کنند. به این دلیل که در روابط فیزیکی محدودیت‌هایی در اندازه‌گیری‌ها وجود دارند که با استفاده از آن محدودیت‌ها، مخابرات کوانتومی به وجود می‌آوردیم که کاملاً امن و غیر قابل هک است.

■ چه تحقیقاتی در حوزه فیزیک کوانتوم منجر به اخذ این جایزه شد؟

گروه ما در حوزه فوتون، کوچک‌ترین ذره نور و الکترون کوچک‌ترین ذره‌ای که دارای بار الکتریکی است، تحقیق می‌کند. این دو ذره هیچ ابعادی ندارند؛ یعنی نمی‌توان بعد آنها را مشخص کرد. به زبان ساده‌تر می‌توانم بگویم که بسیار بسیار کوچک هستند. در علم کوانتوم، ما در حال تحقیق روی این ذرات برای استفاده در شاخه‌های جدیدی از علوم هستیم.

در این تحقیقات ما تلاش می‌کنیم که به این ذرات ساختارهای فیزیکی و ریاضی خاصی را داده تا بتوانیم از آنها استفاده کنیم. به طور مثال به وسیله این ساختار می‌توان یک شبکه مخابرات کوانتومی بسیار امن ایجاد کرد که هیچ‌کس نمی‌تواند اطلاعات مخابره شده در این شبکه را سرقت کند و یا از آن اطلاعاتی استخراج کند.

است که کمیته داوران سوابق فعالیت‌های تحقیقاتی دانشمندان برجسته کانادا را در رشته فیزیک بررسی می‌کنند. هر پژوهشگری که طی ۱۲ سال گذشته بزرگ‌ترین دستاورد علمی در رشته فیزیک را در کانادا ارائه کرده باشد به عنوان فرد منتخب برگزیده خواهد شد. هر سال یک نفر برنده دریافت «مدال هرتزبرگ» می‌شود که در سال ۲۰۲۰ من برنده مدال هرتزبرگ شدم. البته لازم است بگویم که این جایزه به گروه همکاران من اهدا شده است.

■ آیا این مدال به گروه شما در دانشگاه اتاوا اهدا شده است؟

خیر، این مدال به شخص من اهدا شده اما در تمام کارهای تحقیقاتی من گروهی حضور دارند که بسیاری از زحمات بر عهده آنهاست و من این جایزه را مدیون حضور آنان دانسته و به آنها تقدیم می‌کنم.

عین حال عضو "The Global Young Academy" شدم که سالیانه فقط ۱۰۰ نفر از پژوهشگرهای برجسته در رشته‌های مختلف علوم را پذیرش می‌کند. از طریق این جایزه راهی برای ورود محققین و دانشمندان جوان به نهادهای مختلف سازمان ملل متحد (مانند یونسکو، یونیسف و دیگر نهادهای وابسته به این سازمان) برای انجام سخنرانی و امور دیگر باز می‌شود. در آغاز سال ۲۰۲۰، عضو "The Royal Society of Canada" شدم که این موسسه نیز هر ساله فقط ۵۰ نفر از برترین محققان جهان را جذب می‌کند که این سهمیه در علوم پایه دو یا سه نفر در جهان است.

■ در مورد جایزه اخیرتان (مدال هرتزبرگ) صحبتی نکردید.

جایزه اخیر از سوی "Canadian Association of Physicists" اهدا می‌شود و روش آن به این صورت



از کودکان، زنان و سالمندان گرد و آشوری بگیرند. جهان دیگر نمی‌تواند و نباید به سادگی شاهد این قساوت در قرن بیست‌ویکم باشد. هیچ بهانه‌ای وجود ندارد که ما به نسل بعدی خود بگوییم که نتوانستیم کاری انجام دهیم. باید به‌سرعت این نسل‌کشی را متوقف کنیم. بگذارید اطمینان حاصل کنیم که هزاران کودک می‌توانند بدون کابوس در روزاوا، شمال سوریه با آرامش سر بر بالین بگذارند.

توضیح: اصل این مقاله به زبان انگلیسی در اکتبر سال ۲۰۱۹ نوشته شده که برای درج در این شماره‌ی مجله‌ی هفته ترجمه و قدری به‌روزرسانی شده است.

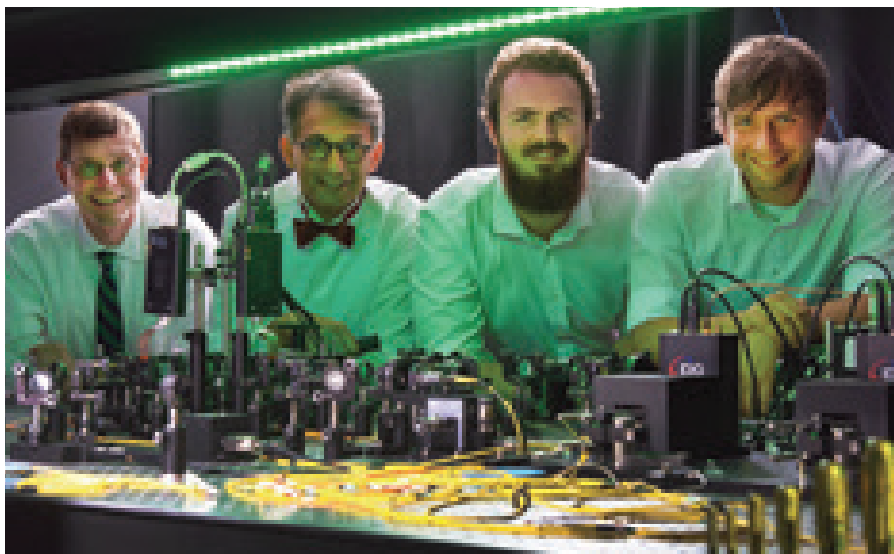
ابراز ترس و وحشتی که هر یک از ما در آن روزها تجربه کرده‌ایم دشوار است. من هنوز هم کابوس می‌بینم. بله، حتی بعد از ۳۰ سال این وحشت هنوز با من است. تمام سیاستمداران جهان تنها نظاره‌گران این جنایات بشری بودند. آنها فقط نگران تولید ناخالص داخلی خود بودند که ما هزینه‌اش را می‌دادیم و می‌دهیم. دولت‌های غربی، از جمله ایالات‌متحده، تنها به این دلیل که باید سلاح می‌فروختند، چشم بر این جنایات علیه کردها در هر دو کشور بستند.

در مقابل، کشورهای نفت‌خیز منطقه در حال خرید اسلحه از جمله سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی از کشورهای غربی بودند و کردها و یکدیگر را با این سلاح‌ها می‌کشتند. بعد از سی سال، این کابوس‌ها با من، صدها نفر از اقوام و دوستانم، برادر و مادرم و میلیون‌ها کرد دیگر عجین شده است. من مانند بسیاری از آنها، هر شب چندین بار از کابوس‌ها بیدار می‌شوم. خواب می‌بینم که جسد برادرم را حمل می‌کنم یا اعدام اعضای خانواده در روستای زادگاهم را به چشم می‌بینم.

در سالهای اخیر این کابوس‌ها واقعیت زندگی کردها شدند، بویژه برای مردان و زنان شجاعی که در مقابل دولت اسلامی عراق و شام (داعش) ایستادند. تاسف‌آور این است که کردها همیشه در کنار متحدان خود ماندند و به آنها خیانت نکردند، اما در عوض به آنها خیانت شد.

از زمان حمله ترکیه به کردها، آشوری‌ها، ارمنی‌ها و عرب‌ها در شمال سوریه، بیش از صد هزار غیرنظامی سرزمین خود را ترک کرده‌اند و بسیاری از غیرنظامیان توسط نیروهای ترکیه یا داعشی‌ها کشته یا اعدام شده‌اند.

تصمیم رئیس‌جمهور سابق آمریکا، آقای دونالد ترامپ، در پاییز سال ۲۰۱۹ برای معامله با دولت ترکیه نه‌تنها بسیاری از کردها در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داد، بلکه به وضوح عامل سرکوب کردهای منطقه به دست ارتش ترکیه و متحدانش شد. حدود ۱۲ هزار زندانی داعش در زندان‌هایی هستند که تحت کنترل کردها و متحدان آنها (عرب، آشوری و ارمنی) در شمال سوریه هستند. آنها ممکن است راهی ترکیه شوند و در آنجا دوباره اسلحه‌ها را بردارند تا به شمال سوریه برگردند و انتقام خود را



در مثالی دیگر می‌توانم به طور ساده بگویم که از فیزیک کوانتوم می‌توان برای حل کردن مسائل بسیار پیچیده ریاضی استفاده کرد و یا می‌توان با استفاده از این خصوصیات به خواص مواد مختلف پی برد، میدان‌های الکتریکی و مغناطیسی مواد مختلف را کشف کرد و تغییرات آنها را مشخص کرد. به دست آوردن خواص ذرات مختلف می‌تواند به طور مثال منجر به ساخت یک میکروسکوپ کوانتومی بسیار دقیق شود که بدون تاثیرگذاری فیزیکی یا شیمیایی بر روی نمونه، اطلاعات دقیقی از آن را در اختیار محققان قرار دهد. این مثال‌ها ساده‌ترین نوع تحقیقات ما را به صورت خلاصه شرح می‌دهد که جوایز فوق به دلیل انجام این تحقیقات به ما تعلق گرفته است. شاید مردم فکر کنند که این نوع کارها و تحقیقات بسیار نواورانه و غیرقابل دسترسی در زمان نزدیک است؛ در حالی که باید بگویم اصلاً این‌گونه نیست و مبنای بسیاری از تکنولوژی‌های جدید که هم اکنون به راحتی از آنها استفاده می‌کنیم، نتیجه همین تحقیقات است.

■ همان‌طور که اشاره کردید اینها مباحث جدی در علوم هستند. آیا این تجربیات جدید قابل انتقال به کشورهای در حال توسعه مانند ایران است؟

◀ این مطالعات جدید نیازمند وسایل و دستگاه‌های پیشرفته‌ای است که آن را محدود به کشورهایی می‌کند که دسترسی به وسایل پیشرفته آزمایشگاهی دارند و متأسفانه به دلایل مختلف (از جمله تحریم‌ها) این امکانات در ایران وجود ندارد. به طور کلی مطالعات آزمایشگاهی در ایران با مشکلات زیادی همراه است. وسایل آزمایشگاهی هزینه‌های بالایی دارند و نیاز به پشتیبانی مداوم از طرف شرکت سازنده دارند. در ایران دانشمندان بزرگی وجود دارند که کارهای تئوریک مهمی انجام می‌دهند اما در کارهای آزمایشگاهی در ایران دچار مشکل هستیم.

■ اگر موافق باشید کمی از فضای فیزیک و علم خارج شویم و به تجربیات مهاجرت شما بپردازیم. با توجه به شرایط شما، احتمالاً تجربیات متفاوتی از مهاجرت با اغلب مهاجران دارید. لطفاً در رابطه با تجربیات مهاجرت خود در اروپا و در نهایت کانادا بگویید.

◀ می‌خواهم برگردم به زمانی که شش یا هفت ساله بودم و در کردستان مشکلات زیادی داشتیم. کودک بودم که پدرم به خاطر حمایت از یک گروه سیاسی به زندان افتاد و حکم اعدام گرفت. پدر بزرگم در ملاقات با آقای منتظری توانستند برایشان عفو بگیرند اما در نهایت ۸ سال در زندان بودند. جنگ بود و هنوز یادگارهایی از جنگ برای همه ما باقی مانده است. جنگ، دربه‌دری، ویرانی و آوارگی را با خودش دارد. من به یاد دارم که کلاس چهارم دبستان را در یک روستا خواندم که معلم و برق هم نداشت. اهالی روستا

” من فکر می‌کنم بشر از کره زمین هم مهاجرت خواهد کرد. مطمئن‌ترین دلیل این می‌تواند باشد که یک روز عمر خورشید به پایان خواهد رسید و انسان به طور ذاتی به دنبال بقا و توسعه فعالیت‌های خود است. تصور می‌کنم چندین نسل از انسان‌های آینده در سفینه‌های فضایی به دنیا می‌آیند، زندگی می‌کنند و عمرشان به پایان می‌رسد تا بشر بتوانند به جای جدیدی برای زیستن برسند؛ حتی فراتر از کهکشان راه شیری.

متفاوت و مدارهای طراحی شده بسیار کوچک، نسبت به سایر پردازنده‌های موجود، مصرف انرژی بسیار کمتری دارد و این همان چیزی است که جهان امروز ما شدیداً نیازمند آن است.

البته تحقیقات ما در این زمینه هنوز در مرحله آزمایشی هستند می‌دانم تا یک دهه آینده، به این مرحله برسد، اما بسیار کاربرد دارد. به عنوان مثال شما می‌خواهید بدانید خصوصیات ویروس کرونا چگونه است، چگونه با مواد شیمیایی برهم‌کنش می‌کند یا چگونه با نور تغییر پیدا می‌کند. شما باید این ویروس را در داخل یک میکروسکوپ قرار دهید اما خود میکروسکوپ سبب می‌شود که خصوصیات ویروس تغییر پیدا کند. ما تکنیکی در این زمینه ابداع کرده‌ایم که بدون آن که خصوصیات ماده تغییر پیدا کند، بتوانیم خواص آن را شناسایی کنیم.

■ نمونه‌هایی از کاربردهای عملی که در زندگی روزمره مردم وجود دارد را بیان می‌کنید؟

◀ یکی از بدهی‌های ترین نمونه‌ها استفاده گسترده مردم در سراسر جهان از ایلکیشن‌های ارتباطی است که برای مثال واتس‌آپ را نام می‌برم در بالای همین نرم‌افزار نوشته شده کدگذاری نقطه‌به‌نقطه "End-to-End encryption". این جمله به آن معنی است که نوعی کدگذاری بین دو دستگاه در حال ارتباط وجود دارد که در مسیر انتقال، قابل رمزگشایی نیست و پیام فقط از نقطه فرستنده در نقطه گیرنده قابل دیدن می‌شود، اما هر کسی توانایی شناسایی این کدگذاری را نداشته باشد، می‌تواند پیام ارسالی را در مسیر این دو نقطه کشف و مشاهده کنند.

در مخابرات کوانتوم ما توانسته‌ایم تکنیکی ابداع کنیم که این نوع کدگذاری به صورتی انجام شود که به هیچ عنوان و با هیچ وسیله‌ای قابل رمزگشایی و کشف نیست. امنیت بالای مخابرات کوانتومی به این دلیل است که بر اساس روابط ریاضی عمل نمی‌کنند و بر اساس قانون‌های فیزیکی کار می‌کنند. به این دلیل که در روابط فیزیکی محدودیت‌هایی در اندازه‌گیری‌ها وجود دارند که با استفاده از آن محدودیت‌ها، مخابرات کوانتومی به وجود می‌آوردیم که کاملاً امن و غیر قابل هک است.

در مثال دیگری کلیه مدارهای الکترونیکی که در حال حاضر وجود دارند بر اساس قطعاتی مانند ترانزیستور، دیود و پردازنده‌ها کار می‌کنند. اگر ما به موادی دست پیدا کنیم که خواص الکتریکی و مغناطیسی خاصی داشته باشند، می‌توان مدارهایی تولید کرد که مصرف انرژی آن بسیار بسیار پایین‌تر از مدارهای کنونی خواهد بود. برای نمونه از پردازنده کامپیوتر جدید مک M1 مثال می‌زنم. این پردازنده به دلیل تکنولوژی

واکسیناسیون هم بسیاری از مردم ترجیح می‌دهند از خانه کار کنند. این خصوصیت آدمی است که خودش را با شرایط سخت، وفق می‌دهد و همیشه راهی برای حل کردن مسائل خودش پیدا می‌کند.

■ ممنون از شما که وقت ارزشمند خود را در اختیار مجله هفته قرار دادید.

من هم از شما ممنونم که به اصول رسانه‌ای پای‌بند هستید، چه برای مخاطبان کانادایی و چه برای مخاطبان ایرانی. از تمام دوستانم که به من کمک کردند تا به اینجا برسیم، تشکر می‌کنم. من بر این باورم که علم مرز ندارد و برای همه است. از خوشحالی همسهریانم، خوشحالم. از خوشحالی دوستانم، خوشحالم. از خوشحالی هموطنانم، خوشحالم. از خوشحالی افرادی که در منطقه خاورمیانه زندگی می‌کنند، خوشحالم.

در بین پیام‌های تبریکی که از دانشجویان و دوستان به من رسیده بود پیامی بود که دوستی گفته بود «من می‌خواهم مثل شما بشوم». می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و به این دوستان بگویم مثل خودتان باشید. اطمینان دارم شما خیلی خیلی بهتر خواهید بود. منتظر افراد دیگری باشید که در سال‌های آینده بیشتر از آنها خواهید شنید. مثلاً دکتر حشامی، دکتر برزنجی و دانش‌پژوهان دیگری که به سختی در حال تلاش هستند. علم مرز ندارد و منحصر به قومیت یا نژاد خاصی نیست، اما هر قوم یا کشوری به داشتن دانشمندان بزرگ خود افتخار می‌کند.

” در بین پیام‌های تبریکی که از دانشجویان و دوستان به من رسیده بود، دوستی گفته بود «من می‌خواهم مثل شما بشوم». می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و به این دوستان بگویم مثل خودتان باشید. اطمینان دارم شما خیلی خیلی بهتر خواهید بود. منتظر افراد دیگری باشید که در سال‌های آینده بیشتر از آنها خواهید شنید.

یک تجربه جالب از این تفاوت فرهنگی را در یک خاطره برایتان می‌گویم. در اواخر سال ۲۰۱۲ که به کانادا آمده بودیم، من دوست داشتم فوتبال بازی کنم. یک نفر به من اطلاع داد که در کمپ ورزشی دانشگاه، یک بازی دوستانه در جریان است. به محل مسابقه رفتم و خودم را به مربی معرفی کردم. مربی از من پرسید تجربه بازی فوتبال در کجا را داری؟ گفتم در ایتالیا و ایران فوتبال بازی کرده‌ام. با تعجب نگاه کرد و گفت: خوبی؟ گفتم: بله. دوباره پرسید: مطمئن هستی؟ گفتم: بله. من را هم‌راهی کرد تا مرا به اعضای تیم معرفی کند. وارد رختکن شدیم و با بازیکنان درشت‌اندام در لباس مخصوص مواجه شدم. جا خوردم و به مربی گفتم: «I am sorry, I meant soccer». جواب داد: «Soccer!, Who cares? اینجا بود که متوجه تفاوت فرهنگی شدم و این که فوتبال با فوتبال چقدر می‌تواند متفاوت باشد.

■ جهان بیش از یک سال است که در شرایط متفاوتی به سر می‌برد. پاندمی کرونا تمام عرصه‌های زندگی ما را تحت‌الشعاع قرار داده است. شما به عنوان یک فیزیکدان، آینده جهان را چگونه می‌بینید؟ بشر به چه سمتی خواهد رفت؟

واقعیتش را بخواهید، نمی‌دانم. سوال سختی است. می‌توانم درباره تجربه خود صحبت کنم. زمانی در فیلم جنگ ستارگان، ارتباط تصویری بین افراد دور از انتظار به نظر می‌رسید اما امروزه ما به راحتی با نرم‌افزارهای مختلف این ارتباط را برقرار می‌کنیم. من در مقابل چند سیاستمدار هم این صحبت را بیان کرده‌ام که بشر از کره زمین هم مهاجرت خواهد کرد. کوچک‌ترین دلیل این می‌تواند باشد که یک روز عمر خورشید به پایان خواهد رسید و انسان به طور ذاتی به دنبال بقا و توسعه فعالیت‌های خود است. من تصور می‌کنم چندین نسل از انسان‌های آینده در سفینه‌های فضایی به دنیا می‌آیند، زندگی می‌کنند و عمرشان به پایان می‌رسد تا بشر بتواند به جای جدیدی برای زیستن برسد؛ حتی فراتر از کهکشان راه شیری. این اوج تغییرات خواهد بود و در بین این دو چه اتفاقی رخ خواهد داد من واقعاً نمی‌دانم. بسیاری از چیزها ممکن است تغییر کند. مثلاً این که شما با سیستم‌هایی شبیه وایرلس اطلاعات را به مغزتان منتقل کنید.

بشر تجربه این تغییرات را در انقلاب صنعتی دارد. با وقوع انقلاب صنعتی، کشاورزی سنتی از بین رفت و مشاغل بیشتر به سمت بخش صنعت رفتند. دنیای امروز هم که بر مبنای خدمات و الکترونیک پایه‌گذاری شده است. در آینده نیز به طور قطع شبیه حال نخواهد بود. شرایط پاندمی به ما نشان می‌دهد که ما می‌توانیم بدون این که در اداره‌ها باشیم کارمان را از منزل انجام دهیم و من تصور می‌کنم پس از

موتوربرقی تهیه کردند که یک ساعت خاصی از طریق تلویزیون بتوانیم درس بخوانیم.

به نظر من این همه مشکل و دشواری مثل یک مسأله بود تا بتوانیم برای آن راه‌حل پیدا کنیم. من خیلی خوش‌شانس بودم که به دانشگاه راه یافتیم و تا مقطع فوق‌لیسانس هم رفتم. ممکن بود اگر دوران ریاست‌جمهوری آقای خاتمی نبود، من نتوانم ادامه تحصیل در سطح آموزش عالی داشته باشم. وقتی این مشکلات را با مسائل مهاجرت مقایسه می‌کنید، عملاً مهاجرت چیز دشواری محسوب نمی‌شود. البته کسانی بودند که تجربیات بدتری نسبت به من داشتند. مثلاً دوستی داشتم که در بازگشت به خانه دید که خانه‌شان با بمب از بین رفته است. همه ما تجربیات این‌چنینی در زندگی داشته‌ایم و خوب است که این تجربیات را با هم به اشتراک بگذاریم.

من معتقدم علم مثل موسیقی، مرز نمی‌شناسد و بهتر است آدم‌ها از فرصت‌ها استفاده کنند و چیزهایی را با بقیه به اشتراک بگذارند که شاید هیچ وقت در زندگی خود نخواهند شنید. بهتر است که از تجربیات مان حرف بزنیم.

■ چه بهتر این که تجربیات زیستی‌مان را مکتوب کنیم. به نظر می‌رسد فرهنگ شفاهی ما تاکنون، کمتر به سمت مکتوب شدن تجربیات رفته است.

بله. من دو بار این کار را انجام داده‌ام. یک بار برای نشریه Nature نوشتم که درباره کردهای سوریه بود. در آنجا نوشتم که هنوز پس از سی سال کابوس جنگ را می‌بینم. به دلیل بمباران‌های دوران کودکی، من بخشی از شنوایی‌ام را از دست داده‌ام. اینها چیزهایی است که با آدم می‌ماند.

من زمانی که فیلم جنگی می‌بینم (به‌خصوص اگر جنگ ایران و عراق باشد یا جنگ مربوط به کردها) آن شب خواب ندارم و مدام خاطرات بد به ذهنم می‌آید اما در مورد تجربه مهاجرت باید بگویم در ابعاد کوچک شما دارید وارد کشوری می‌شوید که متفاوت از شما فکر می‌کنند که البته بد نیست و می‌تواند خیلی هم خوب باشد اما شما باید یک جور دیگری در این سیستم فکر کنید و این راه و روش فکر کردن جدید را بیاموزید.

البته من در ایتالیا تفاوت‌های بسیار چشمگیری با ایران مشاهده نکردم. مردم خونگرم و مهربانی دارند و اهل مطالعه. زمانی که کوچک‌ترین اتفاق در دنیا رخ می‌دهد، همه چیز را در رابطه با آن می‌دانند. در کانادا سیستم بسیار محافظه‌کارانه‌تر است و به انسان می‌آموزد چگونه سیاستمدارانه فکر و عمل کند. این مسئله به خصوص در کانادا که تنوع (Diversity) قومی و نژادی وجود دارد مهم است و به شما اجازه می‌دهد که از زوایای متفاوتی به یک موضوع فکر کنید.



آموزشگاه آنلاین آریا آکادمی

کلاس‌های آمادگی امتحانات پزشکی کانادا MCCQE
آموزش زبان انگلیسی



www.aryaed.com

514-839-4444

MON-FRI 4 PM TO 9 PM

سحر صمدایی

مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی دقیق ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک در آملدرا



Sahar Samadaei
 Counter Immobilien vicedirektor
 sahar.samadaei@gmail.com
 Tel: 514-625-2525

etAgency
 REAL ESTATE AGENCY



MAT IN TIREHDAST
 Financial Advisor at Industrial Alliance

مشاور امور مالی فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی شریف و ETS

- بیمه عمر
- بیمه مسافرتی
- بیمه وام مسکن
- بیمه از کفرو افتادگی
- برنامه های باز نشستی
- حساب سرمایه گذاری کودکان
- حساب های پس انداز و سرمایه گذاری



متین تیره دست

514-690-6181

خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری



کازم پرتو تهرانی

مشاور رسمی املاک در کبک

Kazem Partow Tehrani Real Estate Broker



به همراه یک تیم حرفه ای

514 - 971-7407



پیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال

لیه وام مسکن با بهترین نرخ بانکی

مشاوره برای املاک در آملدرا

ارزیابی و اجتنان منزل شما

پرداخت هزینه محضر به عنوان کافو به خریداران ملک

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک

تازه واردان: استقرار مهاجران تازهوارد در دوران پاندمی

گفت‌وگو: موفقیت‌ها و موانع ورزشکاران مهاجر

گفت‌وگو با سهام احمدی عضو تیم ملی فریبی
افغانستان

کودکان: در ایران افغان بودن جرمی

بزرگ و نابخشودنی است

مهاجرت

Montreal Office:
Tel: 514-389-6044 (office) / 514-778-9011 (Mobile)
Toll free from Iran: 021-85312878
Address: 1117 Sainte-Catherine West, suite #511,
Montreal, Quebec, H3B 1H0
Email: info@icpimmigration.com
Tehran Office:
Tel: 021-2289-4567 / Mobile: 0607-489-6676

📍 @ICPimmigrationToCanada

📞 @icpimmigrationco 📧 icpimmigrationontocanada

معصومه علیمحمدی

با گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات در زمینه اخذ مجوز اقامت دائم و با موفقیت برنامه‌های مهاجرتی فدرال و استانی از طریق سرعایه گذاری، تخصصی، کارآفرینی، خوداشتغالی، دانشجویی و... و همچنین تهیه دعوتنامه، سوگند نامه و تایید رسمی مدارک در کانادا می‌باشد.
جهت مشاوره و تعیین وقت امتحان با دفتر ما در مونترال و تهران تماس حاصل فرمایید.



ICP IMMIGRATION INC.

www.icpimmigration.com



استقرار مهاجران تازه وارد در دوران پاندمی

می توانند این امکان را مهیا سازند:

- به سایت رسمی بانک اطلاعاتی مشاغل وارد شوید و مشاغل ضروری در دوران پاندامیک را فیلتر کنید.
- قبل از ورود به کانادا به منظور تسریع سازی در مرحله استخدام پذیری، حتما مدارک تحصیلی خود را برای ارزیابی و دریافت گواهی معادل سازی اقدام کنید.
- به بانک اطلاعاتی مشاغل تازه واردین کانادا NewCanadianJobs.ca رجوع کنید تا مشاغلی که برای تازه واردین لیست شده اند را بیابید.

روش زندگی در دوران پندمی را در کشور جدید اقامت خود بیاموزید

قبل از ۲۰۲۰ مهاجرین تازه وارد به راحتی در شهر رفت و آمد و میحتاج روزانه خود را تامین می کردند ولی در دوران پاندمی علاوه بر تلاش برای دستیابی به روش صحیح استقرار پذیری در کشور جدید، تازه واردین محدودیت های متعدد و ابهامات زیادی را زیر سایه کووید ۱۹ تجربه می کنند. بسیار بدیهی است که هماهنگ سازی و یادگیری این روش های جدید زندگی با استفاده از تکنولوژی برای خرید میحتاج خانواده به صورت آنلاین می تواند برای بسیاری از این تازه واردان ددرس ساز باشد.

محدودیت های رفت و آمد در دوران قرنطینه ۱۴ روزه در بدو ورود نیز آنان را محدود به ماندن در منزل و عدم توانایی برقرار کردن ارتباط با دیگران می کند. بنابراین بدست آوردن اطلاعات و آشنایی با روش مدیریت مشکلات در دوران پندمیک برای این مهاجرین تازه وارد قبل از ورود از اهمیت بسزایی برخوردار است.

این صفحه توسط موسسه مهاجرتی آی.سی.پی ICP Immigration حمایت شده است.

تماس با نویسنده:

معصومه علی محمدی، مشاور رسمی مهاجرت، با اومی توانید از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت www.icpimmigration.com در تماس باشید.

عنوان معتبرترین منبع اطلاعاتی توصیه می گردد. قبل از رزرو بلیط سفر خود به موارد زیر دقت نمایید:

- ابتدا از سلامت خود و افراد خانواده اطمینان حاصل کنید زیرا افرادی که مشکوک به ابتلا به کووید ۱۹ هستند قادر به ورود به کشور نخواهند بود و امکان برگشت آنان بنابر تشخیص افسران مرزی وجود دارد.
- تمامی مسافین بالای ۵ سال ملزم به ارایه آزمایش منفی کووید که حداکثر در طی ۷۲ ساعت قبل از ورود انجام شده باشد به افسران مرزی کانادا به هنگام ورود هستند.
- داشتن برنامه دقیق برای دوران قرنطینه ۱۴ روزه پس از ورود به مرزهای کانادا. محل قرنطینه باید دارای سرویس بهداشتی مجزا از دیگر افراد در محیطی که افراد دیگری نیز در آنجا زندگی می کنند.

اهمیت و الویت اخذ سه مدرک بلافاصله پس از ورود

- کارت اقامت داریم: مهاجرین جدید می بایست کارت اقامت داریم ۵ ساله خود را که مدرک اثبات داشتن اقامت دائم کانادا است را در ماه های اول ورود به کانادا از طرف اداره مهاجرت دریافت نمایند. این کارت در هنگام سفر به خارج از کانادا و هنگام ورود به کانادا به همراه پاسپورت همراه دارندگان اقامت دائم باشد.
- کارت خدمات درمانی رایگان استانی: این کارت حق استفاده از خدمات درمانی رایگان را به مهاجرین و دارندگان اقامت دائم کانادا می دهد. مهاجرین تازه وارد بر اساس قوانین استانی که در آن اقامت دارند پس از گذشت مدت زمان انتظار، واجد شرایط دریافت آن خواهند شد.

- دریافت شماره بیمه تامین اجتماعی (SIN): شماره بیمه تامین اجتماعی کانادا اجازه می دهد تا افراد در کانادا نه تنها از سرویس ها و حمایت های دولتی بهره مند گردند، بلکه شماره شناسه افراد برای اشتغال، انجام امور مالی و مالیاتی و یا ثبت دارایی و غیره در کانادا است.
- بدیهی است داشتن پیشنهاد کار از یکی از کارفرمایان کانادایی، قبل از ورود ایده آل ترین روش استقرار پذیری سریع است ولی در دوران پاندمی تحقق آن کاری بسیار دشوار است ولی غیرممکن نیست، روش های زیر

بدیهی است آشنایی با منابع اطلاعاتی صحیح و راهنمایی در زمینه برنامه ریزی برای استقرار هر چه سریع تر مهاجرین تازه وارد در کانادا موجب پیشرفت هر چه سریع تر آنان در کانادا خواهد شد:

بر اساس تحقیقات انجام شده اداره مهاجرت و پناهندگی و شهروندی کانادا مهاجرینی که قبل از ورود در زمینه آشنایی با محیط جدیدی که به آن مهاجرت می کنند، کلید اصلی سرعت بخشیدن به استقرار پذیری آنان است. بر این اساس اداره مهاجرت به مهاجرین تازه وارد پیشنهاد می کند قبل از انتخاب استان محل اقامت خود موارد مهم زیر را در نظر بگیرند.

- بررسی مشاغل مورد نیاز استان بر اساس تخصص و سابقه کار خود برای ایجاد امکان اشتغال به کار در کوتاه ترین زمان ممکن

- آماده سازی خود و خانواده برای تطبیق سازی با روش زندگی در کشور جدید برای آماده سازی مواجه شدن با شرایط آب و هوایی و همچنین انتخاب زبان اول محل اقامت جدید. برای مهاجری که به زبان فرانسه تسلط ندارد بدیهی است زندگی در شهرهایی همانند تورنتو و ونکوور باید بسیار متفاوت نسبت به یکی از شهرهای استان کبک که فرانسه زبان اصلی اکثریت جامعه است، است.

- بهره بری حداکثر از اطلاعات جمع آوری شده که قبل و در بدو ورود به مهاجران تازه وارد داده می شود این مجموعه ارائه شده به مهاجرین اطلاعاتی از قبیل نام نویسی در کلاس های زبان روش های آماده سازی برای اینکه مهاجر بتواند وارد بازار کانادا گردد و یا حتی مشاوره های تخصصی مسعولین برای دست یابی به کمک های دولتی.

آماده سازی برای تابعیت از مقررات ورود در دوران پاندمیک:

قبل از تاریخ ورود این مهاجرین می بایست با مقررات و یا ممنوعیت های ورود به کانادا آشنایی کامل پیدا کنند. بدین منظور استفاده از وب سایت اداره مهاجرت به

موفقیت‌ها و موانع ورزشکاران مهاجر

گفت‌وگو با سهام احمدی عضو تیم ملی فریبی افغانستان

که سبب شد آن را انتخاب کنم. گروهی از خارجی‌ها برای کار به افغانستان سفر می‌کنند. خانمی آمریکایی با سفر خود به افغانستان ورزش فریبی را معرفی کرد و در سال ۲۰۱۵ فدراسیون فریبی در افغانستان بنیان‌گذاری شد. در آن زمان سفری به افغانستان داشتم و با این ورزش آشنایی پیدا کردم و سپس به‌صورت حرفه‌ای آن را دنبال کردم. با تلاش‌هایی که داشتم موفق شدم که عضو تیم ملی فریبی افغانستان شوم. در کنار فعالیتی که در تیم ملی داشتم، توانستم مدرک مربیگری این رشته را از فدراسیون فریبی افغانستان به دست آورم.

■ کمیته ورزش فریبی مهاجران چگونه تشکیل شد؟

▲ آغاز شروع کار ما در ایران به زمانی بازمی‌گردد که تیم ملی فریبی افغانستان با تیم ملی ایران مسابقه داشت. مسئولان فریبی افغانستان با مسئولان فریبی ایران جلسات مختلفی را برگزار کردند. در یکی از این جلسات بحث فریبی مهاجران مطرح شد. دوستان ایرانی از کمیته فریبی افغانستان خواستند که چند نماینده را برای فریبی مهاجران انتخاب کنند که من به‌عنوان یکی از نمایندگان معرفی شدم. ما به سفارت افغانستان معرفی شدیم و سفارت ما را به اداره کل ورزش جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد و در نهایت موفق شدیم که مجوز تشکیل تیم‌های مختلف فریبی را در تمامی استان‌های ایران به دست بیاوریم و ما می‌توانیم بدون هیچ محدودیت قانونی به‌صورت رسمی به‌عنوان نماینده مهاجران افغان در مسابقات مختلف شرکت کنیم.

■ تیم «چیتا» فریبی را بانوان مهاجر تشکیل می‌دهند، چه شد که به سراغ بانوان رفتید؟

▲ با مشورتی که با دوستان فعال در حوزه مهاجران داشتیم، متوجه شدیم که بخش ورزش بانوان تنها در بخش‌های انفرادی فعالیت دارند و به‌شدت در ورزش‌های گروهی حضور بانوان بسیار کم‌رنگ است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم که تیم فریبی بانوان را تشکیل دهیم. خوشبختانه توانستیم با خانواده‌ها صحبت کنیم و رضایت آن‌ها را به دست آوریم. ما با تمام خانواده‌های بازیکنان جلسه گذاشتیم و برای تماشای مسابقات از آن‌ها دعوت کردیم. خانواده‌ها از فرزندان خود حمایت می‌کنند و این حسن بسیار بزرگی در راستای پیشرفت ورزش مهاجران است.



▲ مسابقه تیم بانوان چیتا با همدان مدافع قهرمانی لیگ برتر ایران

▲ چندین سال است که در حوزه ورزش فعالیت دارم و در رشته‌های ورزشی مثل کاراته و بوکس کار کردم. بعد از آن چهار سال به‌صورت جدی در رشته پرورش اندام فعالیت کردم. در سال ۱۳۸۸ در مسابقات مختلفی که در شهریار برگزار شد، دو مدال نقره و یک مدال برنز کسب کردم. من در زندگی‌ام همیشه هیجان را دوست داشتم و به دنبال چیزهای هیجان‌انگیز بودم. فریبی رشته‌ای مناسب برای افرادی است که به دنبال تحرک و هیجان هستند. سرعت و پرتاب، از جمله ویژگی‌های این رشته هستند

به نظرم بهترین ورزشکاران رشته ما بانوان هستند. باید فضای امن را برای حضور زنان فراهم کنیم تا آن‌ها بتوانند توانمندی‌های خود را نشان دهند.

در سال‌های اخیر کمیته‌های مختلف ورزشی در رشته‌های گوناگون توسط ورزشکاران مهاجر تشکیل شده است. این کمیته‌ها بر فعالیت‌های ورزشکاران نظارت می‌کنند. سهام احمدی عضو تیم ملی فریبی افغانستان و نایب‌رئیس کمیته فریبی مهاجران است که با تلاش‌های خود و دیگر دوستانش موفق شدند کمیته فریبی مهاجران را تشکیل دهند. در حال حاضر تیم «چیتا» و «شاهین شرق» زیر نظر این کمیته فعالیت دارند. این بازیکن تیم ملی فریبی افغانستان اعتقاد دارد که ایران فضای ورزشی مناسبی برای رشد و پیشرفت ورزشکاران مهاجر دارد. او می‌خواهد تعداد تیم‌های ورزشی این رشته را گسترش دهد. به گفته او این ورزش در جامعه ایران و جامعه مهاجران آن‌گونه که باید معرفی نشده است و رسانه‌ها باید برای شناخت این ورزش قدم بگذارند. او از خانواده‌های مهاجر می‌خواهد که دختران خود را حمایت کنند تا زنان مهاجر در عرصه ورزش توانمندی‌های خود را به نمایش بگذارند.

■ چه انگیزه‌ای سبب شد که از میان رشته‌های مختلف ورزشی رشته فریبی را انتخاب کنید؟

■ چه برنامه‌ای برای آینده دارید؟

◀ کمیته فریزی مهاجران قصد دارد تعداد تیم‌های خود را در شهرهای مختلف ایران گسترش دهد. این کمیته تلاش می‌کند زمینه رشد و پیشرفت را برای ورزشکاران فراهم کند تا ورزشکاران موفق شوند در مسابقات بین‌المللی پیروز شوند. یکی از برنامه‌های مهم این کمیته پرورش مربی‌های فریزی است چراکه تعداد این مربی‌ها در بین مهاجران کم است و برای توسعه این رشته نیاز به تعداد زیادی مربی حرفه‌ای و توانمند داریم.

■ در پایان اگر سخنی دارید، بفرماید.

◀ از همه دوستان ایرانی بابت همکاری و همراهی آن‌ها تشکر می‌کنم. همچنین از زحمات استاد عبدالرشید غزنوی رئیس فدراسیون فریزی و استاد گلشاهی سرپرست کمیته کمال سپاسگزارم.

آقای سهام احمدی گرامی از شما سپاسگزاریم.



سهام احمدی در سال ۱۳۶۵ در ولایت کاپیسا افغانستان به دنیا آمد. خانواده‌اش در زمان جنگ به ایران مهاجرت کردند. او از نوجوانی وارد دنیای ورزش شد و در رشته‌های مختلف ورزشی همچون تکواندو، بوکس به فعالیت پرداخت و در نهایت به صورت حرفه‌ای ورزش پرورش اندام را ادامه داد. در سال ۱۳۸۸ در مسابقات مختلف استانی شهریار موفق به کسب دو نقره و یک برنز شد. در سفری که به افغانستان داشت با ورزش «فریزی» آشنا شد. هیجان و تحرک رشته «فریزی» سبب شد که با علاقه و پشتکار این رشته را فراگیرد و عضو تیم ملی فریزی افغانستان شود. او حالا یکی از مهاجرانی است که این ورزش را برای مهاجران افغان به ارمغان آورده است و تلاش دارد که این رشته را در میان ورزشکاران مهاجر معرفی کند.

مربی ورزش همیشه مورد احترام دوستان ایرانی هستیم. همچنین تا به حال همکاری فوق‌العاده‌ای با کمیته‌های ورزشی ایرانی تجربه کرده‌ام.

■ حضور و جایگاه زنان در ورزش را چگونه می‌بینید؟

◀ در جامعه ورزشی مهاجران زنان با استعدادی داریم که با وجود دشواری‌های فراوان همچنان به فعالیت ورزشی خود ادامه می‌دهند و روزبه‌روز در حال پیشرفت هستند. به همه خانواده‌ها توصیه می‌کنم که از بانوان حمایت کنند و به آن‌ها قوت قلب دهند. زنان جامعه نقش مهمی در خانواده دارند و اگر زنان پیشرفت کنند، سبب تغییر در جامعه می‌شوند. به نظرم بهترین ورزشکاران رشته ما میان بانوان هستند و باید فضای امن را برای حضور زنان فراهم کنیم تا آن‌ها بتوانند توانمندی‌های خود را نشان دهند. یک بانوی ورزشکار نسبت به یک ورزشکار آقا سختی‌های زیادی را تحمل می‌کند و ما نمی‌توانیم این موضوع را کتمان کنیم. در تیم بانوان ما ورزشکاران متأهلی فعالیت می‌کنند که با وجود اینکه خانه‌دار هستند، دست از تلاش نکشیده‌اند. امیدواریم که زنان بیشتر مورد حمایت خانواده قرار بگیرند و مسئولان ورزشی فضای امن و سالم را بدون هیچ‌گونه تبعیض جنسیتی برای رشد بانوان فراهم کنند.

■ بزرگ‌ترین موانع ورزشکاران مهاجر را در چه می‌بینید؟

◀ جمله «به‌جایی نمی‌رسی» بین مهاجران بارها و بارها استفاده می‌شود. زمانی که جوانی پا به عرصه ورزش می‌گذارد با این جمله روبه‌رو می‌شود و این موضوع انگیزه یک ورزشکار را از بین می‌برد. فکر می‌کنم زمان آن رسیده است که از مهاجر بودن یک مانع نسازیم، ورزشکاران را تشویق و آن‌ها را به آینده دلگرم کنیم. تشویق و امیدواری یک ورزشکار می‌تواند کمک بزرگی در راستای پیشرفت او شود.

■ در معرفی رشته فریزی به مهاجران با چه موانعی مواجه بودید؟

◀ موانع زیادی بوده که با سختی‌های فراوان از آن عبور کرده‌ام. تشکیل تیم، بخصوص تیم بانوان کار بسیار سخت و دشواری است چراکه باید در ابتدا اعتماد خانواده‌ها را به دست می‌آوریم. کمیته فریزی جلسات مختلفی را از ابتدا تا به امروز برگزار کرده است و خوشبختانه موفق شده است که اعتماد خانواده‌ها را به دست آورد. من ساعت‌های زیادی را برای تمرین و شرکت در جلسات صرف می‌کنم و ساعت آزاد کمی برای زندگی شخصی خود دارم. امیدوارم که به همه سختی‌ها و مسائلی که وجود دارد، بتوانم قدمی در راستای رشد ورزش مهاجران برداشته باشم.

■ با توجه به اینکه شما به صورت رسمی اجازه فعالیت ورزشی در ایران را دارید، در چه شهرهایی از ایران موفق شدید ورزش فریزی را گسترش دهید؟

◀ کمیته فریزی مهاجران در تلاش است که این رشته در استان‌های مهاجرنشین گسترش دهد اما متأسفانه با شیوع ویروس کرونا بیشتر فعالیت‌های ما متوقف شد. تاکنون در استان البرز و تهران موفق شدیم تیم تشکیل دهیم. خوشبختانه ما بازیکن‌های زیادی در استان‌های اصفهان، کرمان، تبریز و دیگر شهرهای ایران داریم و زمانی که شرایط مساعد شود، قصد داریم این بازیکنان را در کنار یکدیگر جمع کنیم و تیم تشکیل دهیم.

■ تیم‌های شما در چه مکان‌هایی تمرین می‌کنند؟

◀ به دلیل شیوع ویروس کرونا بسیاری از سالن‌های ورزشی تعطیل شده است. تیم «شاهین شرق» ما در فضای بار تمرین دارند و تیم «چیتا» در سالن تمرین می‌کنند.

■ تیم شما از کشورهای مختلفی مثل ژاپن، آلمان، هلند و آذربایجان برای مسابقات دعوت شدند، چه چیزی سبب شد که نتوانید در این مسابقات بین‌المللی شرکت کنید؟

◀ متأسفانه هزینه‌های مسابقات برای تیم‌های گروهی زیاد است و ما اسپانسر نداریم که بخواهد این هزینه را متقبل شود. موضوع اسپانسر بودن بحثی است که در افغانستان و جامعه مهاجر ایران وجود دارد و سرمایه‌داران افغان در حوزه اسپانسر فعال نیستند. بخش ورزشی مهاجران انتظار دارند که از طرف بخش‌های اقتصادی جامعه مهاجران حمایت شوند.

■ شما پیشرفت ورزشکاران مهاجر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

◀ خوشبختانه در این چند سال اخیر شاهد رشد ورزش مهاجران هستیم و تیم‌های مختلف ورزشی تشکیل شده‌اند که به صورت جدی فعالیت می‌کنند. ورزشکاران مهاجر با یکدیگر همدل هستند و همه هدف مشترکی دارند و قومیت برایشان اهمیت ندارد. همه ورزشکاران می‌خواهند که روزی پرچم افغانستان را بالا ببرند و در رقابت‌های جهانی چهره دیگری از افغانستان را نشان دهند. به نظرم در بین مهاجران استعداد‌های ورزشی زیادی داریم که مسئولان باید به آن‌ها توجه کنند و از آن‌ها حمایت کنند تا بتوانند رشد کنند. در برخی موارد می‌شنوم که ورزشکاران با محدودیت مواجه هستند و من فکر می‌کنم که اگر مسیر ورزشی و مربیان رسمی مهاجران را بشناسند و از راه قانونی این مسیر را پیش ببرند، در مسیر ورزشی خود با محدودیت مواجه نمی‌شوند. من به‌عنوان یک



در ایران

افغان بودن
جرمی بزرگ و
نابخشودنی است

من در ساوه به دنیا آمدم. در آن زمان مهاجران زیادی در شهرستان‌های ایران زندگی می‌کردند. وقتی هفت سال داشتم و می‌خواستیم به مدرسه بروم، به دلیل نداشتن مدرک اقامتی موفق نشدم وارد مدرسه دولتی شوم و به همین دلیل مجبور شدم که به مدرسه خودگردان بروم. از همان دوران کودکی معنی تبعیض را فهمیدم. بسیاری از کودکان مهاجر سال‌های زیادی را در مدارس خودگردان تحصیل کردند. در این میان خیلی از کودکان افغان به دلیل پایین بودن سطح استانداردهای آموزشی این مدارس ترک تحصیل کردند.

من وقتی به کلاس اول راهنمایی رفتم، درس خود را رها کردم. از میان دختران و پسران، این دختران بودند که تلاش بیشتری برای ادامه تحصیل داشتند اما پسرها آینده خود را در بازار کار می‌دیدند. بعد از ترک تحصیل در شاخه‌های مختلفی مثل بنایی، خیاطی، جوشکاری کار کردم. بعد از چند سال کار کردن در حوزه نقاشی ساختمان موفق شدم که نقاش ماهری شوم. پنج سال پیش تب رفتن به اروپا در میان جوانان افغان بسیار داغ بود. من در آن زمان هفده سال داشتم و شوق رفتن به اروپا و زندگی بهتر در من بیدار شده بود. با چند نفر از دوستانم راهی اروپا شدیم. در مرز ترکیه تعداد مهاجرانی که قصد داشتند از مرز عبور کنند به هزار نفر می‌رسید. تعداد زیادی از قاچاق‌بران تمامی مسافران خود را بر سر مرز آورده بودند. پلیس‌های مرزی برای اینکه مهاجران نتوانند از مرز عبور کنند، شلیک هوایی کردند. بعضی از پلیس‌های مرزی سنگ‌ها را مورد هدف خود قرار دادند تا باعث ترس مسافران شوند. زمانی که تیراندازی شد من در گوشه‌ای پنهان شده بودم. در بین آن همه جمعیت کودکان زیادی بودند که از ترس گریه می‌کردند و کسی به کسی دیگر رحمی نمی‌کرد و همه فقط به فکر نجات جان خود بودند. آن روز دقیقا مثل

روز قیامت می‌ماند. شرایط مرز همیشه حالت یکسانی ندارد و هر کسی تجربه متفاوتی از مرز دارد. در برخی موارد پلیس‌های مرزی با مسافران همکاری می‌کنند چرا که با قاچاق‌بران دست دارند و در برخی موارد دیگر اقدام به ردمرز مسافران می‌کنند. راه قاچاق راه انسانی نیست، در این مسیر تمام ارزش‌های انسانی زیر پا گذاشته می‌شود. شاید عجیب به نظر برسد که مسافران قاچاقی برای مامورهای سر مرز مثل توپ فوتبال هستند. آنها برخی از مسافران را از مرز ترکیه به دست مامورهای ایرانی می‌دهند و دوباره مسافر راهی راه قاچاق می‌شود و باز به دست مامورهای ترکیه می‌افتد و این چرخه بارها و بارها تکرار می‌شود. مهاجرانی که به ترکیه می‌رسند، داستان‌های متفاوتی از ترکیه دارند. در برخی موارد مهاجران در کمپ‌ها سربسته فرستاده می‌شوند تا وضعیت پناهندگی آنها مشخص شود. افرادی که می‌خواهند راهی یونان شوند، قاچاق‌پر دیگری را پیدا می‌کنند تا از دریا عبور کنند. راه ترکیه به یونان دو مسیر دارد. یکی از مسیرهایش از دریا است و مسیر دیگر از راه بلغارستان است. مهاجران در این مسیرها نسبت به راه ایران تا ترکیه شرایط سختی را از سر می‌گذرانند. من از راه دریایی به یونان آمدم. در آن زمان چندین کشتی کمکی از کشورهای مختلفی مثل فرانسه در دریا مستقر بودند و به مهاجران کمک‌رسانی می‌کردند. وقتی به یونان رسیدم، مرزها بسته شد و برای همین در یونان ماندگار شدم. شرایط کمپ‌های یونان بسیار سخت است و تعداد مهاجرانی که در کمپ زندگی می‌کنند، چندین برابر استاندارد است. به نظرم یونان با دشواری‌هایی که دارد خیلی بهتر از ایران است. در ایران به مهاجران اهمیت نمی‌دهند و محدودیت برای مهاجران زیاد است. مردم مهاجر افغان وقتی ایران را ترک می‌کنند، خاطرات بدی از دوستان ایرانی در ذهن دارند. در ایران ابتدایی‌ترین حقوق از مهاجران گرفته می‌شود و مشکلات مهاجران یکی دو تا نیست. جوانان مهاجر افغان در ایران به راحتی از سوی جنس مخالف پذیرفته نمی‌شوند چرا که افغان هستند اما در اروپا این موضوع حل شده است و ارتباط گرفتن با جنس مخالف ربطی به ملیت ندارد. یک جوانان افغان در ایران هر چقدر جایگاه اجتماعی داشته باشد و از اقتصاد بالایی برخوردار باشد اما اگر بخواهد با یک دختر ایرانی ازدواج کند، در چشم ایرانی‌ها عیب بزرگی دارد و افغان است. در ایران افغان بودن جرم بزرگ و نابخشودنی است.

روز قیامت می‌ماند. شرایط مرز همیشه حالت یکسانی ندارد و هر کسی تجربه متفاوتی از مرز دارد. در برخی موارد پلیس‌های مرزی با مسافران همکاری می‌کنند چرا که با قاچاق‌بران دست دارند و در برخی موارد دیگر اقدام به ردمرز مسافران می‌کنند. راه قاچاق راه انسانی نیست، در این مسیر تمام ارزش‌های انسانی زیر پا گذاشته می‌شود. شاید عجیب به نظر برسد که مسافران قاچاقی برای مامورهای سر مرز مثل توپ فوتبال هستند. آنها برخی از مسافران را از مرز ترکیه به دست مامورهای ایرانی می‌دهند و دوباره مسافر راهی راه قاچاق می‌شود و باز به دست مامورهای ترکیه می‌افتد و این چرخه بارها و بارها تکرار می‌شود. مهاجرانی که به ترکیه می‌رسند، داستان‌های متفاوتی از ترکیه دارند. در برخی موارد مهاجران در کمپ‌ها سربسته فرستاده می‌شوند تا وضعیت پناهندگی آنها





مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با بانک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی گنسی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com

514 967 5743



Sajad Zaid Photography
(514) 663-3534

www.sajadz.com

sajad.zaid@gmail.com
info@sajadz.com



خروش اعظمی

مشاور املاک مسکونی در مونترال

با کمک تیم ما بهترین نرخ بهره و وام مسکن بگیرید.
خدمات ویژه ما برای تازه واردان و زوج های جوان
تیم ما خدمات ما برای غیر بانکاران رایگان است
هدیه ما برای خریداران ۲۰۰۰۰ دلار اجاره ای ضمن خرید

KHORUSH AZAMEE

514-865-7860

• COURTIER IMMOBILIER RÉSIDENTIEL
• KHORUSHAZAMEE@SUTTON.COM
• 9315 BOUL. LASALLE H8R 2M9

- ارزیابی ملک و مشاوره و رایگان
- خدمات رایگان برای خریداران و مستأجران
- مشاوره تخصصی به سرمایه گذاران در املاک در آمریکا
- همگامی در تهیه وام با بهترین شرایط
- خرید بهترین هدیه ما به خریداران ایرانی

شهره شهریان

مشاور رسمی املاک مسکونی

فراخ و شاکر پایه یک شهر بافتری در ایران
با بیش از ۱۵ سال سابقه



514 290 2210

www.sutton.com
4881 Ave. Lacombe St. Unit 101
Montreal, QC H3T 1V4

ShahriaRealtor@gmail.com

ادبیات؛ گفتوگو: تئاتر، سینما و نوشتن

گفتوگو با مسعود منصوری و امینه شریفی

داستان کوتاه: استقبال گرم

تازه‌های کتاب ایران و کانادا:

رمان «بلند شو قهرمان» و « Mononk Jules »

شعر دوزبانه: شعری از محمد زندی با ترجمه کردیفارسی

هنر، موسیقی: سه یادداشت برای زادروز استاد گلپا

به زلالی آب

میلااد دوباره آواز ایرانی

خلاق‌ترین خواننده تاریخ موسیقی ایرانی

ادبیات

تئاتر، سینما و نوشتن

باید حواسم باشد به یک فارسی‌زبان قرار است جواب بدهم یا به یک فرانسوی‌زبان. راستش من خودم را در زبان فارسی یک گوینده که کار دوبله، رادیو، نمایشنامه و داستان‌خوانی کرده می‌دانم و در زبان فرانسه که اهالی این دیار به آن صحبت می‌کنند دبیر ریاضی‌ام. در هر دو زبان به‌صورت آماتوری کار تئاتر کرده‌ام، آماتوری با تعریفی که اینجا داریم یعنی کسی که تحصیل حرفه‌ای در این زمینه نداشته و به تجربه آموخته. در ایران مهندسی نرم‌افزار خواندم، چند سالی کار کردم و بعد وارد کار دوبله و رادیو شدم که حتی بعد از مهاجرت هم ادامه داشت. اینجا دبیری ریاضی خواندم و کار صدا را کنار کار روزانه‌ی مدرسه ادامه می‌دهم.

■ چه شد که برای زندگی و کار به این‌سوی جهان آمدید؟

◀ مسعود: داستان مهاجرت ما یک داستان طولانی و مفصل است که شرحش مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود! اولین باری که دلمان خواست از ایران خارج بشویم هدفمان ادامه تحصیل و برگشت به وطن بود، نه مهاجرت دائمی.

◀ امینه: دقیقاً، ما می‌خواستیم ببینیم آدم‌های جاهای دیگر کره‌ی خاکی چطور زندگی می‌کنند. و البته برایمان هیجان‌انگیز هم بود که به این بهانه زبان دیگری هم یاد بگیریم.

◀ مسعود: بچه‌دار شدن هم عامل مهمی بود به نظرم. راستش ما این‌قدر برای ادامه تحصیل در خارج از کشور این دست و آن دست کردیم که بچه‌دار شدیم و کمی محاسباتمان عوض شد. فکر کردیم به کشوری برویم که مهاجرپذیر باشد و تسهیلات خوبی برای دانشجویان قائل باشد. این شد که کانادا را انتخاب کردیم. سال ۲۰۱۰ که اینجا آمدیم هر دو به این نتیجه رسیدیم شاید بهتر باشد همین‌جا بمانیم و وارد حرفه‌ی تازه‌ای بشویم!

■ مسعود جان، وقتی من سایت شما را می‌بینم و کنار فعالیت‌های دیگران می‌گذارم یاد استاد بزرگ محمدعلی حق‌شناس مرحوم می‌افتم که می‌گفت: «سرم در زبان‌شناسی است؛ اما دلم در ادبیات می‌تپد» آیا موافقی که بگوییم مسعود منصور سرش در علوم دقیق و محاسبات است اما دلش در ادبیات و سینما می‌تپد؟

◀ مسعود: راستش موقعی که من سایت‌م را، یا بهتر



گروه ادبیات هفته، فرشید سادات شریفی: همان‌طور که شما خوانندگان عزیز صفحات ادبی هفته می‌دانید، بیش از دو سال قبل، باب‌مطلب دنباله‌داری را گشودیم زیر عنوان «ادبیات و فرهنگ مهاجرت» که هم به ادبیات فارسی‌زبان و ادبیات فارسی‌زبان در کانادا می‌پردازد و هم به آثار هنری و کوشش‌های مرتبط به‌ویژه سینما که در ذات دراماتیکش از ادبیات و ادبیات جدا نیست. و از دیگر سو محصولات شنیداری تولیدشده توسط مهاجران (به‌ویژه پادکست) هم برای ما مهم بوده و به فراخور تا توانسته‌ایم در پرداختن به آن کوشیده‌ایم.

بر این زمینه، آنچه در این شماره می‌خوانید، حاصل هم‌سخنی ما با فعالان فرهنگی شهر مونترآل مسعود منصور و امینه شریفی است درباره‌ی دغدغه‌ها و زندگی فرهنگی آن‌ها. همچنین کوشش تازه‌ی‌شان در قالب نشر پادکستی مرتبط با نشریه‌ی معتبر «کابه‌دو سینما» در دوران دشوار کرونا، مناسبت مغتنمی بود تا با آن‌ها درباره‌ی زیست فرهنگی‌شان به گفت‌وگو بنشینیم. امیدواریم به بهانه‌ی این مصاحبه، فرهنگ‌دوستان بیشتری را با آن‌ها و کارهای خوبی که به‌همراه یاران همدلشان انجام می‌دهند، آشنا کند و سبب شود پی‌شان بگیرند.

فرصت را داشتیم تا در رشته‌ی معماری تحصیل کنم و چند سالی به این حرفه مشغول باشم. سینما اما همیشه برایم نوعی شور و شوق آماتوری بوده، نه به‌عنوان یک فیلم‌ساز بلکه به‌عنوان تماشاگر ساده‌ای که دلش می‌خواهد درباره‌ی فیلم‌ها و فیلم‌سازها بیشتر بداند.

◀ امینه: من وقتی کسی ازم بپرسد حرفات چیست

■ با سلام و سپاس از وقتی که در اختیار «هفته» می‌گذارید. برای شروع لطفاً بگویید مسعود منصور و امینه شریفی دوست دارند خود را چگونه معرفی کنند؟

◀ مسعود: من خودم را یک ایرانی-کانادایی ساکن مونترآل می‌دانم. حرفه‌ام دندانپزشکی است و علاقه‌ی فراوانی به معماری و سینما دارم. ایران که بودم این

ایده‌ی مجله‌ی سینمایی اینترنتی «کوکر» از کجا آمد؟

مسعود: خوب، تجربه‌ی هفت-هشت ساله‌ی فصلنامه‌ی «فیلمخانه» و تنگناهای مالی سد راه مؤسس آن، علیرضا رسولی نژاد که خودش از فیلم‌سازان مستقل است، به ما نشان داد مستقل بودن در فضای نشریات کاغذی یک مأموریت غیرممکن است. این بود که با عده‌ای از دوستان همفکر، و هرکدام در یک‌گوشه‌ی دنیا، به این نتیجه رسیدیم برویم سراغ تأسیس یک مجله‌ی اینترنتی که هم هزینه‌اش خیلی کمتر است و هم خواننده آن را رایگان می‌خواند. اسمش را هم گذاشتیم «کوکر» (kokermag.com) که ادای دینی است به سه فیلم پرآوازه‌ی کیارستمی فقید (خانه‌ی دوست کجاست؟، زندگی و دیگر هیچ، زیر درختان زیتون) که شهره است به سه‌گانه‌ی کوکر: روستایی در شمال ایران که محل وقوع داستان این فیلم‌هاست (بد نیست اضافه کنم که علاقه‌مندان می‌توانند مطالب کوکر را با دنبال کردن حساب کاربری kokermag در تلگرام و اینستاگرام هم پی‌گیری کنند).

در جایگاه کسی که به‌نوعی مروج نگاه دقیق و فعالیت عمیق فرهنگی است، به نظر تان چرا «محصولات شنیداری» (به‌ویژه پادکست) این‌همه مهم و مقبول و اثربخش است؟

مسعود: شاید یک دلیلش این باشد که با رواج تلفن‌های هوشمند و اینترنت پرسرعت، پادکست «ترند» شده، همان‌طوری که در دوره‌ی اینترنت لاک‌پشتی و «دابل آپ»، وبلاگ‌ها برویایی داشتند. البته فکر کنم امینه بهتر بتواند جواب بدهد چون بیشتر در حوزه‌ی کاری اوست.

امینه: خوب شاید دلیل عمده‌اش کمبود فرصت آدم‌هاست برای خواندن و کسب اطلاع. کلاً به نظر پادکست‌ها برنامه‌های رادیویی شخصی‌ای هستند که به مدد پادگیرها برای آن‌ها که مشتاق شنیدن‌اند امکانی فراهم می‌کند شبیه چیزی که وبلاگ‌ها، و بعدتر شبکه‌های اجتماعی، برای خوانندگان روزنامه‌ها فراهم کرد. البته گاهی هم آدم دوست دارد چیزی را که خودش خوانده با صدای کسی دیگر بشنود، مثل تماشای فیلمی اقتباسی که داستانش را پیش‌تر خوانده باشیم. یادم است وقتی هشت نه سال پیش به‌تدریج «ناتورشدت» را به پیشنهاد دوستی می‌خواندم و روی ساوندکلاود می‌گذاشتم به نظرم می‌رسید کسی که کتاب را خوانده امکان ندارد بیاید کار را بشنود، ولی اشتباه می‌کردم، چون پیام‌هایی می‌گرفتم از شنونده‌های غریبه که کتاب را همراه با شنیدن صدای من دوباره خوانده بودند. اگرچه پادکست فقط به کتاب شنیداری محدود نمی‌شود، ولی اگر به حرف مسعود برگردم که حالا دوره‌ی پادکست‌هاست به‌جای وبلاگ‌ها، می‌شود به شخصی بودن پادکست‌ها هم اشاره کرد، به‌عنوان دلیل مقبول افتادن. هفت سال پیش پادکست «چشم چشم دو ابرو» را برای تشویق پسرمان



لغات هائیکو بودن



نمایش تازه

امینه: من وقتی کسی ازم پرسد حرفه‌ات چیست باید حواسم باشد به یک فارسی‌زبان قرار است جواب بدهم یا به یک فرانسوی‌زبان. راستش من خودم را در زبان فارسی یک گوینده که کار دوبله، رادیو، نمایشنامه و داستان‌خوانی کرده می‌دانم و در زبان فرانسه که اهالی این دیار به آن صحبت می‌کنند دبیر ریاضی‌ام.

شده بود. فردایش دیدم یکی از دوستانم در فیس‌بوک، ضمن تبریک به من، لینک یکی از سایت‌های سینمایی پرطرفدار در ایران را به اشتراک گذاشته که ترجمه‌ی این مصاحبه را با ذکر نام مترجم منتشر کرده بود. بعد ایمیلی دریافت کردم از یکی از فصلنامه‌های تخصصی سینما و ادبیات به نام «الف»، که متأسفانه عمر درازی هم نداشت، برای پیشنهاد همکاری. دامنه‌ی این همکاری‌ها آرام‌آرام به مجلات دیگر هم کشیده شد. از مجلاتی که در خارج از ایران چاپ می‌شد، مثل «سینماچشم» (به سردبیری پرویز جاهد) تا مجلات داخلی مثل «سینما و ادبیات» و «تجربه» و... تا اینکه یکی از دوستان خبر داد دارد با بودجه‌ی شخصی یک فصلنامه‌ی تخصصی سینمایی به نام «فیلمخانه» راه می‌اندازد. من و دوستان نادیده‌ای که به لطف فعالیت‌های وبلاگی باهم آشنا شده بودیم و سابق سینمایی مشابهی داشتیم، تصمیم گرفتیم با فعالیت در این فصلنامه، که مثل یک سنگر مستقل بود، مباحث تئوریک را وارد فضای نقادی ایران کنیم که جای خالی‌شان را به‌وضوح احساس می‌کردیم.

است بگویم وبلاگم را، راه انداختم، هنوز ایران بودم و غرق در کار حرفه‌ای و تدریس معماری. این حرف حدوداً پانزده سال پیش است، دوره‌ای که وبلاگ‌ها در ایران بازارشان حسابی گرم بود. هدفم از وبلاگ «حرفه، معمار» (به نشانی: mmansouri.com) این بود که هم پروژه‌های معماری خودم را معرفی کنم و هم درباره‌ی معماری و هنر به‌طور کلی مطلب بنویسم. دانشجویهایم هم می‌توانستند در این سایت اطلاعات لازم را برای پروژه‌های درسی‌شان پیدا کنند. کارهای برتر دانشجویهایم را هم آنجا به نمایش می‌گذاشتم. تا اینکه مهاجرت کردیم و کار حرفه‌ای معماری آرام‌آرام کم‌رنگ شد و مباحث سینمایی دست بالا را پیدا کرد.

در این‌همه شاخه‌های مختلف کار و کوشش‌تان چه شد که این مسیر به سمت کار گسترده‌ی ترجمه آن‌هم با محوریت سینما رفت؟

مسعود: من و امینه سینما رفتن و فیلم دیدن را به‌عنوان یک علاقه‌ی مشترک از همان اولین روزهای آشنایی‌مان تا الآن دنبال کرده‌ایم. امینه: اولین فیلمی که باهم دیدیم «لیلا»ی مهرجویی بود در سینما سپیده. مسعود: پاییز هفتادوشش بود، بیست‌وسه سال گذشته!

امینه: بعدتر هم سینما رفتن‌هایمان به لطف دانشکده‌ی معماری مسعود رفت سمت سینما تک حوزه هنری در خیابان سمیه و جلسات هفتگی فیلم بینی در خانه‌ی دوستان. البته کلاً کسی که به راه سینه فیلی کشیده شد و حرفه‌ای به نقد فیلم پرداخت مسعود بود.

مسعود: شروع ترجمه‌ی سینمایی را مدیون مهاجرت به مونترال و آشنایی با زبان فرانسه هستیم. اولین باری که به «گراند بیلیوتک» یا همان کتابخانه‌ی مرکزی مونترال کنار متروی «پری اوکم» پا گذاشتم رفته سروقت بخش مجلات سینمایی. مثل آدمی بودم که یکپو گنج پنهانی را کشف کرده باشد! همه‌ی مجلات فرانسوی‌زبان و انگلیسی‌زبان معتبری را ردیف شده کنار هم می‌دیدم که در ایران فقط اسم چندتایی‌شان به گوشم خورده بود: «کایه دو سینما»، «پوزیتیف»، «فیلم کامنت»، «ساید اند ساوند» و... با همان بضاعت محدودم از زبان فرانسه، بخش‌هایی از نوشته‌های این مجلات را ترجمه می‌کردم و در وبلاگم می‌گذاشتم. میزان استقبال از این ترجمه‌های پراکنده دور از انتظارم بود!

مسعود جان، چه شد که وارد نشریات سینمایی ایران شدید؟

مسعود: خیلی اتفاقی! سالی که فیلم جدایی نادر از سیمین در دنیا گل کرده بود، من مصاحبه‌ای را از اصغر فرهادی ترجمه کردم و در وبلاگم گذاشتم که در مجله‌ی فرانسوی کهنه‌کار «پوزیتیف» چاپ

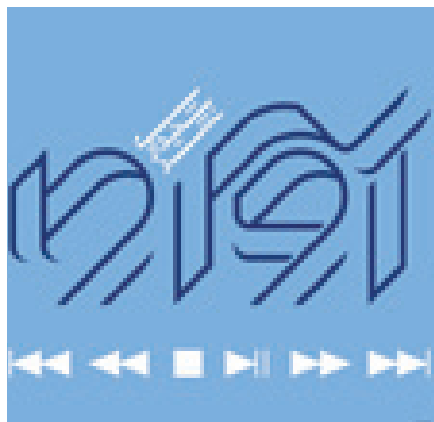
دنیا بی دیگر. اینکه بتوانی به فرانسوی یا انگلیسی تئاتر ببینی، علاوه بر زبان مادریات به زبان دیگری هم کتاب بخوانی و فیلم ببینی، امکان رشد بیشتری فراهم می‌کند. مسعود: درست است. مقوله‌ی زبان اهمیتش در فعالیت‌های فرهنگی انکارناپذیر است. برای من، آشنایی اولیه با آنچه در زبان‌های فرانسوی و انگلیسی درباره‌ی سینما نوشته شده، و معرفی گوشه‌ای از آن‌ها به خوانندگان ایرانی، موتور محرکه بوده است. با امینه، و دیگر دوستانم در «کوکر»، امیدواریم با ترجمه‌ها و پادکست‌ها و نوشته‌های سینمایی، بتوانیم تأثیر کوچکی در فضای فرهنگی فارسی‌زبان بگذاریم.

■ و سخن پایانی ناگفته؟

مسعود: ممنونم از تو و از مجله‌ی «هفته» بابت توجهی که به کار ما نشان دادید. امیدوارم دوستان مهاجری که تازه به مونترال آمده‌اند قدر فرصت‌ها را بدانند و سختی‌ها نامیدشان نکنند.

دوستان گرامی، ممنون از وقتی که به «هفته» اختصاص دادید.

مسعود: مقوله‌ی زبان اهمیتش در فعالیت‌های فرهنگی انکارناپذیر است. برای من، آشنایی اولیه با آنچه در زبان‌های فرانسوی و انگلیسی درباره‌ی سینما نوشته شده، و معرفی گوشه‌ای از آن‌ها به خوانندگان ایرانی، موتور محرکه بوده است. با امینه، و دیگر دوستانم در «کوکر»، امیدواریم با ترجمه‌ها و پادکست‌ها و نوشته‌های سینمایی، بتوانیم تأثیر کوچکی در فضای فرهنگی فارسی‌زبان بگذاریم.



روز بعد فایل صدای شخص دوم را بر ایمان فرستاد. کار را ادیت و روی سایت کوکر و اکانت ساوندکلاود آواک آپلود کردیم، درحالی‌که من هنوز مطمئن نبودم کار ادامه پیدا کند.

مسعود: من مطمئن بودم ادامه خواهد داشت، حتی قسمت‌های بعدی را هم انتخاب کرده بودم (خنده).

امینه: وقتی قسمت اول با استقبال مخاطب مواجه شد، قرار شد برای قسمت‌های بعدی فقط ناظر ضبط و مسئول ادیت و مونتاژ نباشم. قسمت بعدی پادکست را من ترجمه کردم و سعی کردم با توجه به سابقه‌ی دوبله جمله‌ها را طوری بنویسم که در دهان جا شود، به عبارتی به گوش یک فارسی‌زبان راحت بنشینند. در این شماره استراحت کوتاهی که کووید در تابستان به همه داد باعث شد سراغ دوست دیگرمان علی فلاح‌پیشه برویم که بخش‌های کوتاهی از کار را با صدای علی ضبط کردیم. بخش‌های مربوط به پدram را هم یک دور خواندم و فرستادم که لحن دستش بیاید، بعد خودش کار را ضبط کرد و فایل را فرستاد. برای ضبط صدای مسعود هم دوتایی تمرین کردیم و کار لحن خوبی پیدا کرد. در نهایت به سلیقه‌ی خود صداهای اصلی را بالا و پایین کردم، تکه‌های معرفی را خواندم و کار را نهایی کردم. از کار دوم چنان راضی بودم که بلافاصله از مسعود پرسیدم پیشنهادش برای کار بعدی چیست که ترجمه را شروع کنم.

مسعود: فرشید جان درمورد پرسشت که کارهای ما را چطور می‌شود دنبال کرد، جست‌گرفته هم من و هم امینه جواب داده‌ایم. ولی اگر بخواهیم یکجا بنویسیم، نوشته‌های من در سایت «حرفه، معمار» در دسترس است به آدرس mmansouri.com، ولی این روزها متمرکزتر در مجله‌ی سینمایی «کوکر» با دوستانم می‌نویسم، به آدرس kokermag.com. کارهای امینه هم روی ساوندکلاود «آواک» یا هر پادگیر دیگری که اسم «نشر شنیداری آواک» را جستجو کنید قابل شنیدن است. و خب پادکست کوکر که کار مشترک کوکر و آواک است از هر دو رسانه قابل شنیدن است.

■ اثر مهاجرت را بر همه‌ی این کوشش‌ها چگونه می‌بینید و برنامه‌ها و کارهای پیش روی شما و یاران همدلانتان چیست؟

مسعود: مهاجرت باوجود همه‌ی سختی‌هایش فرصت‌های تازه‌ای را پیش پای آدم می‌گذارد. زندگی و کار در شهر فوق‌العاده‌ای مثل مونترال، خواه‌ناخواه آدم را از یادگیری دو زبان فرانسه و انگلیسی ناگزیر می‌کند. و برای کسی که به مقولات فرهنگی علاقه‌مند باشد، چه لذتی بالاتر از این!

امینه: یک‌بار رفته بودیم سینما کارتیه لاتن و فیلمی به هر دو زبان فرانسه و انگلیسی اکران می‌شد. باید انتخاب می‌کردیم. یادم است باهم که صحبت می‌کردیم از همین گفتیم. این‌که یادگیری یک زبان و زندگی در محدوده‌ی فرهنگی آن زبان انکار دری به روی آدم می‌گشاید به

به فارسی حرف زدن کار کردم که برای دیگران جذابیتش همین شخصی بودنش بود.

■ پس شما بعد از مهاجرت هم کار صدا را دنبال کردید؟

امینه: بله، همان‌طور که مسعود رابط‌هاش با زبان فارسی را بعد از مهاجرت از طریق نوشتن و ترجمه به فارسی ادامه داد، من هم تمام آنچه از لحن، آکسان‌گذاری و درست‌خوانی در زبان مادری آموخته بودم در کار صدا ادامه دادم. چند سال اول مهاجرت که مونترال بودیم دغدغه‌ام نمایشنامه‌خوانی و داستان‌خوانی به زبان فارسی بود و وقتی به بهانه‌ی تحصیل راهی کبک‌سیتی شدیم و ارتباط مستقیم با فارسی‌زبانان ممکن نبود، به فکر راه‌اندازی یک نشر شنیداری به نام «آواک» افتادم که در نهایت جایی ثبت نشده و بیشتر نماینده‌ی من است و دوستانم که هرازگاهی کاری مشترک آماده می‌کنیم و روی ساوندکلاود آواک (به نشانی: soundcloud.com/avoc) منتشر می‌شود، البته کارهایی هم هست که تکی انجام داده‌ام و به اشتراک گذاشته‌ام. حالا سه سالی می‌شود به مونترال برگشته‌ایم ولی همچنان تولید کارهای شنیداری از اولویت‌های من در حوزه‌ی زبان فارسی است؛ به جای گشتن پی مخاطب رودرو. یک‌جورهایی شهر به شهر شدن ما انگار اثر دائمی‌ای روی نحوه‌ی کار کردن ما گذاشت، چیزی شبیه اثر اوضاع کنونی روی کار از راه دور.

■ ایده‌ی پادکست «کوکر» از کجا آمد؟ لطفاً ساختار، اهداف، همکاری و راه‌های شنیدن آن و نیز راه‌های مختلف ارتباط و دنبال کردن آثار و فعالیت‌هایتان نیز برای ما بگویید.

امینه: یک روز مسعود درحالی‌که داشت پادکستی از «راديو فرانس» می‌شنید، گفت ببین خوب می‌شد اگر این کار را دوبله می‌کردیم، مثل دوبله هم‌زمان. راستش من خندیدم چون به نظرم کاری را که به زبان اصلی می‌شود فهمیدم چرا باید دوبله کرد. خوشبختانه مسعود حرف مرا جدی نگرفت و کل کار را درحالی‌که هدفون به گوش می‌عقب و جلو می‌کرد ترجمه کرد و از من برای ضبط کردن کمک خواست. من هم میکروفونم را در استودیو خانگی مان نصب کردم و نشانش دادم در چه فاصله‌ای از میکروفون بنشینند و چطور کار را ضبط کنند. یک روز تعطیل، گمانم یک نصف روز در حال ضبط کردن بود و به‌طورجدی هر بار اشتباهی کرده بود دوباره از ابتدا متن را خوانده بود. خلاصه که خسته ولی خوشحال کارت حافظه‌ی میکروفونم را دستم داد که من کار را ادیت و میکس نهایی کنم. هر دو شخصیت حاضر در مصاحبه را خودش گفته بود و خیلی خوب لحن‌ها را درآورده بود. ولی نمی‌شد فقط یک نفر جای هر دو صحبت کند. اینجا بود که یاد دوستانم پدram خوشبخت افتادم که او هم میکروفونی شبیه من دارد و در اوضاع کووید نیازی به جایجایی هم نبود چون می‌توانست کار را ضبط و فایلش را برایم بفرستد. تلفنی با پدram صحبت کردیم و چند

بهر روز مایل زاده
شاعر، نویسنده و
طنزپرداز ساکن مونترآل



استقبال گرم

داستان استقبال گرم سرآغاز مجموعه داستانی تازه از بهروز مایل زاده است که «یک قوطی کنسرو لوبیا روی میز شام اشرافی» نام دارد و در دست انتشار است. این اثر بخشی از تولید ادبیات ایرانیان کانادا است. به زودی و پس از نشر این مجموعه با ایشان در همین صفحات به گفت‌وگو خواهیم نشست (همچنین از او پیش‌تر مجموعه شعری با عنوان «مرثیه‌ای برای شاخ‌های گوزن نر شمالی»، به بازار نشر عرضه شده است).

فروشنده نگاه تندى به سید لبخندهای معنادار انداخت و یک لبخند گذاشت روی پیشخون. زن زیبا لبخند را گرفت و زانوی غم را گذاشت زمین و گفت تمام جونم درد گرفت عزیزم یکم رو پای خودت بایست! و هر دو از مغازه رفتند بیرون. پشت سر زن زیبا، پیرمرد نحیف هم رفت.

فروشنده رو کرد به میتی و با اضطراب گفت: بپر یه زنگ به آقا جمال بزنی بین این روی گشاده‌ها چی شد پس چرا نفرستاده؟

میتی گفت: اوستا همین نیم ساعت پیش زنگ زدم آقا جمال، می‌گه تا خاطرمون جمع نشه دیگه نه از روی خوش خبریه نه از استقبال گرم و نه آغوش باز! فروشنده گفت همین؟ همینو گفت؟

میتی گفت نه بعدش گفت به اوستات بگو یکم آب از دستش بچکه بد نیست ما هم چک داریم باید پاس کنیم.

تلفن زنگ خورد!

فروشنده همین‌طور که جعبه‌های هزار سودا رو از اون سر انبار می‌چید توی یخچال خیره شده بود به در مغازه و مشتری‌ها رو می‌دید که با هزار امید در دست وارد مغازه می‌شوند و دست از پا درازتر برمی‌گردند.

فروشنده داد زد میتی چند تا دلجویی مختصر بیار. بذار رو پیشخون دم دست من. میتی رفت توی انبار. صدای زنگ تلفن آزاردهنده شده بود مثل صدای مته که توی کله فرومی‌رفت.

فروشنده دستی به سروصورتش کشید سیم گوشی رو از پریز کشید و به میتی گفت ساعت چار شد! می‌تونى برى!

جمعه هم نمی‌خواد بیای!

می‌خواد!

فروشنده گفت حالا برو برس به مشتری‌ها... ببین خانم چی می‌خواد.

خانم مسن و معقولی وارد شد و پرسید آقا ببخشید آغوش باز دارید؟

میتی گفت: برای خودتون می‌خواید؟

خانم معقول گفت: چطور مگه؟

میتی گفت: آخه آغوشای بازمون کینگ‌سایزن! سایز مناسب شما تموم کردیم.

خانم معقول گفت: اتفاقاً منم یه آغوش باز کینگ می‌خوام برای یه عزیز که از راه دور اومده.

میتی نگاهی به فروشنده انداخت یعنی خودت می‌دونی و رفت که استقبال گرم شده‌ی پیرمرد نحیف رو از توی فر دربیاره.

فروشنده با کمی تردید گفت: بفرمائید خانم ببینید این خوبه؟

خانم معقول ابعاد آغوش باز رو برانداز کرد و گفت نه آقا کوچیک‌تر ندارید؟

فروشنده با سرافکندگی گفت خیر خانم! اگر فردا تشریف بیارین برامون می‌رسه.

خانم معقول زیر لب چیز غرغونه‌ای گفت و با دلخوری رفت. دم در پیرمرد نحیف با لبخندی ایستاده بود که یک خانم زیبا با یک زانوی غم در بغل وارد شد، زانو به‌شدت گریه می‌کرد و زن زیبا هرچه سعی می‌کرد زانو را ساکت کند نمی‌توانست.

پیرمرد به زن زیبا گفت: چه زانوی قشنگی دارید ماشالله!

زن زیبا تشکر سردی کرد و رفت سمت پیشخوان و به فروشنده گفت: ببخشید آقا! لبخند معنادار دارید؟

پیرمرد گوژپشت و نحیف با عصای چوبی وارد مغازه شد و گفت: سلام!

فروشنده که مشغول برق انداختن استکان‌ها بود بدون آنکه سرش را بلند کند گفت: سلام، امرتون!

پیرمرد سینه‌ای صاف کرد و گفت: یه استقبال گرم می‌خواستم پسر! فروشنده نگاهی به مشتری و بعد به یخچال ویتروینی مغازه انداخت و گفت:

استقبال‌هامون همه سردن! تازه گذاشتیم بیرون گرم شن، الان می‌گم یکیش رو گرم کنن بدن خدمتون!

پیرمرد نحیف، آرام آرام رفت سمت میز کنار سالن و گفت: خیر ببینی پسر خوب گرمش کن چند وقته هر جا می‌رم همه استقبال‌هاشون یخ‌زده‌س!

فروشنده استکان برق افتاده‌ی توی دستش را گذاشت روی پیشخوان و فریاد زد: آی میتی، یه استقبال گرم دو آتیشه بده خدمت آقا بعدشم بیا اینجا این بدرقه‌ها رو از رو میز جمع کن ببر بریز تو سطل خاطرات!

میتی با یک پیشبند سفید و دستانی خیس آمد توی سالن و گفت: اوستا من ساعت چهار باید برم جایی وگرنه غیبت می‌خورم!

فروشنده نگاهی به ساعتش کرد و با اخم گفت تو که همین دیروز رفتی چه خبرته!؟

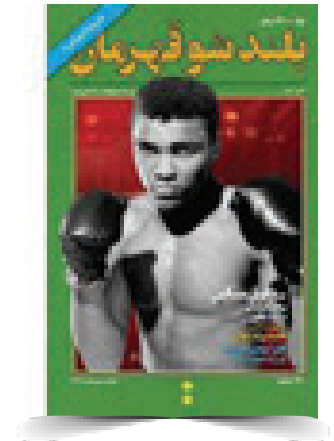
میتی گفت اون همین‌جوری دست‌گرمی بود؛ اصل کاری امروزه!

فروشنده گوشه چشمی نازک کرد و گفت: من که از کارای تو سر در نمی‌آرم! و بلافاصله ادامه داد، بین این جمعه می‌تونى بیای سرکار؟ سرمون خیلی شلوغه‌ها!

میتی گفت: سعی‌ام رو می‌کنم ببینیم خدا چی

تازه‌های کتاب ایران

تازه‌های کتاب کانادا



انتشارات Edition Hannenorak که ناشر کتاب‌های بومیان کاناداست، به تازگی کتابی در زمینه‌ی بیوگرافی یا زندگی‌نامه با نام «Mononk Jules» نوشته‌ی Jocelyn Sioui را منتشر کرد. این کتاب درباره‌ی زندگی عمومی بزرگ نویسنده است به نام Jule Sioui او که از قهرمانان ملی بومیان کانادا و فعال جریان Pan-North بوده و حالا می‌شود گفت که دیگر از خاطرها رفته است. او در میانه‌ی جنگ جهانی موفق شد دو مرتبه ملاقاتی بین دو قبیله‌ی بومی با دولت رسمی کانادا در اوتاوا برگزار کند و به این ترتیب توانست توجه عموم را جلب کند به ناعدالتی‌ها و رنجی که بومیان متحمل می‌شدند. این کتاب با زبانی طنزآمیز به تغییر و تحولات تاریخی کبک Quebec از دید بومیان پرداخته است.

Jocelyn Sioui نویسنده، نمایشنامه‌نویس و عروسک‌گردان مونترالی و از اقوام بومی کاناداست. هنر او اگر چه ریشه در فرهنگ اقوام خود دارد اما رزومه‌ی فعالیت‌هایش نشان داده که این هنرمند محدود به فرهنگ خود نمانده و در بازآفرینی میراث نمایشی سایر ملل فعالیت داشته است.

او معلم تئاتر و نیز بنیان‌گذار شرکت Belzébrute در مونترال است که از پانزده سال پیش تا کنون در زمینه‌ی تئاتر عروسکی، سایه، شعر- تصویر و نیز نمایش نقاب تحقیق و فعالیت می‌کند.



کتاب Mononk Jules با مبلغ ۲۱,۹۵ دلار به فرمت PDF و ePUB از سایت کتابفروشی Renaud bray برای علاقه‌مندان به تاریخ کبک، زندگی بومیان کانادا قابل تهیه است.

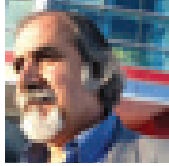
«بلند شو قهرمان» دومین اثر علیرضا جوانمرد پس از مجموعه داستان «پیشانی نوشت‌ها» است که هر دو کتاب توسط نشر «اسم» وارد بازار کتاب شدند. شخصیت اصلی داستان مردی به نام «قهرمان یوسفی» است که به وضوح آشفتگی روحی دارد، در اداره‌ی پست کار می‌کند. «ساقی» همسر قهرمان، هنرمند و نقاش است. این داستان بلند، در واقع روایت خاطرات و اتفاقات زندگی قهرمان است که به توصیه دوستش آنها را روایت می‌کند. درباره‌ی این کتاب می‌توان گفت که دغدغه هویت و هستی شناختی محورهای اصلی هستند. این داستان با توجه به مولفه‌هایی چون هویت مبهم شخصیت‌ها، عنصر عدم قطعیت، هجو و طنز، شیوه‌ی نامتعارف و پاره پاره‌ی روایت و نیز نقد جهان مدرن، بی‌شک در دسته‌ی داستان‌های پست مدرن قرار می‌گیرد. در لابلای فصول و میان متون تصاویری هجو آمیز قرار دارند که از چهره‌ی آدم‌ها گرفته تا حتی «چهره‌ی مرموز رادیو در روزگار جوانی» را شامل می‌شود. علیرضا جوانمرد در دانشگاه مهندسی مکانیک خوانده اما به داستان‌نویسی بیشتر از رشته‌ی تحصیلیش علاقه دارد. درباره‌ی این کتاب در مصاحبه‌ای عنوان کرده که آگاهانه ارجاعاتی به رمان‌های «بوف کور» صادق

هدایت و «ملکوت» بهرام صادقی داشته. این کتاب می‌تواند گزینه‌ی مناسبی برای خوانندگانی باشد که به خواندن داستان‌های نامتعارف مایلند.

«بلند شو قهرمان» در ۱۲۰ صفحه به مبلغ ۲۴۰۰۰ تومان توسط نشر «اسم» روانه بازار شد. همچنین از طریق اپلیکیشن طاقچه می‌توانید به نسخه اینترنتی این کتاب دسترسی داشته باشید.



خالیدبایه زیدی (دلیر)



شعری از محمد زندی با ترجمه کردی

اشاره:

از بیوگرافی شاعر معاصر محمد زندی چیز زیادی نمی‌دانم ولی شعرهای بسیار زیبایی از او خوانده‌ام و می‌خوانم شاعری است زیبانویس و ژرفاندیش که دوست دارم شعرهایش را بارها و بارها بخوانم و جالب اینکه هر بار به چیز تازه‌ای برخورد می‌کنم. یکی این شعرهای زیبایش که به کردی برگردانده‌ام تقدیم خوانندگان فرهیخته «هفته» می‌نمایم.



کردی

شیر یکی: محمه د زه ندی
 (وه رگیر: خالید بایه زیدی (دلیر)
 ده کراسم هه یه
 یه کیان له به ر ده که م
 یه کیان له به ر دراوسیه که م ده که م
 «یه کیان بوو «فته تانه ی مه جنون
 یه کیان بوو ئیدمان بووه که ی ژیر پرده که
 یه کیان بوو مه هاجیریکی ئه فگان
 ...وه کراسیک
 نازانم به کی وله کوی؟
 ئیستا که شه ش کراسم هه یه
 یه کیان له به ر ده که م
 یه کیان بوو هاوری په نابه ر
 یه کیان بوو نیرگیز فروشی سه رچوار ری
 یه کیان بوو زیندانی
 یه کیان بوو هاوری له ژیر خاک نووستووم
 وه یه ک کراس بوو کوچ به ریکی کورد
 ئیستا که دوو کراسم هه یه
 ته نیا یه کیان له به ر ده که م
 کراسه که ی تو
 یه کیان بوو هاوری دور خراوه م
 ئیستا که کراسیکم هه یه
 یه کیان له به ر ده که م
 ئه و کراسه ش
 جه لاد! هه لیده گری و
 بی کراس له سه ره تی سیداره ده مینمه وه

فارسی

ده پیراهن دارم
 یکی می‌پوشم
 یکی می‌پوشانم به همسایه
 یک پیراهن به «فتانه»^۱ می‌مجنون
 یک پیراهن برای معتاد کنار پل
 یک پیراهن به مهاجر افغان
 و یک پیراهن
 نمی‌دانم به که و کجا؟
 حالا شش پیراهن دارم
 یکی را می‌پوشم
 یکی را به رفیق پناهنده
 یکی به نرگس فروش چهار راه
 یکی به زندانی
 یکی به رفیق خفته در خاکم
 و یک پیراهن به مهاجر کورد
 حالا دو پیراهن دارم
 فقط یکی می‌پوشم
 پیراهن تو
 یکی برای رفیق تبعیدی
 حالا یک پیراهن دارم
 یکی می‌وشم
 یک پیراهن را
 جلاد بر می‌دارد
 بی پیراهن روی دار

^۱. فتانه‌ی مجنون، خواننده‌ی سنندجی که مجنون شد

سه یادداشت به مناسبت زادروز استاد گلپایگانی



تامل به حلاوت هنر فاخرش. دهم بهمن زادروز این استاد آواز ایرانی بهانه‌ای برای تبریک به خودش و هنرش است. نفسش همیشه گرم.

میلااد دوباره آواز ایرانی

علی شیرازی، آوازخوان و مدرس آواز



نوآوران همواره از بیشترین میزان شجاعت برخوردارند. هرگونه خلاقیتی همواره در ابتدای عرضه و ارائه با بیشترین بازخورد منفی از سوی تنگ‌نظران و نیز کسانی که می‌خواهند در همیشه روی یک پاشنه بچرخد روبرو می‌شود. بعد هم چه بسا که تا سال‌ها این نگاه تنگ و بسته شامل حال آن شخص نوآور و نوآوری‌اش بشود. استاد اکبر گلپایگانی بسیار جوان بود که مست مستم ساقیا را خواند و دل‌ها و گوش‌ها و ذهن‌ها را فتح کرد. تمام ایران به یکباره مخاطب آواز ایرانی قرار گرفتند.

محمدرضا شجریان و علیرضا افتخاری بود و گاهای بهرام حصیری، صدیق تعریف، شهرام ناظری و بقیه آلبومی به بازار روانه می‌کردند. زمان گذشت تا در محفل دوستانه‌ای در یک مکان عمومی صدایی پخش شد که مرا به فکر عمیق فرو برد؛ صدایی صاف و زلال از جنس آینه. ناشناخته بود اما در صدایش حرف‌ها برای گفتن داشت!

اجرای صحیح کلمات با آن آهنگ دلنشین که صدا را تکمیل کرده بود: «تسم‌های باطل نقش زد آینده ما را...» از صاحب آن مکان نام خواننده را پرسیدم. با خنده‌ای از سر شوق نام گلپا را به زبان آورد. با دوستان اهل دل صحبت از این استاد شد که چرا در این سال‌ها نام و نشانی از او نشنیده بودیم.

همه چیز به این جا ختم بخیر نشد، زمان کمی به جلو حرکت کرد تا سراغی از او گرفتم، شاید اگر آن صدا را در آن محفل دوستانه نشنیده بودم، شنیدن صدا برای من ممکن نبود. برخلاف برخی‌ها خبری از بازخوانی تصنیف و ترانه‌های قدیم در کار او جایی نداشت. انتخاب اشعار با آهنگ‌های خاص طعم دیگری داشت. گلپا متعلق به دوران طلایی موسیقی ایران است که در خواندن شنونده را به فکر عمیق فرو می‌برد؛ شاید این قابلیت هنری یک هنرمند است که شنونده باید با آن پیوند داشته باشد. زندگی در عصری که روزانه خوانندگان جدید با شکل و شمایل متفاوت در بازار موسیقی رنگی به خود می‌گیرند تا به نان و نوایی برسند، حال دیگری به خود گرفته است. خوانندگان (نه هنرمندان) برای رسیدن به ستیغ شهرت به آب و آتش هم می‌زنند، پرده‌ها را کنار می‌زنند و در این مسیر تلاش برای ربودن گوی سبقت است، غافل از اینکه این گلپا بود که با «مست مستم ساقیا دستم بگیر...» یک شهر و در واقع یک ملت را به تامل واداشت،

به زلالی آب

اسداله قربان زاده، روزنامه نگار



صدای استاد گلپا برای ما دهه شصتی‌ها کمی غریبه بود. آن روزهایی که با رادیو انس و الفت دیرین داشتیم و برنامه‌های شبانه‌های رادیو پیام و سایر بخش‌های رادیو پخش می‌شد، خبری از این صدای ناب موسیقی نبود. در لابلای برنامه‌ها برای تفریحی هم که شده تصنیف و گاهی آوازی از یک خواننده موسیقی اصیل پخش می‌شد. برخی را می‌شناختم و برخی را مجردی تنها به معرفی نامش اکتفا می‌کرد و رد می‌شد. اگر مجردی کارشناس موسیقی بود برای اینکه زحمت آهنگساز و شاعر هم به جا آورده باشد، نیم نگاهی به معرفی آن‌ها هم داشت تا حق مطلب ادا شود. رادیو برخلاف تلویزیون مشتریان خوبی داشت و در پخش موسیقی برای خودش برو بیایی به راه انداخته بود.

گاه‌ها در لابلای بحث‌های موسیقی اشاراتی به نحوه آوازخوانی برخی اساتید می‌شد و غافل از پخش حتی یک قطعه تصنیف یا آواز از آن‌ها. آن روزها (دهه هفتاد) کاستی از استاد گلپا به بازار موسیقی عرضه نشده بود، آن هم در روزهایی که بازار داغ موسیقی دست استاد

دایره ارتباطی هنر آواز بزرگ و بزرگتر شد. صدای گلپا و ایرج در تمام کوی و برزن پیچید و آوازخوانان بالقوه بسیاری برای آموختن این هنر گران سنگ پا پیش گذاشتند...

خب مگر استاد اکبر گلپایگانی که در نزد مردم صمیمانه «گلپا» خطاب می‌شد چه کرده بود که آواز اینچنین اقبال عام یافت و چرا پس از این دو بزرگ یعنی ایرج و گلپا دیگر آنچنان اقبالی به هنر ملی آواز ایرانی نشان داده نشد؟ می‌کوشم در چند سطر باقیمانده از این نوشتار محدود به این پرسش پاسخ دهم

*

آواز ایرانی هنری است صددرصد جدی. حق هم همین است. چه در آموختن و چه در اجرا و چه در شنیدن آثار این هنر، مخاطبش باید با جدیت آن را دنبال کند و به سبب وجود مفاهیم شعری عمیق باید که در فکر فرو رود و تن ذهن و گوش و جان را به دریایی که «آواز» پیش رویش قرار می‌دهد بسپارد.

قالبی که تا پیش از گلپا برای آواز تعریف شده بود صرف نظر از شیوه اجرایی و صدادهی استاد غلامحسین بنان که نگارنده ایشان را نیمای آواز ایرانی می‌شناسد قالبی مرزبندی شده و مو به مو در چهارچوب ردیف بود و همین اصرار خواه ناخواه کار را به تکرار می‌کشاند که هرچند نه به میزان امروز (منظور این ۴۲ سال پس از انقلاب است) ولی به هر حال در زمانه ربع نخست قرن ۱۴۰۰-۱۳۰۰ به تکرار هم کشانده بود.

گلپا با ارائه آنچه خودش آن را رومانس نامید خدمتی درخور به آواز کرد. رخت کهنه از تن این هنر به در آورد و گوش‌ها و جان‌های مشتاقان را طراوت و جلایی تازه بخشید:

پرده بگردان و بز نواز نو

هین که رسید از فلک آواز نو...

آنگونه بود که این آواز رخ‌نموده چشم‌ها را خیره کرد و گلپا و ایرج در دوره‌ای تقریباً هم‌زمان به عنوان کسانی شناخته شدند که آواز را به خانه‌های مردم بردند. دیگر در دورترین محله‌ها و روستاها می‌شد صدای این دو را شنید و غرق در زیبایی آنچه می‌خواندند شد.

*

آواز ایرانی رنگین‌کمانی است بی‌پایان. ایرج و گلپا فقط دو جلوه زیبای آن بودند. بنان، قمرالملوک وزیری، رضاقلی میرزا ظلی، ادیب خوانساری، یونس دردشتی، روح‌انگیز، سیدجواد ذبیحی، حسین قوامی، نادر گلچین و بسیاری دیگر - قبل یا بعد از این دو - از راه رسیدند و جان‌های مشتاقان را جلا بخشیدند.

آواز ایرانی به عنوان یک هنر پرمخاطب هم ملودی و ردیف موسیقی را حفظ کرد و هم شعر و ادب گرانقدر پارسی را از طریق بازخوانی شعر شاعران کهن و معاصر رونق بخشید. اینگونه بود و هست که آواز را هنری چندمنظوره می‌خواندند و می‌خوانند.

حالا از پی یک رکود چهار دهه‌ای مشتاقان این هنر چشم به راه گلپاها و ایرج‌ها و ظلی‌ها و قمرها و بنان‌های

امروزی‌اند تا چشم‌اندازی تازه بگشایند و این هنر را رنگ و عطر و بویی تازه بخشند. باشد که مردی از خویش برون آید و کاری بکند...

دهم بهمن‌ماه هر سال نه فقط زادروز استاد اکبر گلپایگانی که یادآور مردی است که با همت جانانه‌اش به سهم خود باعث و بانی میلاد دوباره آواز ایرانی شد. تولدت مبارک استاد، سرو بلند قدت همواره در فراز و عمرت جاودان.

خلاق‌ترین خواننده تاریخ موسیقی ایرانی

جاوید عباسی فلاح، مدرس آواز ایرانی



دهم بهمن سالروز تولد استاد علی اکبر گلپایگانی یکی از معماران بزرگ آواز ایرانی است که آثار او مانند آثار باستانی ماندگار این سرزمین، جاوید خواهد ماند. آواز خوانی که صدا و نحوه خواندن او تاریخ موسیقی ایران را جور دیگری رقم زد.

آواز خوانی که استادان بزرگی را به خود دید، ولی مانند هیچ یک از آنان نخواند. کسی که از ردیف عبور کرد و با استفاده از حروف الفبای موسیقی ایرانی خالق آثار زیبا و ماندگار شده است و مانند سعدی حافظ و مولانا و شاعران دیگر که با استفاده از حروف الفبای فارسی اشعار ناب و زیبایی را خلق کردند، ایشان نیز همین کار را با آواز ایران انجام دادند.

صدای استاد گلپا به لحاظ ویژگی‌های یک صدای استاندارد دارای مولفه‌های بسیار زیاد و شاخصی است که کمتر در خواننده‌ای وجود دارد. حجم صدا، جنس صدا، قدرت صدا، وسعت صدا، دینامیک صدا، نرمی صدا، گرمی و لطافت صدا تحریرهای زیبا و سایر ویژگی‌ها که وجود هم‌زمان این مولفه‌ها در صدای یک خواننده بسیار بعید است، ولی در صدای گلپا وجود دارد. لازم به ذکر است استاد محمدرضا لطفی از استادان طاهرزاده و گلپا به عنوان بزرگ‌ترین معمار و طراح بزرگ آواز ایرانی یاد کردند.

باید اذعان کرد که ایشان خلاق‌ترین خواننده تاریخ موسیقی ایرانی هست و این ادعا به راحتی و با بررسی آثار او قابل اثبات است. خواننده‌ای که بدون تقلید از کسی بتواند یک فرم جدیدی از آواز را خلق کند و مورد تایید خواص و عوام قرار بگیرد، بسیار خواننده خلاق و توانمندی محسوب می‌شود و استاد گلپایگانی بی‌شک در

زمره این گونه خواننده‌ها قرار دارد. نکته دیگر که بسیار حائز اهمیت است، ویژگی‌های صدای ایشان باعث شد در دوره‌ای که مردم از آواز رویگردان شده بودند و در معرض بی‌اعتنایی قرار گرفته بود آواز را به میان توده مردم عادی آوردند تا جایی که علاقه‌مندان آواز او، در ساعت‌های مشخصی منتظر شنیدن آواز او در پای رادیو و تلویزیون بودند، آن هم در دوره‌ای که رقیب‌های زیادی وجود داشت که در فضای آزاد و بدون هیچ محدودیتی می‌توانستند کارهای خود را ارائه دهند، ایشان توانستند مورد اقبال بیشتر مردم از هر قشر قرار بگیرند و قلب میلیون‌ها ایرانی را به تسخیر درآورد که این نشانه تاثیرگذاری صدا و نحوه خواندن و البته هوشیاری و جامعه‌شناختی ایشان است.

در این سال‌ها که چه‌ها بر سر موسیقی فاخر ایران آمد، زمینه برای رشد موسیقی‌های بی‌هویت و سخیف و به تبع آن کاهش سلیقه مردم به پایین‌ترین سطح به دلیل کنار گذاشتن استادان بزرگی مانند گلپا، ایرج شهیدی و دیگران بود. استعداد و نبوغ استاد گلپا به حدی بود که در نخستین اجراء، بنیانگذار برنامه گلپا تحت تاثیر صدای دلنشین و زیبای او قرار گرفت و او به معنای واقعی کلمه آواز خوان موسیقی ایرانی است.

فرم آوازی که ایشان خلق کرد در واقع نخستین بار بود که پس از تولید و ضبط اولین آوازها از زمان قاجار به بعد و پس از گذشت حدود یک قرن که به یک فرم مشابه آواز می‌خواندند و تنها تفاوت آوازهای آن زمان با هم شاید در نوع تحریرها، نحوه گویش و اوج خواندن کلمات بود. ایشان با نبوغ و توانایی توانستند یک نوع آواز را طراحی و معماری کنند که در طول تاریخ آواز ایرانی شاید بی‌نظیر باشد.

با این که کاملاً تسلط به ردیف داشتند ولی سعی کردند آواز را به گونه‌ای طراحی و اجرا کنند که نیاز به اجرای ردیف محض نباشد و با اجرای آوازهای مختلف با گونه‌های متفاوت و متنوع و با سلیقه خاص از جمله شروع آواز با گوشه‌هایی غیر از گوشه درآمد و گردش زیبا بر روی ملودی گوشه‌های مختلف، یکنواختی را از آواز خارج کنند و در واقع آواز را با حفظ ویژگی‌های خاص خود از جمله زیبایی و سادگی، دلنشین‌تر، مردمی‌تر و شیرین‌تر کردند و به معنای واقعی کلمه آشنایی‌زدایی نمودند که جای خالی آن در آواز کنونی ما به شدت احساس می‌شود.

نوع انتخاب و برخورد با شعر، نوع جمله‌بندی، رمان خوانی، نوع تحریرها از جمله ویژگی‌های آواز خوانی او است. استاد گلپا نزد استادان مختلف از جمله دوامی، ادیب خوانساری، طاهرزاده، سلیمان امیرقاسمی، محمد مجرد ایرانی و برومند به طور مستقیم و غیرمستقیم بهره برده‌اند و با شناخت ویژگی‌های آواز هر یک از این استادان و درک واقعی از آواز و فلسفه آواز و زیباشناختی، عناصر ناشناخته، آواز مورد نظر خود را کشف و هویدا کردند.

برای این استاد بزرگ آرزوی سلامتی و تندرستی داریم و امیدواریم که جامعه قدردان زحمات این آواز خوان بزرگ باشد.

صرافی رویال
با بهترین قیمت فروش سرویس

ROYAL EXCHANGE SERVICES

خرید و فروش ارز را با ما تجربه کنید

ارسال ارز به ایران و بالعکس
در سریع ترین زمان ممکن با بهترین نرخ
امکان استفاده از کارت های بانکی ایران
جهت فروش ارز

جنب فروشگاه اخوان
6162 SHERBROOKE W.
MONTREAL H4B 1L8

(514) 836-7090
(438) 686-4448

Shahin Sajadi
Courtier immobilier résidentiel
514-464-8220

شاهین سجادی
کارشناس و مشاور رسمی املاک مسکونی

Agence immobilière
RE/MAX Haute Performance

@shahin_sajadi@remax-quebec.com
shahinsajadirealtor shahinsajadi

ELHAM NIAJAMI

Residential Real Estate Broker
Courtier immobilier residential
enijami@sutton.com

الهام جامی

خرید و فروش املاک مسکونی
در مونترال، وست آیلند، ریوسود و لاوال

همکاری با تیم با تجربه در تهیه وام مسکن
و با کمترین نرخ سود بانکی



سهولت ویژه برای تازهواردین به ۱۹۹۴

C: 514-966-9681

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا

کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی



(514) 942-9969

www.amajco.ca

طراحی، بازدید و
برآورد رابگسان




CONSTRUCTION
AMAJ Inc

فازای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک

R.B.Q #: 5773-7520-01

- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل به همراه کلیه لوازم
- تغییر محل پله، تغییر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای بنویت شیشه‌ای حمام
- اجرای عایق بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف انرژی ساختمان
- تعمیر، تعویض و اجرای پلی استر
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش با سیستم مدرن و کم مصرف



نیوشا ریاحی
Niousha Rihi

وکیل رسمی دادگستری کبک

• حقوق تجاری در کانادا
• حقوق خانواده در کبک
• طرح دفاعی و دفاع در دادگاههای کبک
• مهاجرت به کانادا

انوسی در مرکز مونترال و نزدیک ایستگاه متروی مک گیل

☎ 514-953-3570 2001 Blvd. Robert Bourassa Suite 1700
Montréal (Québec) H3A 2A8

☎ 00982132819631 دفتر تهران
☎ 00989912535922 rihi@rihillegal.com rihillegal.com

امیر ندیمی
مشاور بیمه
Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می توانم بهترین نرخ کسرترا از میان شرکت های معتبر برای مشتریان خود برگزینم



Commercial insurance
Dwelling insurance (Buildings, home, condo, apt)
Vehicle Insurance (Auto, Motorcycle, etc)

☎ 514 - 600 - 2338
www.AmirNadimi.com
Assurances Nadimi
1855 Ch. de la Côte-de-Liesse, suite 201
Saint-Laurent, QC, H4N 3A8

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارت های شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6
info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن

CIBC

با بهترین نرخ بهره و در سریع ترین زمان و مکان مورد نظر شما

- کسب یک تا سقف 3000 دلار برای خرید خانه یا انتقال وام مسکن فعلی و تضمین بهترین نرخ بهره مورگنج در مارکت
- بهترین زمان برای انتقال مورگنج از مؤسسات مالی دیگر و اخذ کمترین نرخ بهره
- هزینه محض هدیه ما به شما برای انتقال مورگنج از مؤسسات مالی دیگر
- برای پرداخت پتانسی انتقال در کنار شما خواهیم بود
- پروموشن کسب یک پنج درصدی بانک CIBC

Email: mehرداد.moradkhan@CIBC.com
Toll-free: +1-866-262-1037
Cell: 514-834-8053
mehرداد.cibc

Top 100 in Canada 2020

گفت‌وگو:

اختصاصی هفته؛ گفت‌وگوی مصطفی عزیزی با کارگردان رضا کاهانی

یاد گرفتیم از فضای موجود نهایت استفاده را بکنم

از همان بدو ورود من مستقیماً با سانسور و توقیف مواجه شدم. این برایم خوشایند نبود و بر روی مسیر حرفه‌ای من تأثیر مستقیم داشت. دیگر هر کاری که انجام می‌دادم به سمت وسوی توقیف می‌رفت و اگر هم اجازه نمایش پیدا می‌کردم طعم و بوی سانسور وجود داشت.

گفت‌وگوی هفته

اختصاصی هفته؛ گفت‌وگوی مصطفی عزیزی
با کارگردان رضا کاهانی

یاد گرفتم از فضای موجود نهایت استفاده را بکنم



سلام خدمت شما آقای کاهانی عزیز؛ از طرف خودم و مجله هفته تشکر می‌کنم و امیدوارم جواب‌هایی را از شما بشنویم که تا به حال نشنیده‌ایم. کاهانی: من هم به شما و همکارانتان سلام عرض می‌کنم و امیدوارم از شما سوال‌هایی را بشنوم که تا به حال کسی نپرسیده باشد.

■ من فکر می‌کنم سال ۱۳۵۷ شما پنج سال داشتید؟
◀ کاهانی: بله، البته این سوال را هیچ‌کس از من نپرسیده بود.

■ این سؤال را به این دلیل پرسیدم که تجربه فعالیت سینمایی و فیلم‌سازی شما از وقتی شروع شده که فضا نسبت به قبل اساساً تغییر کرده است. شما در شهر نیشابور با جمعیت اندک، بدون هیچ پشتوانه‌ای اولین فیلم خود را در نوجوانی ساختید. اگر ممکن است کمی از آن فضا بگویید.

◀ از کودکی با دیدن فیلم‌های تلویزیون که تکراری بود علاقه‌مند به هنرپیشگی شدم. بیش از همه فیلم‌هایی آن دوران بخش می‌شد تحت تأثیر لورل-هاردی قرار گرفتم. هنرپیشگی را از ۱۳ سالگی در مدرسه شروع کردم. تصمیم گرفتم تحت تأثیر فیلم‌های لورل هاردی من هم فیلمی بسازم؛ در حالی که هیچ‌چیز از سینما نمی‌دانستم. به همین خاطر کتاب‌هایی خواندم که بفهمم چطور سناریو می‌نویسند. فیلم بیشتر می‌دیدم و از تخیلاتم بیشتر استفاده می‌کردم. در نهایت سناریویی نوشتم که کل آن را با کشف و شهود به دست آوردم.

متوجه شدم که برای ساخت یک فیلم طبیعتاً نیاز به یک فیلمبردار و صدابردار دارم. از طرفی هم چون جاه‌طلب بودم و دوست داشتم نسبت به موقعیت و امکاناتی که داشتم کار خوبی بسازم، بهترین عکاسی شهرمان (عکاسی هفت‌هنر) را پیدا کردم. هزار تومان داشتم و از آقای کاظمی، صاحب عکاسی خواهش کردم که برایم فیلم‌برداری کند و همه کارهای فنی‌اش را او انجام دهد. او هم خیلی محترمانه مرا بیرون کرد. یکی دو بار بیرونم کرد ولی من دوباره می‌رفتم و جلوی عکاسی می‌ایستادم. نگاهم می‌کرد و تحویل نمی‌گرفت. بالاخره توانستم به او نزدیک شوم و متقاعدش کنم. تنها یک سناریو و هزار تومان پول داشتم. هزار تومان را هم باید به جناب عکاس یا فیلمبردار می‌دادم. بقیه داستان خرج چنددانی نداشت. لوکیشن را دیده بودم و همه هماهنگی‌ها را انجام داده بودم. فیلمی که ساختم یک ساعت بود، نسبتاً

رضا کاهانی یک از کارگردانان نسل جدید و متفاوت ایران است که منتقدان در اصالت کارهای او اشتراک نظر دارند. کارهای او به طور خیلی محدود در ایران شانس نمایش و اکران عمومی داشته است. او می‌گوید «می‌خواهم آن چیزی که در درونم می‌جوشد و احساس می‌کنم بسازم»، شاید همین نگاه مبنای اصالت آفرینش‌های سینمایی اوست.

تا به حال مصاحبه‌های متعددی با رضا کاهانی انجام شده اما گفت‌وگوی زیر قالب یک مصاحبه معمولی را ترک کرده و به یک تبادل میان دو کارگردان تبدیل شده است.

در این مصاحبه مفصل و متفاوت رضا کاهانی به جزئیات و زاویه‌های مهمی از زندگی خودش، کارها و نگاهش می‌پردازد که برای هر علاقه‌مند به سینما می‌تواند جالب توجه باشد.

آقای مصطفی عزیزی کارگردان و فیلمساز ساکن تورنتو و همکار بخش سینمایی هفته با رضا کاهانی به گفت‌وگو نشستیم که در دو شماره پی‌درپی به شما خوانندگان عزیز هفته تقدیم می‌شود.

از آقای علی آریانا برای هماهنگی‌های این گفت‌وگو بویژه سپاسگزاریم. / تحریریه هفته

طولانی و خیلی هم خوب نبود ولی این که رفتم و آن فیلم را ساختم نشان می‌داد آدم علاقه‌مند و پیگیری بودم و هنوز هم هستم.

این دیدگاه که «می‌خواهم آن چیزی که در درونم می‌جوشد و احساس می‌کنم بسازم» در واقع منش همه زندگی شما شد. من فکر می‌کنم این از کوچک‌ترین حقوق انسانی هر آدمی است. شما به اراک رفتید و به‌طور جدی تحصیل دانشگاه در رشته بازیگری را پی گرفتید. بعد از آن هم به تهران آمدید و تحصیلتان را در رشته هنرهای نمایشی ادامه دادید. آن زمان درست توپ را تا دم دروازه بردید اما شوت نکردید و از زمین بازی خارج شدید! چرا؟

من در دوران نوجوانی در شهر خودم تبدیل به یک کارگردان و هنرپیشه معروف شده بودم. در خیابان خیلی‌ها مرا می‌شناختند و احساس می‌کردم حتی به این که به‌جای بزرگ‌تری بروم نیاز ندارم؛ چون هر جا که بروی آدم هست و در آن شهری که من زندگی می‌کردم هم آدم‌ها حضور داشتند و نیاز آرتیست به آدم‌هایی است که او را تماشا کنند و در آنجا این نیازم مرتفع شده بود. برخلاف همه اطرافیانم که دوست داشتند به تهران یا حداقل شهرهای بزرگ‌تر مثل مشهد بروند، من اصلاً از این فکرها نمی‌کردم. خیلی عجیب است که خیلی از آن‌ها در همان نیشابور ماندند و منی که به نرفتن فکر می‌کردم، رفتم.



از همان بدو ورود من مستقیماً با سانسور و توقیف مواجه شدم. این برابم خوشایند نبود و بر روی مسیر حرفه‌ای من تأثیر مستقیم داشت. دیگر هر کاری که انجام می‌دادم به سمت وسوی توقیف می‌رفت و اگر هم اجازه نمایش پیدا می‌کردم طعم و بوی سانسور وجود داشت.

همیشه از انتظار جواب مثبت نمی‌گیرید. من یاد گرفتم که از آن فضایی که وجود دارد، نهایت استفاده را بکنم.

تئاتر کار کردم و جوایز زیادی گرفتم. سر از دانشگاه اراک درآوردم که بازیگری بخوانم. چند بار می‌خواستند مرا اخراج کنند. برای مثال نمایشنامه‌ای کار کردیم که مرتبط با نویسندگی به نام هارولد پینتر بود. من تنها بخش آرتیستی و هنری هارولد پینتر را یاد گرفته بودم چون تنها آن بخش را به ما آموزش می‌دادند و از بخش سیاسی و اجتماعی آن خبر نداشتیم. یک روز من را خواستند و گفتند که شما چرا این نمایش را کار کردید؟ گفتم چون نمایش خوبی است و این آدم هم انسان مهمی است. گفتند می‌دانستی اولین نفری بوده که سلمان رشدی را تأیید کرده! من آنجا تازه متوجه شدم که اصلاً این داستان وجود داشته است. جالب است که همان دانشگاه بعد از این که من فیلم ساختم، می‌خواستند برای من به قول خودشان بزرگداشت بگیرند! بعد از آن به تهران آمدم. در تهران اگر من به قول شما فوق‌لیسانس را رها کردم و لحظه آخر داخل دروازه شوت نکردم، به این دلیل بود که برادر کوچکم، ترم آخرم تصادف کرد و از دستش دادم. ترم بعد می‌خواستم این کار را انجام دهم که مادرم تصادف کرد و فوت شد. بعد از آن ازدواج هم کردم و در سن ۲۳ سالگی بدون این که کار و پولی داشته باشم ناچار شدم دانشگاه را به خاطر ۳۰۰ هزار تومان رها کنم. البته ممکن بود حتی اگر آن پول را هم داشتم ادامه ندهم به خاطر اینکه دیگر چیز زیادی به دست نمی‌آوردم، اصلاً هدفم نبود.

از طرف دانشگاه به من پیشنهاد دادند که چون در مقطع فوق‌لیسانس درس می‌خوانی و جزو دانشجویهای خوب و بااستعدادی، می‌توانی مبنای کارگردانی یا بازیگری را برای مقطع لیسانس درس بدهی و هزینه تحصیلت هم جور می‌شود، اما من قبول نکردم. احساس می‌کردم برای آموزش ساخته نشدم. رؤیاهای دیگری داشتم که حتی با جیب خالی این کار را نپذیرفتم و درسم را رها کردم و به دنبال آنها رفتم.

متأسفم که شما را یاد خاطرات تلخی انداختم.

خواهش می‌کنم ولی این‌ها هم بخشی از زندگی است و چون به هم متصل است و من باید جوابتان را دقیق بگویم بنابراین نمی‌توانم به آن‌ها اشاره نکنم. اگر بخوام جواب درست بدهم باید همه‌چیز را تعریف کنم.

به سال ۱۳۷۷ و فیلم «سفر به شرق» می‌رسیم که با آقای «مهدی برقی» کار کردید. بعد از آن هم چند فیلم کوتاه ساختید و در نهایت فیلم «رقص با ماه» که تهیه‌کننده آن آقای شرف‌الدین بود. در فضای این فیلم «رقص» داشتیم. «حامد بهداد» در نقش یک نابینا در مجلس مردان مطربی می‌کرد و به دلیل نابینا بودنش در مجلس زنان هم مطربی می‌کرد. آن کار هم نیمه‌کاره رها شد و تهیه‌کننده دیگری هم حاضر نشد مسئولیت آن را به عهده بگیرد و هرگز ساخته نشد. چرا؟

شما اینجا دو تا سؤال کردید؛ یکی «سفر به شرق» و دیگری «رقص با ماه». در مورد سفر به شرق سناریو را نوشته بودم. این سناریو شروع من برای ورود به سینمای حرفه‌ای بود. دوستش داشتم و به امید گرفتن جایزه نوشتمش که با جایزه آن بتوانم همه بدهی‌هایم را پرداخت کنم. همین‌طور هم شد با دستمزدی که بابت اول شدن آن سناریو در مسابقه‌ای دریافت کردم توانستم همه بدهی‌هایم را پرداخت کنم. از بدهی‌های ازدواجم، از خرج‌هایی که برای گذران امورات زندگی در یک دوران خیلی تلخ از دیگران گرفته بودم. یادم است آن سناریو را آقای «سعید حاجی‌میری» از من خرید که لطف زیادی به من داشت. حتی یادم است یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای سناریو قیمت گذاشت که در آن زمان قیمت خوبی برای کسی که اولین سناریوی خود را می‌نویسد، بود. من گفتم می‌شود یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان بدهید چون مبلغ بدهی من این مقدار است و ایشان هم بدون بحث پذیرفت.

داستان به شهر خودم برمی‌گشت و خاطراتی که از آنجا داشتم و موضوعش تقریباً از آدم‌های واقعی شهرم بود. آن فیلم توسط دیگران ساخته شد و در نهایت خودم چند فیلم مستند ساختم. در اولین فیلم سینمایی ام آقای محمدرضا شرف‌الدین که قبل از آن مستند بلندی به نام «باد به دستان» را

■ که بعد شد عیش آباد!

◀ بله. خودشان معتقدند که آنجا با ظلم، آباد شده است. ضمن این که این اسم تابلوی رسمی خوش آمدگویی به شما در آنجاست: به ظلم آباد خوش آمدید! این اسم را از همان جا برداشتم و از تخیلیم بیرون نکشیدم. گفتند این اسم خیلی عجیب است، به درد فیلم نمی‌خورد و عوضش کن! که بعد شد عیش آباد. آنجا یک روستای حیرت‌انگیز است و آدم‌هایی هستند که چون دسترسی به آب ندارند کشاورزی هم ندارند و با ظلم، آنجا را آباد نگه داشتند؛ یعنی از راه دور آب می‌آورند و فقط می‌توانند موزیک بنوازند. اتفاقاً همه این شواهد به خوبی در



درباره رضا کاهانی

«عبدالرضا کاهانی متولد یکم دیماه ۱۳۵۲ است. او در شهر نیشابور به دنیا آمد. کاهانی از سن ۱۴ سالگی به عنوان بازیگر، نویسنده و کارگردان در نمایشنامه‌های مختلف کار کرد و طی دوران تحصیل و دانشگاه جوایز بسیاری در این زمینه کسب کرد. او در سال ۱۳۷۰ دیپلم دبیرستان خود را در حوزه علوم انسانی اخذ کرد و سپس در دانشگاه آزاد اراک به ادامه تحصیل پرداخت. پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۳۷۵ او مدرک کارشناسی‌ارشد را از دانشکده هنر و معماری دریافت کرد.

کاهانی با ساخت فیلم‌های کوتاه، حرفه خود را در سینما آغاز کرد. او در سنین نوجوانی فیلم کوتاهی با نام «خنده» را ساخته است؛ اما متأسفانه هیچ نسخه‌ای از این فیلم در دسترس نیست. در سال ۱۳۷۷ اولین فیلمنامه حرفه‌ای کاهانی توسط مهدی برقعی با نام «سفر به شرق» به تصویر کشیده شد.

«آدم» اولین ساخته بلند سینمایی کاهانی است که در سال ۱۳۸۶ کارگردانی کرد و جلوی دوربین برد. این فیلم پس از آن که در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، توقیف شد.

«بیست» کار بعدی کاهانی در مقام کارگردانی است که سال ۱۳۸۸ در ایران اکران شد. این اولین باری بود که یکی از فیلم‌های کاهانی اکران عمومی می‌شد. کاهانی برای کارگردانی این فیلم به جشنواره بین‌المللی فیلم دمشق راه یافت. او در جشنواره بین‌المللی فیلم دمشق رتبه دوم را به‌دست آورد. «بیست» تنها فیلم کاهانی است که تا کنون در تلویزیون ملی ایران نمایش داده شده است. از دیگر آثار این کارگردان می‌توان به فیلم‌های: «هیچ»، «اسب حیوان نجیبی است»، «آنجا»، «وقت داریم حالا» و «آرادتمند؛ نازنین، بهاره، تینا» نیز اشاره کرد.

با ایشان کار کرده بودم، به من گفت سناریو را بده، من هم سناریو را دادم و رفتم تا با یک رقم خیلی پایین یک فیلم سینمایی بسازم. داستان یک آدم نابینا، «حامد بهداد»، بود که در روستایی زندگی می‌کرد و به‌دلیل نابینا بودنش اجازه داشت مطرب مجالس زنان هم باشد. به همین دلیل تنها کسی بود که از محافل و غیبت‌ها و حرف‌های زنان آن روستا و روستاهای اطراف باخبر بود. آن فیلم یک قصه جالبی داشت که یادم است عباس کیارستمی عزیز آن فیلم را خیلی دوست داشت. به من گفت که آن سال داور فستیوال کن است و اگر بتوانم آن فیلم را به فستیوال بفرستم ممکن است شانس‌هایی داشته باشم، ولی آقای شرفالدین که تهیه‌کننده فیلم بود فیلم را متوقف کرد و گفت قبل از این که ارشاد این فیلم را توقیف کند، من خودم توقیفش می‌کنم!

با همه احترامی که برای آقای شرفالدین قائل هستم ولی درنهایت به من صدمه زد و به‌جای این که نقش تهیه‌کننده را ایفا کند، نقش سانسورچی را بازی کرد. آن فیلم را خودش توقیف کرد و حتی اجازه نداد که دیگران هم به‌عنوان تهیه‌کننده حضور داشته باشند. «امیر سماواتی» وقتی فیلم را دید و داستان را فهمید خیلی خوشش آمد و احساس می‌کرد فیلم ممکن است یک شانس‌هایی داشته باشد. قصد داشت فیلم را بخرد اما آقای شرفالدین با این که می‌گفت حاضریم فیلم را به دیگران بدهم، در عمل این کار را نکرد. آقای «جهانگیر کوثری» حتی چک داد، من چک را بردم تا به آقای شرفالدین بدهم که نپذیرفت. آنجا بود که من فهمیدم قرار است این فیلم را از بین ببرد. چون فیلم را با نوارهای مینی‌دی‌وی ساخته بودیم، می‌توانست با نگه داشتن این فیلم باعث از بین رفتن نوارها شود و متأسفانه موفق شد. اولین فیلم من قرار بود «رقص با ماه» باشد ولی بنا به همین دلایل «آدم» شد. یکی دو سال بعد خانم «رخشان بنی‌اعتماد» که آن فیلم را دیده بود و دوست داشت به من گفت: من حمایت‌کننده تو می‌شوم و می‌توانی این فیلم را با نگاتیو بسازی و همین آدم‌ها باشند. من آن فیلم را یک‌بار ساخته بودم و وقتی یک فیلم را می‌سازم، پرونده‌اش را می‌بندم و به سراغ فیلم بعدی می‌روم. از همان بدو ورود من مستقیماً با سانسور و توقیف مواجه شدم. این برایم خوشایند نبود و بر روی مسیر حرفه‌ای من تأثیر مستقیم داشت. دیگر هر کاری که انجام می‌دادم به سمت‌وسوی توقیف می‌رفت و اگر هم اجازه نمایش پیدا می‌کردم طعم و بوی سانسور وجود داشت. از خوبی‌های دیگر آن فیلم آشنا شدن با «حامد بهداد» و آقای کیارستمی بود. آقای کیارستمی به من می‌گفت این بازیگر خیلی خوب است و واقعا فکر کرده بود حامد نابیناست! البته ایشان خیلی از هنرپیشه‌ها را درست نمی‌شناخت، مخصوصاً هنرپیشه‌های تازه‌وارد. حامد بهداد در آن سال‌ها تازه داشت به‌صورت حرفه‌ای به فضای سینما وارد می‌شد. وقتی گفتم او حرفه‌ای است، با هم قرار گذاشتند و حامد را دیدم. حتی جهت کار کردن برای یک فیلم به سمت گرگان رفتند که دیگر نفهمیدم آن فیلم چه شد.

■ فکر می‌کنم دو فیلم بعدی شما، فیلم‌های «آدم» و «آنجا» به‌طور محدود و در رسانه‌های خانگی منتشر شد.

◀ فیلم آدم را می‌گفتند فیلمی است که دارد بی‌دینی را تبلیغ می‌کند. سوزده‌اش را خیلی دوست دارم. روستایی به نام ظلم‌آباد در اطراف نیشابور است. من برای این که بتوانم این فیلم سینمایی را کار کنم مستند آنجا را هم ساختم. یک مستند تحقیقاتی به نام «اسمش ظلم آباد بود»!

” حتی در بیانیه هیئت‌دوران فستیوال فجر، آقای حاجی‌کیا یا مجیدی گفتند به دلیل فقر شرافتمندانه‌ای که در این فیلم وجود دارد جایزه به آن تعلق می‌گیرد. با این تعبیر می‌توانستند فیلم را در تلویزیون ایران هم نشان دهند اما من آن فیلم را به این دلیل نساخته بودم.



فیلم «آدم» را می‌گفتند دارد بی‌دینی را تبلیغ می‌کند. سوژه‌اش را خیلی دوست دارم. روستایی به نام ظلم‌آباد در اطراف نیشابور است... که...

شروع شود. همان موقع یکی از کارگردان‌های معروف ایران به من گفت: «مشکل خاصی برایت پیش نمی‌آید و به راحتی می‌توانی به ایران برگردی، اما بعید می‌دانم که از این به بعد بتوانی بدون دردسر فیلم بسازی». همین طور شد و بعد از آن هر فیلمی که ساختم برای نمایش‌های خارجی ممنوع شد و در داخل هم به سختی نمایش داده شد.

خلاصه اسکاری دریافت نکردید! امیدوارم به زودی دریافت کنید.
 اگر سؤال شما جدی باشد باید بگویم که هیچ وقت فیلمی از طرف من به عنوان نماینده فرستاده نشده است.

به همین دلیل است که فرستاده نشده دیگر؟
 بله و خودم هم هیچ وقت نمی‌فرستم.

البته از کانادا می‌فرستند!
 امیدوارم، اگر فیلم خوب بسازیم چرا که نه.

پس فیلم «بیست» برای شما یک فیلم پارادوکسیکال بود. از یک طرف مانع فعالیت‌های آینده شد و از طرفی موجب شد تنها فیلمی باشد که حتی در تلویزیون پخش شد!

بله. البته به این دلیل به آن فیلم در ایران جایزه‌های متعدد دادند که تصورشان این بود که دارند فقر شرافتمندانه را نمایش می‌دهد. حتی در بیانیه هیئت‌داوران فستیوال فجر، آقای حاتمی‌کیا یا مجیدی گفتند به دلیل فقر شرافتمندانه‌ای که در این فیلم وجود دارد جایزه به آن تعلق می‌گیرد. با این تعبیر می‌توانستند فیلم را در تلویزیون ایران هم نشان دهند اما من آن فیلم را به این دلیل نساخته بودم. بلکه به این دلیل ساختم که بگویم آدم‌ها بیش از این که درگیر شادی باشند متأسفانه درگیر غم هستند. خارجی‌ها هم دقیقاً به همین بخش توجه کرده بودند که مقصود من بود. در ایران طی جلسات تلفنی و حضوری به من گفتند که سعی کن از این جور فیلم‌ها بسازی. جایزه‌بارانش هم کردند، بازیگرش، خودم، سناریو و... اما چون من از بچگی لجباز بودم وقتی این را گفتند متوجه شدم که نباید به این صورت فیلم بسازم؛ بنابراین تنها فیلمی که از من جایزه گرفته همان فیلم «بیست» بوده و بس. فیلمی که بعد از آن ساختم فقری را نشان می‌داد که هیچ شرافتی در آن وجود نداشت... ادامه دارد

پایان قسمت اول مصاحبه با آقای رضا کاهانی

فیلم مستند «آدم‌ها» دیده می‌شود و این سبک زندگی بسیار تلخ و دراماتیک است. این فیلم را به همین دلایل نشان ندادند ولی سه سال بعدش متوجه شدم که وارد شبکه خانگی شده است و طبق معمول تغییراتی هم در آن ایجاد کرده بودند.

ولی «آنجا» گویا به هیچ عاقبتی دچار نشد؟
 «آنجا» مستقیماً توقیف شد.

به فیلم «بیست» می‌رسیم که آن هم به سرنوشت عجیبی دچار شد و عاقبت به یک شخصیت جالب می‌رسیم که خیلی کم در مورد او صحبت شده است. من دوست دارم امروز از زبان شما در مورد آقای «سلیمان علی محمد» بشنویم.
 یکی از سؤال‌هایی که بچه‌های سینما از من دارند این است که کاهانی از کجا پول می‌آورد که فیلم بسازد و من به آن‌ها می‌گویم پول‌های من همیشه از نداشتن می‌آیند. آن‌ها فکر می‌کردند که سلیمان علی محمد یک عرب پولدار است که کاهانی پیدا کرده و هرچه پول می‌خواهد او در اختیارش می‌گذارد. در صورتی که چنین چیزی نبود. سلیمان علی محمد کسی بود که پرویز پرستویی به‌عنوان سرمایه‌گذار خصوصی به من معرفی کرد. بسیار انسان محترمی است و من از او سپاسگزارم، چون سه تا از فیلم‌های پرخطرهم را با ایشان کار کردم. اولی «بیست» بود که ما به مشکل سرمایه‌گذار خوردیم. چون می‌گفتند فیلم‌های کاهانی توقیف می‌شود و با این حرف، سرمایه‌گذارمان را فراری می‌دادند. پرویز پرستویی لطف کرد و آقای سلیمان علی محمد را به من معرفی کرد و من فیلم «بیست» را با ایشان کار کردم. آن فیلم موفقیت‌های داخلی و خارجی زیادی داشت که به گفته آقای علی محمد، با موفقیت مالی آن فیلم توانستیم فیلم «هیچ» را بسازیم؛ بنابراین با سرمایه شخصی از سود فیلم «بیست»، «هیچ» را ساختیم و با سود فیلم «هیچ» هم «اسب حیوان نجیبی» را ساختیم که باز هم با همراهی آقای علی محمد بود.

«هیچ» هم متأسفانه ظاهراً با تعبیراتی روبه‌رو شد که موجب توقیف فیلم شد.

فیلم «هیچ» ساخت سال ۱۳۸۸ بود و تعبیر سیاسی زیادی نسبت به آن ایجاد شد. البته خیلی هم اشتباه نبود چون در ذهن من هم چنین چیزی وجود داشت ولی نه آن طور که آن‌ها می‌گفتند. فیلم به دلیل فقری که به گفته آن‌ها در فیلم زیاد بود، توقیف شد. توقیف شدن این فیلم خیلی هم پر سر و صدا بود. خوشبختانه طرفداران زیادی هم پیدا کرد؛ چون یک نمایش در فستیوال فجر داشت؛ البته فقط برای اصحاب رسانه. یعنی خود آن‌ها به معاونت سینمایی فشار آوردند که آقای شمشقدری اجازه داد یک نمایش در ساعت یک بامداد برای آن‌ها در برج میلاد برگزار شود. البته که آن نمایش هم برای فیلم و هم برای من بسیار مفید بود. چون دیگر منتقدان، فیلم را دیدند و آن قدر نوشتند و سؤال کردند که باعث شدند فیلم از حالت توقیف درآید و در سانس‌های کم، با اندکی سانسور، نمایش داده شود.

فکر می‌کنم برای «بیست» هم اتفاق‌های زیادی افتاد. وقتی در جشنواره کارلووی واری نمایش داده شد منجر به این شد که شما در آنجا حرکتی انجام دهید که مورد بحث قرار بگیرد، درست است؟

بله. آن اتفاق مربوط به فستیوال کارلووی واری بود که هم‌زمان با اعتراضات مردمی در ایران، من در حال گرفتن جایزه در چک بودم. مهمانی و رقص بود؛ در حالی که اخباری که از ایران می‌شنیدم خیلی اخبار خوشحال‌کننده‌ای نبود. آنجا یک لحظه تصمیم گرفتم که اگر این جایزه را به مردم تقدیم کنم خودم هم آرامش خواهم داشت و وجدانم آرام می‌گیرد. همه این‌ها روی من تأثیر گذاشت تا جایزه را به مردم بدهم و از تماشاگران خواستم که به جای من مردم ایران را تشویق کنند. سالن به مدت طولانی ایستاد، آدم‌های بسیار مهمی در آن سالن حضور داشتند، از هنرپیشه‌ها و کارگردان‌های بسیار معروف هالیوود و اروپا، سفیرهای مختلف از کشورهای مختلف، رئیس‌جمهور فقید جمهوری چک «واسلو هاول» (چون در ادبیات بسیار ایده‌پرداز قوی است دوست داشتم اسمش را بیاورم).

این موضوع جزو خبرهای مهم سینمایی آن روز در دنیا شد. به یاد دارم جان مارکوویچ بعد از من بر روی صحنه رفت و در ادامه از حرف‌های من حمایت کرد. فضای اختتامیه بیشتر به سمت حرف‌های من و جایزه‌ام رفت. خبرنگارها از من می‌پرسیدند چطور می‌خواهی به ایران برگردی؟ در حالی که خودم اصلاً به این موضوع فکر نکرده بودم و در آن لحظه احساس کردم باید حرفی بزنم که منصفانه باشد. حرفم باعث شد از آنجا به بعد مشکلاتم

متخصص و مشاور در امور املاک
مکونی، نجاری و مکتوبی در تمامه حوزه مونتريال بزرگ

ارزيابي و مشاوره رايتگن در امر خريده و فروش ملک
 همراه با تيمی مجرب در امور بازرسي فني
 امور حقوقی و تهیه وام

امير نعيمی

Cell: (514) 944-1348
 Tel: (514) 683-8686
 amir.naimi@amier.ca

هايک هارتونيان
RE/MAX
 Hayk Hartounian M.B.A.
 Residential Real Estate Broker

مشاور و متخصص املاک مکتوبی در مونتريال بزرگ

ارزيابي و مشاوره رايتگن
 تهیه وام ممکن با بهترین امکانات
 همراه ما به شما، هزینه کمتر

فروش خريد اجاره

(514) 574 6162
 Haykhartounian@yahoo.com
 9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

دفتر ترجمه رسمی
فهره هسپا

ترجمه و کپی املاک
 تاجان املاک
 ترجمه رسمی

مكتب رسمي الترخيم والترجمة
 4397 4398 4399 (514) 353-1111

الترجمة الرسمية والترجمة
 والترجمة والترجمة والترجمة

ATIO

ترجمه و کپی املاک و اسناد
 ترجمه رسمی در اسناد رسمی و اسناد
 کپی املاک و اسناد و اسناد
 ترجمه رسمی اسناد و اسناد
 ترجمه رسمی اسناد و اسناد
 ترجمه رسمی اسناد و اسناد
 ترجمه رسمی اسناد و اسناد

فهره هسپا
 دفتر تهران: 021 6642 1511
 دفتر کبک: 514 353 1111
 تهران: 021 6642 1511
 کبک: 514 353 1111
 تهران: 021 6642 1511
 کبک: 514 353 1111
 تهران: 021 6642 1511
 کبک: 514 353 1111

دار الترجمة رسمی فرهنگ
BUREAU DE TRADUCTION FARHANG
FARHANG TRANSLATION OFFICE

001 514 691 4388
 B. 8180000@FARHANG.CA

2006, MICHELLE COLLEGE
 8TH FLOOR, MONTREAL
 QUEBEC, CANADA, H3B 3H3

تلفن: 001 514 691 4388

001 21 6642 1511
 6894 8154
 B. 8180000@FARHANG.CA

تلفن: 001 21 6642 1511

تلفن: 001 21 6642 1511

سیاست ایران: قانونی برای هیچ!

در حاشیه اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری در مجلس

سیاست جهان: نجات دهها میلیون کودک کار و کودک سرباز چگونه؟

سازمان ملل: ۲۰۲۱ سال بین‌المللی حذف بهره‌کشی از کودکان

اقتصاد: یک خط لوله نفتی و گره کور اقتصاد و سیاست کانادا

گزارش: قابلی پلور در «ری لند»؛ عطرو طعمی

جدید برای مهاجران و تهرانی‌ها

گزارشی از اولین رستوران افغان در شهری

دیدگاه، سیاست اقتصاد، جامعه



قانونی برای هیچ!

در حاشیه اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری در مجلس

ایراد البته به طور واضح به قانون اساسی هم برمی‌گردد چرا که علاوه بر اعتقاد، «ایمان» به میانی جمهوری اسلامی را نیز بخشی از ضوابط و معیارهای ریاست جمهوری دانسته است. نمایندگان اما به جای آنکه با تکیه بر اصل ممنوعیت تفتیش عقیده در قانون اساسی و طرح ابداعات و نوآوری‌هایی در جهت رفع ماهوی این مشکل بکوشند آن را به گونه‌ی تکان دهنده‌ای بسط و گسترش داده‌اند.

در واقع، پیش کشیدن بحث عقیده‌مند بودن شهروندان به یک موضوع برای تأیید یا رد صلاحیت آنان جهت حضور در رقابت‌های انتخاباتی، نه فقط منجر به عوارض ناشی از تفتیش عقیده و سلب حقوق آنان می‌شود بلکه بازار دروغ و ریا را هم داغ می‌کند.

وقتی از فردی در باره اعتقاداتش بپرسند، اگر اظهار واقعی عقیده خود را مانع دستیابی به منفعتی تصور کند، طبیعی است که عقیده واقعی خود را کتمان و صورتی بازگونه از آن را مطرح کند و به عبارتی دروغ بگوید! حال در چنین شرایطی، چگونه می‌توان راست و دروغ یک فرد را از هم تشخیص داد؟ یا باید به آنچه به زبان می‌راند باور کرد که در این صورت، پرسش از اعتقاد او عملاً چیزی از عقیده ذهنی و درونی او را آشکار نمی‌کند و بنابراین اقدامی عبث و بی‌بهره است. یا به شیوه ارباب کلیسا در قرون وسطی او را به قدری شکنجه و عذاب داد که ناچار به افشای مافی‌الضمیر خود شود که این هم علاوه بر آنکه عملی ضدبشری است، باز هم درونیات فرد را آشکار نمی‌کند چرا که افراد تحت شکنجه برای رهایی از عذاب ممکن است دروغ بگویند. یا اینکه دستگاهی در ذهن فرد تعبیه کرد که تمام نیات او را بخواند و ظاهر کند! چنین دستگاهی هم که تاکنون اختراع نشده است! راه آخر هم این است که زندگی خصوصی افراد را در هر شرایطی از جمله در لحظات تنهایی و خلوت، چنان همه جانبه تحت نظر گرفت و کنترل کرد تا از اعمال و گفته‌هایشان در خلوتگاه شخصی به کنه وجودشان پی برد! این هم نیاز به تأسیس سازمان جاسوسی پرخرج و بی‌نهایت گسترده‌ای دارد که حتی دولت‌های توتالیتر هم از پس هزینه‌های آن بر نمی‌آیند!

بدین ترتیب، نمایندگانی که هنوز نمی‌دانند به میان کشیدن عقاید داوطلبان ریاست جمهوری تا چه اندازه می‌تواند مضحک و پر خرج و فاجعه‌آمیز باشد، چه نیازی به نقد جزئیات مصوبه آنهاست؟

تفتیش عقیده را ممنوع دانسته‌اند اما در دیگر اصول قانون اساسی چراغ آن را روشن نگه داشته‌اند. برای نمونه، درباره شرایط رئیس جمهور در قانون اساسی آمده است که باید «مؤمن و معتقد به میانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور» باشد. اینکه چگونه می‌توان ایمان و اعتقاد یک فرد را که امری کاملاً درونی و وجدانی است، نسبت به یک موضوع احراز کرد، درست همان چیزی است که تصویب کنندگان قانون اساسی به آن توجه نداشته‌اند و یا اگر داشته‌اند تعارض آن به اصل ممنوعیت تفتیش عقیده را در نیافته‌اند!

در دنیای پس از عصر روشنگری، عقیده اتباع یا شهروندان به خودشان مربوط شده است زیرا به دنیای درون و ذهن و قلب آنها ربط دارد. ملاک داوری در باره میزان صلاحیت یک فرد، التزام عملی او به قوانین کشور است. هر شهروندی که به رعایت قوانین پایبند باشد، از هر اتهامی مبرا است و صلاحیت هرگونه اشتغال و پست دولتی را هم داراست.

این در حالی است که از همان اوایل استقرار نظام جمهوری اسلامی، به جای آنکه اصل التزام عملی به قانون، مبنای داوری در مورد شهروندان و رعایت حقوق آنان قرار گیرد، عقیده آنان به امور خاصی به معیار برخورداری یا عدم برخورداری آنها از حقوق مشخصی از جمله صلاحیت حضور در رقابت‌های انتخاباتی بخصوص در مجلس و ریاست جمهوری تبدیل شده و مرحله به مرحله نیز غلطت آن افزایش یافته است.

نشانه روشنی از این غلطت، ملاک‌هایی است که در طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری برای احراز «رجل مذهبی» تعریف شده است. این ملاک‌ها دامنه وسیعی از اعتقادات فردی داوطلبان را دربر می‌گیرد و بررسی آنها مستلزم شکل‌گیری یک دادگاه عریض و طویل تفتیش عقیده است.

طبعاً هنگامی که تفتیش عقیده در یک نظام سیاسی ممنوع و جرم باشد، پرسش از عقیده افراد نیز باید خود به خود منتفی شود. اما در مصوبه مجلس گویی پرسش از عقاید افراد امری مباح و مجاز است و به همین علت نیز در آن جا به جا بر ضرورت «اعتقاد» داوطلبان ریاست جمهوری به این یا آن امر دینی و مذهبی و سیاسی تأکید شده است.

به عبارت دیگر، اجرای مصوبه مجلس نیاز به جستجو و کاوش در ذهن و ضمیر داوطلبان دارد تا روشن شود که آیا به امر مورد نظر نمایندگان، اعتقاد دارند یا خیر؟ این

نقد، شأن و اعتبار و منزلتی ویژه خود دارد. این شأنیت به قدرت فکر و استدلال منتقد منحصر نیست، بیش از آن، به شأنیت موضوع نقد بستگی دارد. از این رو، آنچه به عنوان اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری در مجلس بررسی شد، از نگاه من، شأنیت نقد ندارد. حداکثر می‌توان در باره آن طنز نوشت یا به طور کلی نادیده‌اش انگاشت. در واقع، نقد جزئیات و تفصیلات آن محلی از اعراب ندارد مگر آنکه تحت این عنوان بخواهیم خویشتن را مضحکه کنیم.

با همه این احوال، به گمان من، تصویب نهایی این قانون اصلاً مهم نیست. یعنی تفاوت معناداری در بررسی صلاحیت داوطلبان ایجاد نمی‌کند. آنها که قرار است تأیید شوند چه با قانون قبلی و چه با این قانون تأیید می‌شوند و آنها که قرار است رد شوند، با هر دو قانون قابل ردند! بنابراین، این همه جوش و خروش مخالفان طرح هم بی‌فایده و بی‌اثر است! چیز خاصی در حال عوض شدن نیست. نهایتاً کار همچنان در دست اعضای شورای نگهبان است و آنها هم ملاک رد و تأیید صلاحیت داوطلبان راه خود بهتر از همه می‌دانند!

با این حساب، پرداختن به جزئیات طرح عبث و به مثابه فرستادن مخاطب در پی نخود سیاه است. مشکل، کلان‌تر و عمیق‌تر از این طرح است. مشکل به فلسفه زمامداری و طرز فکر مفسران رسمی قانون اساسی برمی‌گردد. نمی‌خواهم در این زمینه درازگویی کنم و به ناچار فقط به شرح یک نکته بسنده می‌کنم.

فقیهانی که قانون اساسی جمهوری اسلامی را نوشتند ظاهراً با مفهوم «تفتیش عقیده» تا اندازه‌ای آشنا بوده‌اند. آشنایی آنها با این مفهوم، احتمالاً ناشی از بازتاب پیامدهای رسواگر دادگاه‌های تفتیش عقیده در قرون میانه مسیحی از سوی ارباب کلیسا در آثار متفکران عصر روشنگری و پس از آن بوده است، آثاری که در میان آنها بخصوص مورد محاکمه گالیله در دنیای ایرانی نیز زبانزد خاص و عام شده است.

اطلاع از آن فجاج، تدوین کنندگان قانون اساسی را بر آن داشته است که در مورد تفتیش عقیده نیز اظهارنظر کنند و آن را رسماً ممنوع بدانند.

تصور آنها از ممنوعیت تفتیش عقیده اما محدود به مفهوم مضیق از این مفهوم در حد نفی آزار یک شهروند عادی به بیان مافی‌الضمیر خود بوده است نه مفهومی که در دنیای جدید حقوق اتباع بر پایه آن استوار است. از این رو، تدوین کنندگان قانون اساسی ضمن آنکه

نجات ده‌ها میلیون کودک کار و کودک‌سرباز چگونه؟

سازمان ملل: ۲۰۲۱ سال بین‌المللی حذف بهره‌کشی از کودکان



▲ یک کودک کارگر در معدن مودر Mudere واقع در منطقه روبایا Rubaya در جمهوری دموکراتیک کنگو، مشغول جدا کردن سنگ‌های معدنی از خاک و شن است. (۲۸ مه سال ۲۰۱۳)

متحد در امور کودک سربازان منصوب شده است، می‌گوید: «وقتی سلاح گرم به یک کودک می‌دهند دیگر او را کودک قلمداد نمی‌کنند بلکه او را یک جنگجوی بالغ می‌دانند. سران گروه‌های شورشی وقتی کودکان را استثمار می‌کنند و سلاح به آن‌ها می‌دهند، برای تهییج و ترغیب به آن‌ها می‌گویند شما قهرمانانی هستید که ابایی از جنگ و دشمن ندارید و در برابر گلوله آسیب‌ناپذیر هستید.»

سازمان غیردولتی «نگرش جهان» در پایگاه اینترنتی خود اعلام کرد در سال ۲۰۱۹ نزدیک به ۳۰۰ هزار کودک سرباز در نقاط مختلف جهان سلاح وجود داشتند.

آسیب‌های جسمی و روحی که آثارش در بزرگسالی نیز محسوس می‌شوند.

جونییور نزیتا امروز آن‌هایی را که او را در کودکی ربودند و به‌زور لباس نظامی بر تنش کردند و اسلحه به دستش دادند تا آدم بکشند، بخشیده است با این حال خودش اذعان دارد که زخمه‌ای آن روزها آن‌قدر عمیق است که تنها بخشش الهی می‌تواند آن‌ها را درمان و او را از این وضعیت نجات دهد. زخم روزهای کودک سربازی ابدی است.

مونا پره Mona Paré استاد دانشکده حقوق دانشگاه اتاوا می‌گوید: «کودک سربازان در گروه‌های مسلح به انجام کارهای خطرناک وادار می‌شوند و آسیب‌هایی که در این کار می‌بینند تا پایان عمر هم جسم و هم روح و روان آن‌ها را آزار می‌دهد و در زندگی اجتماعی نیز مشکلاتی

موسوم به «اتحاد نیروهای دموکراتیک برای آزادسازی کنگو» AFDL به مدرسه هجوم آوردند و به‌زور من و دیگر همکلاسی‌هایم را ربودند و با خود بردند.

یک سازمان غیردولتی شمار کودک سربازان در جهان را بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر برآورد می‌کند. آن روز شورشیان کنگویی نزیتا و همکلاسی‌هایش را در داخل یک کامیون کانتینر دار ریختند و به اردوگاه آموزشی خود بردند بدون اینکه خانواده‌های آن‌ها از این موضوع باخبر شوند. نزیتا که اکنون در انتاریو زندگی می‌کند، می‌گوید: «آن روز برای همه ما و خانواده‌هایمان فاجعه بود.»

نزیتا دوازده سال بیشتر نداشت که به‌اجبار سلاح به دست گرفت و در گروه شورشی مسلح AFDL به یک کودک سرباز تبدیل شد.

با این حال جنگ‌سالاران شورشی کنگویی نزیتا و همکلاسی‌هایش را به چشم کودک نمی‌دیدند بلکه آن‌ها را نیز مثل سایر جنگجویان بالغ خود یک سرباز قلمداد می‌کردند و انتظارات مشابهی از آن‌ها داشتند.

نزیتا که اکنون به‌عنوان سفیر سازمان ملل



▲ گروه‌های مسلح و شبه‌نظامی در مناقشات آفریقا همواره از کودک سربازان استفاده می‌کنند.

یک کودک سرباز پیشین که امروز به‌عنوان سفیر سازمان ملل متحد در امور کودکان منصوب شده است، درباره پیامدهای بهره‌کشی از کودکان هشدار می‌دهد.

سازمان ملل متحد خواستار آن شده است که سال ۲۰۲۱ سال بین‌المللی حذف کار کودکان، مقابله با استثمار و جلوگیری از بهره‌کشی کودک سربازان در مناقشات مسلحانه، منازعات و جنگ‌ها باشد. طبق برآوردهایی که کارشناسان سازمان بین‌المللی کار انجام داده‌اند، در حال حاضر دست‌کم ۱۵۲ میلیون کودک پنج تا هفده ساله در جهان در بخش‌های مختلف به کار اجباری گرفته شده‌اند.

کودکان چه در گروه‌های مسلح و شبه‌نظامی اجیر شوند و چه در معادن، کارخانه‌ها، کارگاه‌های ساخت‌وساز و بخش‌های مختلف کشاورزی به کار گرفته شوند، همه آن‌ها قربانیان بهره‌کشی قلمداد می‌شوند و آزار و اذیت‌ها و سوءاستفاده‌های مختلفی که از آن‌ها صورت می‌گیرد، کل زندگی‌شان را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد و همواره تا پایان عمر روح و روانشان را آزار خواهد داد. این امر ساده‌ترین اصول منشور جهانی حقوق بشر را نقض می‌کند. جونییور نزیتا انسوامی Junior Nzita Nsuami ساکن انتاریو که در گذشته به‌عنوان کودک سرباز در یک جنبش شورشی سابق در جمهوری دموکراتیک کنگو مبارزه کرده است، هنوز هم زندگی مشقت‌بار و دردناک دوران کودک سربازی خود را از یاد نبرده است.

«دوره کودک سربازی من یک زندگی سراسر رنج و مشقت، آزار و شکنجه و دردهای روحی و روانی بود. کودک سربازی سراسر درد و رنج، سیاهی و تاریکی است و حتی یک روز آن نیز روشن و شاد نیست.» (جونییور نزیتا انسوامی، کودک سرباز سابق)

جونییور نزیتا انسوامی آن روز سیاه را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کند: سال ۱۹۹۶ دانش‌آموز کلاس هفتم بودم. آن روز به‌اتفاق دیگر همکلاسی‌هایم در حیاط مدرسه کیوندو Kiondo که شهری کوچک در استان کیووی جنوبی در شرق کنگو است، مشغول بازی بودیم که ناگهان شورشیان یک گروه مسلح



▲ جونیور نزیئا انسومی با انجمن تحت هدایت خود موسوم به «صلح برای کودکان» از فرصت‌ها و تربیون‌های مختلف برای آگاه‌سازی افکار عمومی جهان از پدیده شوم کودک سربازی استفاده می‌کند.

جونیور نزیئا انسومی کشورها و شرکت‌های چندملیتی را ترغیب می‌کند به تعهدات مختلفی که در زمینه‌ی مبارزه با کار کودکان داده‌اند، جامه عمل بپوشانند. نزیئا می‌گوید: «اینکه یک کشور یا یک شرکت بزرگ برای نجات کودکان کار و ریشه‌کنی این پدیده تعهد دهد، اهمیت زیادی دارد اما مهم‌تر این است که این تعهدات با تغییرات واقعی به منصف ظهور برسند. سیاست‌های مناسبی در جهت تحقق این تعهدات به اجرا گذاشته شود و برای آن‌هایی که در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، معادن یا دیگر محیط‌های کار کودکان را به استثمار می‌کشند، مجازات جدی اعمال شود.»

«فقط با اجرای چنین تدابیر و سیاست‌هایی است که می‌توانیم یک جهان عاری از کودک کارگران و کودک سربازان داشته باشیم.» (جونیور نزیئا انسومی، سفیر سازمان ملل متحد در امور کودک سربازان) مونا پره در عین حال قبول دارد که در سال‌های اخیر اطلاع‌رسانی به عموم در رابطه با رسوایی شرکت‌های و برندهای معروف که از کودکان کار استفاده کرده‌اند، به بهبود شرایط کار کودکان در جهان کمک کرده است.

طبق مطالعه مشترکی که اداره بین‌المللی کار و صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) انجام داده‌اند، در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ شمار کودکان کار در جهان بیش از ۳۸ درصد کاهش یافته است. با این حال بیم آن می‌رود که پاندمی کرونا روند کاهش کار کودکان در جهان را بار دیگر معکوس کند چراکه به گفته خانم مونا پره، پاندمی و محدودیت‌های آن آثار منفی بر کار کودکان دارد. تحت تأثیر محدودیت‌ها و مشکلات کرونا، بسیاری از خانواده‌ها همه یا بخشی از درآمدهای خود را از دست داده‌اند و به همین علت کودکان در بسیاری از این خانواده‌ها مجبور شده‌اند برای جبران بخشی از درآمدهای از دست رفته و تأمین نیازهای خانواده کار کنند.

منبع: وب سایت شبکه خبری رادیو کانادا

ارائه می‌کنند که بدون تردید نتیجه زحمات و کار کودکان است. وی برای مثال به صنعت پوشاک یا بخش کشاورزی اشاره می‌کند که بخشی از نیروی کار آن‌ها را در برخی کشورها کودکان تشکیل می‌دهند.

سال ۲۰۲۱ نباید صرفاً یک شعار باشد

از چندین سال پیش بسیاری از کشورهای جهان از جمله کانادا و همچنین شرکت‌های چندملیتی تعهد کرده‌اند که برای پایان دادن به پدیده کودکان کار تلاش کنند.

علاوه بر ابزارهای حقوقی بین‌المللی، بسیاری از شرکت‌های بزرگ نیز سیاست‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی ویژه‌ای به‌منظور ریشه‌کنی پدیده کار کودکان اتخاذ کرده‌اند. در اکثر این قوانین و مقررات به‌صراحت تأکید شده است که این شرکت‌ها به هیچ وجه در برخورد با کار کودکان اغماض نخواهند کرد اما به گفته خانم مونا پره این نمی‌تواند جلوگیری از کار کودکان را تضمین کند.

«درست است که تصویب چنین قوانین و مقرراتی در مقابله با کار کودکان به کشورهای و شرکت‌ها وجهه خوبی می‌بخشد اما قطعاً برای ریشه‌کنی این پدیده کفایت نمی‌کند چراکه هیچ‌یک از ابتکارهایی که در این زمینه به کار گرفته شده‌اند، جنبه الزام‌آور و ضمانت‌های اجرایی لازم را ندارد و طبیعتاً نقض این اصول و مقررات نیز هیچ تبعاتی را متوجه شرکت‌ها یا کشورهای متخلف نخواهد کرد.» (مونا پره Mona Paré استاد دانشکده حقوق دانشگاه اتاوا)

خانم پره افزود: «به‌خلافی موجود در این زمینه باید ساختار پیچیده شرکت‌های چندملیتی را نیز اضافه کرد. شاید خیلی راحت بتوانیم بگوییم که مثلاً فلان شرکت چندملیتی کانادایی مرانامه مشخص و قوی دارد که کار کودکان را منع کرده است اما همان شرکت به‌راحتی می‌تواند بگوید که قادر نیست بر نحوه فعالیت و نیروی کار شعبه‌های خود در دیگر کشورها نظارت و کنترل داشته باشد.»



▲ مونا پره Mona Paré استاد دانشکده حقوق دانشگاه اتاوا «آزمایشگاه تحقیقاتی بین‌رشته‌ای حقوق کودکان» را تأسیس کرده است.

برایشان ایجاد می‌کند. این کودکان وقتی از چنگ گروه‌های نظامی نجات پیدا می‌کنند و به جامعه بازمی‌گردند، برای سازگار شدن با اجتماع دچار مشکل می‌شوند، برای پیدا کردن کار مناسب و آبرومندانه به موانع متعدد برمی‌خورند و نسبت به دیگران بیشتر در معرض فقر، معضلات و آسیب‌های اجتماعی قرار دارند.»

کانادا هم به‌طور غیرمستقیم درگیر این پدیده است.

کانادا از جمله کشورهایی است که به حفاظت از کودکان در برابر کارهای اجباری و تأمین حقوق آن‌ها اهمیت زیادی قائل است.

خانم مونا پره می‌گوید: «به‌طور کلی در کانادا چه در سطح فدرال و چه در سطح استانی قوانین و مقرراتی در راستای حمایت از کودکان و تضمین حقوق آن‌ها وضع شده است. به‌عنوان مثال کودکان در کانادا اجازه ندارند در ساعات مدرسه یا در شب کار کنند. همچنین به گفته این استاد دانشگاه، در تنظیم و تصویب قوانین و مقررات مربوط به کودکان نیز، مرز میان کار زبان‌بار و کار سبک مشخص شده است.»

خانم مونا پره افزود وقتی مسئله کودکان مطرح است، از کارهای سبک مناسب سن و سال و شرایط جسمانی کودکان که در همه کشورها از جمله کانادا نیز بسیار رایج است، صحبت نمی‌کنیم. مشارکت کودکان در کارهای خانه‌داری یا چند ساعت کار هفتگی آن‌ها برای درآوردن پول توجیبی را نمی‌توان تقبیح کرد.

این کارشناس افزود وقتی مفهوم کار کودکان مطرح می‌شود، اساساً منظور کارهای زبانی است که با شرایط سنی و جسمی آن‌ها همخوانی ندارد. در اینجا منظور هرگونه کار سنگین و خطرناکی است که می‌تواند به کودکان آسیب برساند. کارهایی که کودکان کمتر از دوازده سال انجام می‌دهند، کارهایی که روند آموزش کودکان را مختل می‌کند یا سلامت جسمی و روحی آن‌ها را به خطر می‌اندازد.

ایروین المن Irwin Elman که در زمینه‌ی حمایت از کودکان و نوجوانان در انتاریو تجارب زیادی دارد، می‌گوید به‌موجب قوانین رایج در استان انتاریو، کار کردن کودکان زیر شانزده سال در ساعات مدرسه ممنوع است. به علت قوانین و مقررات صریح و محدودیت‌ها و سختگیری‌های متعدد، کار کودکان در انتاریو و به‌طور کلی در کانادا رسماً امکان‌پذیر نیست.

گرچه قوانین و مقررات در کانادا حمایت از کودکان را در برابر کارهای زبان‌بار و سنگین تضمین کرده است، مونا پره معتقد است که کانادا نیز به شکلی غیرمستقیم با معضل کار کودکان روبرو است. به گفته وی در کانادا نیز شرکت‌های بزرگ چندملیتی با برخی شرکت‌ها و تأمین‌کنندگان همکاری می‌کنند یا شعبه‌هایی دارند که در دیگر کشورها کودکان را استخدام می‌کنند. گاهی اوقات این شرکت‌ها کالاها و محصولاتی را به ما

عکس از
وایس،
قبایل در
اعتراض
به تخریب
محیط
زیست



یک خط لوله نفتی و گره کور اقتصاد و سیاست کانادا

هکتار از دشتهای ساحلی پناهگاههای طبیعی ملی قطب شمال را در بر می‌گرفت از سوی دیگر خشم مقامات ایالت آلاسکا را برانگیخت. لیزا مورکوفسکی، سناتور جمهوری خواه ایالت آلاسکا که از طرفداران این طرح بود در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفت: «در دورانی که ایالات متحده به ویژه آلاسکا در حال دست و پنجه نرم کردن با پیامدهای همه‌گیری کروناست من متعجبم که چرا اولویت اولین روز ریاست جمهوری جو بایدن به خطر انداختن شغل، اقتصاد و امنیت مردم ماست؟» اراضی پناهگاهی طبیعی قطب شمال از سال ۱۹۶۰ به عنوان مناطقی با قابلیت اکتشاف نفت در نظر گرفته می‌شد اما اکتشاف و استخراج از آن متوقف شده بود تا اینکه دولت ترامپ در سال ۲۰۱۷ مجدداً دستور به شروع مجدد اکتشافات نفتی در این مناطق داد.

کالای آمریکایی بخیرید!

در ادامه گفت‌وگوی تلفنی بین رهبران دو کشور، موضوع شعار جدید کاخ سفید با شعار اولویت خرید کالای آمریکایی مورد بحث قرار گرفت. سیاستی که دوباره موجب ناامیدی نخست‌وزیر کانادا از همسایه جنوبی شد و نگرانی وی از نتایج آن به ویژه در شرایط کنونی همه‌گیری را در پی داشت. در این مورد جو بایدن تأکید کرد که دولت ایالات متحده از اهمیت ارتباطات تجاری و زنجیره عرضه عمیقی که میان دو کشور است به خوبی مطلع است و پس از بررسی خط مشی دولت آمریکا در این مورد، نتایج آن با مقامات کانادایی به مشورت گذاشته خواهد شد، اما لزوماً به این معنی نیست که کانادا از تمامی این نتایج خشنود باقی بماند.

از آنجا که این خط مشی هنوز تکمیل نشده است ممکن است بخت هنوز با کانادا یار باشد و آمریکا برای شریک و همسایه قدیمی، در مورد برخی کالاهای محدود استثناء قائل شود. این امر به عمق روابط و نحوه چانه زنی دولت لیبرال با همتای دموکراتش بستگی دارد.

به دنبال لغو پروژه خط لوله Keystone XL نخست‌وزیر آلبرتا جیسون کنی، نخست‌وزیر کبک فرانسوا لوگو، داگ فورد از اونتاریو و اسکات مو نخست‌وزیر ساسکاچوان در تماس‌هایی که روز قبل با جاستین ترودو داشتند به وی تأکید کردند تا با چانه‌زنی و فشار، رئیس‌جمهور آمریکا را از این تصمیم باز دارد چرا که این اقدام آمریکا می‌تواند رویه‌های خطرناک در اجرای پروژه‌های دوجانبه در آینده به وجود آورد. همچنین زرمه‌هایی از تشویق جاستین ترودو به وضع تحریم‌های اقتصادی علیه ایالات متحده آمریکا برای پرداخت میلیاردها دلار خسارت به شرکت‌های کانادایی به گوش رسید ولی به گفته مقامات کانادایی این مسائل در گفت‌وگوی تلفنی روز جمعه مطرح نشد. شاید بتوان گفت استان آلبرتا در اثر تصمیم اخیر کاخ سفید تا به این لحظه بزرگترین بازنده اقتصادی است. با برچیده شدن پروژه خط لوله Keystone XL برآورد می‌شود که حدود هزار شغل از بین برود. در نامه‌ای که جیسون کنی نخست‌وزیر آلبرتا به ترودو نوشت آمده است: «این واقعیت که این تصمیم ناشی از قول‌های انتخاباتی کمپین دموکرات هاست چیزی از توهمین‌آمیز بودن آن کم نمی‌کند.»

اما درگیر و دار تعلیق پروژه‌های نفتی تمام کانادایی‌ها هم ناراضی نیستند. در پی فرمان‌های اجرایی اخیر جو بایدن، علاوه بر پروژه خط لوله انتقال نفت میان استان آلبرتا و آمریکا، یکی دیگر از پروژه‌های اکتشاف و حفاری نفت در اراضی مشترک آمریکا و کانادا نیز به حالت تعلیق در آمد. در پی انتشار خبر تعلیق پروژه‌های نفتی در مناطق طبیعی و پناهگاه‌های زیست محیطی سرزمین‌های قطبی، سران و اعضای قبیله گویچین به جشن و پایکوبی پرداختند.

به گفته برخی از آنان، این مردم که در گستره وسیعی از زمین‌های شمالی میان سرزمین یوکان و ایالت آلاسکا زندگی می‌کنند از اینکه جو بایدن صدای آن‌ها را شنیده است بسیار خوشحالند. تعلیق این پروژه‌های نفتی که محدوده‌های وسیع شامل یک و نیم میلیون

عصر جمعه بیست و دوم ژانویه ۲۰۲۱ رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده، جو بایدن در اولین تماس با یک رهبر خارجی به گفت‌وگوی تلفنی با نخست‌وزیر کانادا نشست. این تماس تلفنی که اولین گفت‌وگوی رهبران دو کشور بعد از چهار سال روابط پر تنش اقتصادی بود در سایه تصمیم جدید دولت آمریکا مبنی بر تعلیق پروژه خط لوله نفتی Keystone XL میان کانادا و آمریکا برقرار شد.

به گفته مقامات کانادایی، این گفت‌وگو گرم و دوستانه بود و در آن بر تعامل دوجانبه بین دو کشور تأکید شد. در این تماس تلفنی، با اینکه جاستین ترودو انتخاب بایدن و روابط میان دو کشور را به «عصری جدید» تشبیه کرد و نسبت به تلاش شانه به شانه دو کشور در مبارزه علیه کرونا ابراز امیدواری نمود ولی ناامیدی خود از لغو شدن پروژه خط لوله Keystone XL را نیز پنهان نکرد. در طرف مقابل، جو بایدن با تأکید بر دشوار بودن این تصمیم برای آمریکا یادآور شد که این یکی از وعده‌های انتخاباتی و اهداف بلندمدت حزب دموکرات و دولت اوپاما بوده است. وعده‌هایی که نه تنها سود مالی بلکه اهدافی دیگر همچون حفظ پایدار محیط زیست را نیز دنبال می‌کند. بایدن که از مدت‌ها با این طرح مخالف بود معتقد است سود موقت و دوره‌ای از این پروژه به زیان بلند مدت زیست محیطی آن نمی‌ارزد. جو بایدن از سال ۲۰۱۵ و زمانی که معاون باراک اوپاما بود از تعلیق این پروژه حمایت می‌کرد. طرفداران کانادایی این پروژه بر این باورند که این طرح از زمان تعلیق به دست اوپاما از سال ۲۰۱۵ تا کنون و با توجه به پیشرفت کانادا در زمینه وضع قوانین و دستورالعمل‌های استخراج نفت خام منطبق با محیط زیست، روز به روز در این زمینه پیشرفت داشته و به اندازه آن زمان برای محیط زیست زیانبار نیست. شرکت TC Energy مجری طرح خط لوله مدعیست تمام تمهیدات لازم برای قطع کامل آلاینده‌های این خط لوله تا سال ۲۰۲۳ را در نظر گرفته بود.



قابلی پلو در «ری لند»؛ عطر و طعمی جدید میان مهاجران و تهرانی‌ها

گزارشی از اولین رستوران افغان در شهر ری

جوانان به همراه خانواده خود به این رستوران می‌آیند و نسل‌های مختلف از مهاجران در کنار یک‌دیگر به راحتی از فضای این رستوران استفاده می‌کنند. او در ادامه حرف‌هایش نسبت به حضور رستوران‌های افغان می‌گوید: «اگر این رستوران به فعالیت خود ادامه دهد می‌تواند تاثیر بسیار جدی در جامعه ایرانی ایجاد کند و در این صورت است که مردم ایران با فرهنگ افغانستان آشنا می‌شوند.»

استفاده از مواد اولیه با کیفیت

محمد تقی شیرعلی سرآشپز رستوران قابلی پلو است. این سرآشپز مهاجر چهل سال سابقه کار در زمینه پخت غذاهای افغان را دارد. او در کشورهایی مثل عربستان، عمان، ترکیه و کشورهای اروپایی فعالیت داشته است. روزهای جمعه در رستوران قابلی پلو فعالیت می‌کند. او می‌گوید: «هن سال‌های زیادی است که غذاهای سنتی افغانستان را در رستوران‌های مختلف ایرانی می‌پزم و خوشبختانه مردم تا به امروز استقبال خوبی از این رستوران داشته‌اند. در این رستوران تلاش می‌شود که از مواد غذایی درجه یک و با کیفیت استفاده شود و طبخ غذاهایش به صورت روزانه است. مردم ایران در گذشته غذاهای افغان را نمی‌شناختند. حضور مهاجران در ایران و ارتباطات آنها با یکدیگر سبب شد که زمینه معرفی غذاهای افغان فراهم شود و مردم ایران به غذاهای افغان علاقه نشان دهند. ایجاد رستوران‌های افغان سبب می‌شود که مهاجران فرصتی برای معرفی بیشتر غذاهای افغان داشته باشند و فرهنگ غذایی افغانستان را در سطح بین‌المللی گسترش دهند. مهاجران انتظار دارند که رستوران‌های افغان در شهرهای مهاجرنشین و دیگر شهرهای ایران گسترش پیدا کنند.»

مهاجران امید دارند روزی محدودیت‌ها برداشته شود

عادل رضوی از کارکنان رستوران قابلی پلو است که به همراه دختر نوجوان خود در این رستوران کار می‌کنند. می‌گوید: «با دعوت آقای رضایی در این رستوران مشغول به کار شدیم و فعالیت در این رستوران را بسیار دوست داریم چرا که احساس صمیمیت و گرمی خاصی در رستوران قابلی پلو وجود دارد که در جاهای دیگر کمتر

او درباره پیشرفت مهاجران در ایران می‌گوید: «واقعیت این است که باوجود محدودیت‌هایی که در ایران وجود دارد، فضای رشد و پیشرفت بسیار است. در همه جای تهران و دیگر شهرها کلاس‌های آموزشی مختلفی وجود دارد و اگر کسی برای خود هدف داشته باشد با تلاش و کوشش فراوان می‌تواند در رشته خود به موفقیت برسد. به نظرم جوانان مهاجر محدودیت‌ها و مسائل اقتصادی را بهانه می‌کنند. اگر آنها در کنار کار خود بتوانند حداقل یک ساعت در روز را برای آموزش صرف کنند، می‌تواند سطح کار و رشته خود را ارتقاء دهند.»

محمدجواد رضایی از دوران نوجوانی حرفه سنگ‌تراشی را یاد گرفته است و اکنون کارگاهی با چندین کارگر دارد. او در کنار فعالیت‌های رستوران، مدیریت کارگاه را برعهده دارد. می‌گوید: «مهاجران سرمایه‌های زیادی دارند اما متأسفانه ترس دارند و این ترس مانع از عملکرد آنها می‌شود. به باور من تنها مرگ است که به همه چیز پایان می‌دهد و می‌تواند مانع کار ما شود و گرنه دیگر چیزها تنها بهانه است. به همه جوانان توصیه می‌کنم که بر ترس خود غلبه کنند و با جدیت و پشتکار به کارآفرینی بپردازند.»

احساس راحتی در رستوران قابلی پلو

مرضیه نادری فارغ‌التحصیل رشته علوم اجتماعی است. او به عنوان صندوق‌دار در این رستوران فعالیت می‌کند. به نظر او این رستوران فضای گرم و صمیمی دارد که در آن به دلیل کار با همشهریان خود احساس راحتی و نزدیک بیشتری دارد. می‌گوید: «شهر ری یکی از مناطق مهاجرنشین تهران است و به همین دلیل نیاز به چنین مکانی به شدت در این نقطه احساس می‌شود. خانواده‌های مهاجر زمانی که به رستورانی می‌روند به راحتی پذیرفته نمی‌شوند و همیشه با نگاه سنگین دیگران روبه‌رو هستند اما زمانی که به این رستوران می‌آیند احساس راحتی می‌کنند. این مکان فضای خوبی برای دورهمی‌های خانواده‌های مهاجر است. نسل جوان مهاجر افغان در ایران بزرگ شده‌اند و آداب و رسوم فرهنگ ایرانی دارند و در واقع شهروندان ایرانی‌ای هستند که به آنها شناسنامه داده نمی‌شود. نسل جدید مهاجران همیشه در کافه‌های مختلف دیده می‌شوند اما نسل قبل خبری نیست. اکنون

رستوران قابلی پلو یکی از رستوران‌های مهاجران افغان است که کم‌تر از یک سال می‌شود پا به عرصه فعالیت گذاشته است. یک روز سرد دی ماه ۱۳۹۹ است. راهی رستوران قابلی پلو می‌شوم. به شهر ری می‌روم، منطقه‌ای در جنوب تهران که قلب مرکز مهاجرنشین افغان لقب دارد. از میدان شاه عبدالعظیم عبور می‌کنم و به فروشگاه شهروند می‌رسم. تابلوهای «فودکورت ری‌لند» و «سینما راگا» دور خودنمایی می‌کنند. نام رستوران قابلی پلو رو تابلوهای فودکورت چشم‌ام را می‌نوازد. وارد رستوران می‌شوم، چندین خانواده مشغول غذا خوردن هستند و صدای موسیقی سنتی افغان به حال و هوای سرتاسر مجموعه فودکورت ری‌لند جان تازه بخشیده است. این مکان اولین رستورانی است که در چهل سال گذشته برای مهاجران افغان در شهر ری افتتاح شده است تا خانواده‌های مهاجر چند ساعتی را به یاد وطن در کنار یک‌دیگر باشند و از طعم غذاهای سنتی افغانستان لذت ببرند. در این رستوران غذاهای سنتی افغان از جمله منتو، آشک، قابلی پلو و بولانی سرو می‌شود. البته مشتریها فقط مهاجران افغان نیستند، رستوران قابلی پلو روزانه مشتریهای فراوانی را از سرتاسر تهران به خود جذب می‌کند. این رستوران همه روزه از ساعت ۱۲ ظهر تا ۱۲ شب آماده پذیرایی از مشتریان است.

رستوران قابلی پلو از زبان محمد جواد رضایی

محمدجواد رضایی مدیر رستوران قابلی پلو است. او پیمانکار و مسئول اجرایی پروژه ری‌لند بوده و بعد از پایان ساخت این مجموعه به پیشنهاد سعید روشنی مدیر مجموعه‌ی ری‌لند اقدام به افتتاح این رستوران می‌کند. می‌گوید: «من در زندگی شخصی خود تلاش کرده‌ام که همواره از تک تک فرصت‌های پیش رو استفاده کنم و زمانی که آقای روشنی این پیشنهاد را به من دادند با گرمی از آن استقبال کردم. قابلی پلو در اردیبهشت ماه شروع به کار کرد اما تا یک ماه به صورت آزمایشی کار کردیم تا بتوانیم سطح کیفیت غذای رستوران را بالا ببریم و در خرداد ماه شروع به کار کردیم.» او از استقبال مهاجران احساس خرسندی می‌کند چرا که این رستوران در بازه زمانی کوتاهی حمایت جامعه مهاجر را به دنبال خود داشته است.



احساس می‌کنیم، من سعی می‌کنم که با دل و جان در این رستوران در بخش‌های مختلف کمک کنم. آقای رضایی سختی‌های زیادی را کشیدند تا این رستوران سرپا شود و امیدواریم که محدودیت‌ها مانع از فعالیت این رستوران نشود. من از زندگی در ایران دل خوشی ندارم. پسر من سال‌ها در رشته والیبال فعالیت داشت و زمانی که می‌خواست در مسابقات شرکت کند به دلیل مهاجر بودن پذیرفته نشد و متأسفانه ما بعد از چند دهه زندگی در ایران هنوز مشکلات زیادی داریم و امید داریم که این رستوران سبب تغییر نگاه در جامعه مهاجر شود.»

قابلی پلو از نظر مشتری‌های ایرانی

سیمین مصباح یکی از مشتری‌های رستوران قابلی پلو از طعم غذاهای این رستوران تعریف می‌کند و برای اولین بار طعم غذاهای سنتی افغان را تجربه می‌کند. می‌گوید: «من خیلی خوشحال هستم که به این رستوران آمدم. به نظرم افتتاح چنین رستوران‌هایی می‌تواند به شناخت فرهنگ مردم مهاجر کمک کند. من از کیفیت غذای این رستوران بسیار راضی بودم.»

جای خالی رستوران افغان در شمال شهر

حسین حکمی از دیگر مشتری‌های ایرانی این رستوران است. او می‌گوید: «تبلیغاتی که در فضای مجازی از این رستوران دیدم باعث شد که از شمال شهر تهران به شهر ری بیایم. فقط یک رستوران در تهران وجود دارد که غذاهای سنتی افغانستان را در اختیار مشتریان قرار می‌دهد. فکر می‌کنم که رستوران قابلی پلو اولین رستوران در شهری ری است. به نظرم محل فعالیت این رستوران به خوبی انتخاب شده است چرا که شهری منطقه مهاجرنشین است. به دوستان مهاجر پیشنهاد می‌کنم رستورانی را هم در شمال شهر تهران افتتاح کنند.»

غذای سنتی افغانستان دارای وجوه مشترک با غذاهای ایرانی

محبوبه جعفری از دیگر مشتری‌های ایرانی این رستوران است. به نظر او غذاهای این رستوران بسیار خوشمزه است و طعم این غذاها به ذائقه ایرانی بسیار نزدیک است. می‌گوید: «اشتراکات فرهنگی زیادی بین غذاهای ایرانی و افغان وجود دارد و این نشان می‌دهد که افغانستان و ایران دارای وجوه مشترک فرهنگی بسیاری هستند.» او در ادامه در مورد مهاجران می‌گوید: «در نقاط مختلف دنیا



مهاجران از نقاط مختلف به رستوران قابلی پلو می‌آیند

فریبا رضایی از آمدن به این رستوران احساس خوشحالی می‌کند و می‌گوید: «من از رباط کریم به این رستوران آمده‌ام و زمان زیادی را برای رسیدن به اینجا صرف کردم. مهاجران محدودیت‌های زیادی دارند و به قدری از این محدودیت‌ها صحبت شده که تبدیل به کلیشه شده است. حضور رستوران‌های افغان می‌تواند به مهاجران دلگرمی دهد.»

فعالیت رستوران افغان برایم باورکردنی نیست

زری سروری اولین بار است که به یک رستوران سنتی افغان می‌آید. می‌گوید: «من تبلیغ رستوران قابلی پلو را در اینستاگرام دیدم و خیلی خوشحال شدم و باورم نمی‌شد که افغان‌ها بعد از سال‌های زیادی موفق شوند که رستورانی برای خود افتتاح کنند. من تجربه تلخی را از مهاجرت در ایران دارم و از همان دوران کودکی تا به امروز که ازدواج کردم و فرزند دارم، مشکلات اقامتی دارم. خوشبختانه مهاجران زیادی از لحاظ اقتصادی توانمند هستند اما به دلیل محدودیت‌ها نمی‌توانند برای خود کاری انجام دهند. اگر مسائلی قانونی اجازه افتتاح کسب‌های مختلف را به مهاجران بدهد، من برای کارآفرینی پیش قدم می‌شوم.»

چند ساعتی را در رستوران قابلی پلو سپری می‌کنم. طیف‌های مختلفی از مهاجران به این رستوران می‌آیند. برق شادی را به راحتی می‌توان در چشم‌های مهاجران دید. پای گفت‌وگو با مشتری‌های مختلف این رستوران نشستیم، بیشتر آنها حرف‌هایشان را با گلایه شروع کردند اما از دایر شدن این رستوران امید به بهبود شرایط زندگی مهاجران دارند و می‌خواهند که روزی زنجیره‌ای از این رستوران‌ها در نقاط مختلف ایران افتتاح شود. غذا یکی از عناصر پیونددهنده بین ملت‌ها است و رستوران قابلی پلو می‌تواند به رابطه مهاجران و جامعه ایرانی عطر، طعم و رنگ دیگری بدهد.

نسبت به جامعه مهاجر دیدی متفاوت وجود دارد و ممکن است که در جایی این نگاه مثبت‌تر باشد و در جای دیگر مردم نیاز به آموزش داشته باشند. البته در کشورهایی که فرهنگ مهاجرپذیر دارند طبیعتاً نگاه منفی کم‌تر به چشم می‌خورد. در ایران نگاه زیبایی نسبت به جامعه مهاجر وجود ندارد و به نظر افتتاح چنین رستوران‌هایی می‌تواند سبب شناخت فرهنگ و آداب و رسوم مردم افغانستان شود. او در آخر صحبت‌هایش از سرمایه‌داران مهاجر می‌خواهد که وارد میدان عمل شوند و در کار رستوران‌داری سرمایه‌گذاری کنند.

تبلیغات سیاسی در بحث مهاجران تاثیر دارد

پونه جعفری یکی از مشتریانی است که تجربه مهاجرت را داشته است. به نظر او تبلیغات سیاسی در شکل‌گیری نگاه مردم ایران و همچنین نگاه قشر مهاجر نقش زیادی دارد و بخشی از ترس‌های مهاجران واقعی نیست. او می‌گوید: «اگر در خصوص نگاه جامعه ایران نسبت به مهاجران آمارگیری صورت بگیرد، متوجه می‌شویم که بخشی از نگاه‌های منفی نسبت به مهاجران حقیقت ندارد. به نظرم قشر فرهنگی مهاجر می‌تواند با عملکرد مناسب سبب آگاهی‌دهی به جامعه میزبان شود تا از این طریق سوء برداشت‌ها برطرف شود. انتخاب غذا به عنوان معرفی فرهنگ افغانستان می‌تواند تاثیر فراوانی داشته باشد و به قول معروف آشپزخانه معرف یک ملت است.»

تعداد رستوران‌های افغان کم است

سیدحسن حسینی از دیگر مشتریان افغان است. می‌گوید: «من خیلی موافق هستم که چنین رستوران‌هایی وجود داشته باشد و هر چقدر تعداد آنها بیشتر باشد رقابت بیشتری شکل می‌گیرد و در نتیجه رقابت بیشتر کیفیت غذاهای این رستوران‌ها تغییر می‌کند. در تهران تعداد مهاجران خیلی زیاد است و به نظرم باید تعداد این رستوران‌ها در آینده افزایش یابد.»



اتسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

- فروش انواع لاستیک زمستانی تا ۸۰ دلار تخفیف
- جلوگیری از زنگ زدگی، از ۱۹.۹۵ دلار Rust Proofing
- تعمیرات ترمز و چلوبندی
- ۱۰ درصد تخفیف برای تعویض همزمان روغن و لاستیک و بازرسی رایگان

سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com



Panneton & Panneton Moving & Storage

تخلیف ویژه برای هموطنان عزیز در نظر گرفته شده است

خدمات انبارداری پنتون و الیمیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۲۴ روز هفته قابل دسترسی



514 939 0099

8660 Jeanne Mance, Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

صرافی موندیال ایت

با هم نیرومندتریم



ارائه خدمات ارزی

- با سه دهه سابقه خالصانه بی دریغ در خدمت شما هستیم.
- انتقال فوری ارز به ایران و برعکس با تضمین بهترین نرخ روز

قبل از هر تصمیمی با ما مشورت کنید.

یحیی هاشمی

(514) 989 2229

بیژن احمدی

(514) 937-5192

MondialElite Exchange

1855 Saint-Catherine St W, Montreal, H3H 1M4

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online با حضوری

با توجه به انتخاب شما

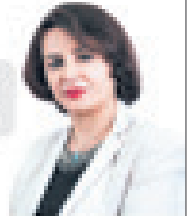
(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و شخصی توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی اشخاص و شرکتها
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس



Greg Mohammadi
(514) 625-6292
CPA Candidate



Mojdeh Miri
(514) 942-3493
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd, Montreal, QC H4B 2L9

http://elanaccounting.ca
info@elanaccounting.ca

دنیای دانش: کشف دارویی پژوهشگران کبکی برای مهار کرونا
غذای انسان و خسر سلامتی کایوت‌ها
رفتار خشونت‌بار آخوندگ‌ اروپایی در جفت‌گیری
در سال ۲۰۲۰، زمین سریع‌تر چرخید

سلامت روان: پنج مرحله‌ی گذار از دوران سوگ کدامند؟

حقوق: قانون دعاوی مدنی و کنفرانس حل
و فصل

**دانش، سلامتی
و حقوق**



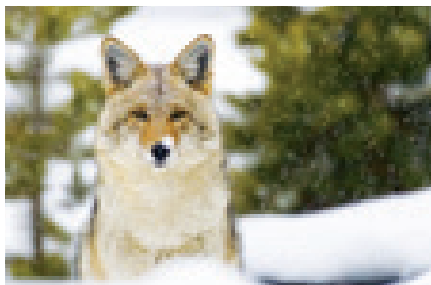
▲ مطالعه گسترده COLCORONA که توسط موسسه بیماری‌های قلبی مونترال ICM صورت گرفته حاکی از آن است که کلشیسین colchicine در جلوگیری از بروز عوارض شدید کووید-۱۹، بستری شدن، تراشه‌گذاری در نای و همچنین مرگ‌ومیرهای ناشی از این بیماری موثر است.

کشف دارویی پژوهشگران کبکی برای مهار کرونا

«نتایجی که در این تحقیق حاصل شده بسیار ارزشمند است چرا که در حال حاضر هیچ داروی تاییدشده‌ای وجود ندارد که با تجویز آن بتوان مراقبت‌های بهتری از بیماران کرونایی به عمل آورد و از بستری شدن آن‌ها جلوگیری کرد.»

در آن دسته از شرکت‌کنندگان در این تحقیق که تشخیص COVID-19 با آزمایش نازوفارنکس تایید شده بود، نتایج مصرف کلشیسین دلگرم‌کننده‌تر بود: مصرف این دارو با کاهش ۲۵ درصدی بستری شدن، کاهش ۵۰ درصدی نیاز به دستگاه‌های تنفس مصنوعی و کاهش ۴۴ درصدی مرگ‌ومیر این افراد همراه بود. دکتر تاردیف تاکید کرد: «حصول این نتایج با مصرف یک داروی شناخته شده، ایمن و ارزان که امید بهبودی بیماران مبتلا به کرونا را افزایش و خطر بستری شدن آن‌ها را کاهش می‌دهد، از اهمیت بالایی برخوردار است.»

نتیجه تحقیق پژوهشگران کبکی: کلشیسین colchicine خطر عوارض ناشی از کووید-۱۹ را کاهش می‌دهد. موسسه بیماری‌های قلبی مونترال اعلام کرد مطالعه COLCORONA نشان می‌دهد که مصرف کلشیسین برای جلوگیری از بروز عوارض ابتلا به کووید-۱۹ و کاهش مرگ‌ومیرهای این بیماری موثر است. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، به گفته محققان کبکی در این مطالعه که از مارس سال ۲۰۲۰ با مشارکت ۴۴۸۸ داوطلب مبتلا به کووید-۱۹ شروع شد، مصرف کلشیسین که معمولاً از آن برای درمان نفوس و پریکاردیت تجویز می‌شود، خطر مرگ‌ومیر یا بستری شدن این افراد را ۲۱ درصد کاهش داد. دکتر ژان-کلود تاردیف مدیر مرکز تحقیقات موسسه بیماری‌های قلبی مونترال، استاد پزشکی دانشگاه مونترال و سرپرست مطالعه COLCORONA تاکید کرد:



برای این کار باید پسماندهای غذایی و زباله‌های خود را در مکان‌های پوشیده یا محفظه‌های بسته قرار دهیم. این می‌تواند یک راه حل برد-برد برای کایوت‌ها و آدم‌ها باشد چرا که به این ترتیب سلامت کایوت‌ها تامین می‌شود و انسان‌ها هم از خطر حمله آن‌ها در امان می‌مانند.»

غذای انسان و خطر سلامتی کایوت‌ها

در بدن بسیاری از این حیوانات پیدا کردند. این پدیده می‌تواند آثار منفی بر وضعیت تغذیه کایوت‌ها، سیستم ایمنی بدن و حتی رفتار آن‌ها داشته باشد. اسکات ساجن سرپرست این گروه تحقیق می‌گوید: «در سگ‌ها ارتباط بین رفتارهای تهاجمی و ترکیب میکروبیوم آن‌ها ثابت شده است. در میکروبیوم کایوت‌های شهری و سگ‌ها شباهت‌های زیادی وجود دارد.»

با این حال اسکات ساجن معتقد است که به جای بیرون راندن این حیوانات از شهرها، بهتر است که راه‌های همزیستی بهتر با آن‌ها را یاد بگیریم چرا که حق نداریم آن‌ها را از زیستگاه‌های طبیعی‌شان بیرون کنیم. ساجن ادامه داد: «باید مانع از شویم که کایوت‌ها به کمپوست‌ها یا سطل‌های زباله دسترسی داشته باشند.»

غذای انسان سلامت کایوت‌ها را به خطر می‌اندازد. مطالعه جدیدی که گروهی از بیولوژیست‌های دانشگاه آلبرتا انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که مصرف غذای انسان‌ها توسط کایوت‌های شهری سلامت این حیوانات را به خطر می‌اندازد و آن‌ها را تهاجمی‌تر می‌کند. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، نتیجه مطالعه محققان کانادایی نشان می‌دهد که هر چه بیشتر کایوت‌ها از غذاهای انسان تغذیه کنند، چربی بدن آن‌ها کمتر و انگل‌های آن‌ها بیشتر می‌شود. یک گروه از پژوهشگران دانشکده علوم دانشگاه آلبرتا در این تحقیق وضعیت معده و میکروبیوم روده حدود یکصد کایوت را که در منطقه آمونتون زندگی می‌کنند، مورد بررسی قرار دادند و باکتری‌های روده‌ای از نوع انسانی را



جنگ را می‌برد و نر را می‌خورد اما در اکثر موارد (بیش از ۶۰ درصد) برنده جنگ جنس نر است اما با این تفاوت که ماده را نمی‌خورد بلکه او را زخمی و خنثی می‌کند تا بتواند با او جفت‌گیری نماید.

رفتار خشونت‌بار آخوندک اروپایی در جفت‌گیری

پس از جفت‌گیری سر جنس نر را از بدنش جدا می‌کند و آن را می‌بلعد تا انرژی لازم برای تخم‌گذاری بعدی را داشته باشد. «همنوع‌خواری جنسی» فقط مختص آخوندک اروپایی نیست و در رفتارها و روابط عنکبوت‌ها نیز دیده شده است و غالب اوقات حشره مهاجم بزرگتر و قوی‌تر از حشره قربانی است.

نوع ماده این حشرات هیچ دلیلی برای مهار اشتها خود برای خوردن «آقای خود» ندارند چرا که به تنهایی قادرند تخم‌های خود را بارور کنند. این روش تولید مثل عجیب و غریب به بکرزایی parthénogenèse معروف است.

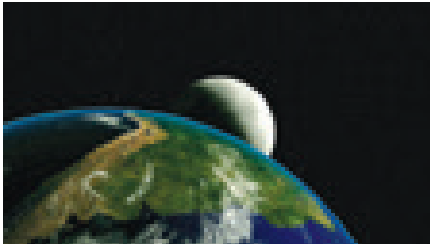
مطالعه محققان نشان می‌دهد که همواره جنس نر این حشره است که برای جفت‌گیری اقدام می‌کند و این کار همیشه با نزاع همراه می‌شود. در ۳۵ درصد موارد ماده

نتیجه مطالعه جدیدی که به تازگی منتشر شده، حاکی از آن است که رفتار آخوندک‌های اروپایی نر برای جفت‌گیری با جنس ماده بسیار خشونت‌بار است؛ اما این حشرات عجیب و غریب چاره دیگری هم جز این ندارند چرا که اگر خشونت به خرج ندهند، طمع جفتشان خواهند شد.

به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، برخی از آخوندک‌های اروپایی نر برای وادار کردن جنس ماده به جفت‌گیری و مهم‌تر از آن حفظ جان خود، آن را زخمی می‌کنند چرا ممکن است حتی پیش از اتمام جفت‌گیری سرشان توسط جنس ماده از تنش جدا و بلعیده شود.

رفتارهای جنسی این حشره بسیار تهاجمی و منازعه آمیز است و بارها دیده شده که جنس ماده قبل، حین یا

در سال ۲۰۲۰، زمین سریع‌تر چرخید

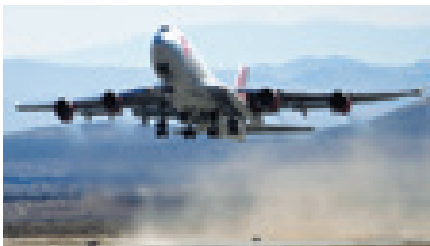


خود می‌چرخد که از آن به عنوان حرکت وضعی زمین یاد می‌شود. پس از اختراع ساعت‌های بسیار دقیق اتمی دانشمندان پی بردند که طول یک روز خورشیدی نیز می‌تواند متغیر باشد البته نه بر حسب ثانیه بلکه بر حسب یک هزارم ثانیه. شاید این تغییرات برای ما نامحسوس و کم اهمیت باشد اما برای دستگاه‌های ناوبری و ارتباطی از اهمیت بالایی برخوردار است و تفاوت‌های بسیار کوچک نیز باعث خطا در عملکرد آن‌ها می‌شود.

آن، وضعیت اقیانوس‌ها و اتمسفر صورت می‌گیرد، مسئله تعجب‌آوری نیست. کریستل جانارد مسئول تحقیقات ژئوفیزیک و ژئودزی ماهواره‌ای (شاخه‌ای از ژئوفیزیک که شکل زمین را مطالعه می‌کند) در «موسسه فیزیک گلوب» مستقر در پاریس می‌گوید: «آن چه پیش از این در مطالعات علمی محرز شده این واقعیت است که چرخش زمین یک پدیده پایدار و ثابت نیست. ما می‌دانیم که تحت تاثیر همین مسئله، روزهای زمینی کاملاً منظم نیستند.» از دهه ۱۹۷۰ زمان چرخش زمین با استفاده از ژئودزی ماهواره‌ای تخمین زده شده است.» دانشمندان چرخش زمین را یک زمان سنج عالی می‌دانند. زمین به طور متوسط هر ۸۶ هزار و ۴۰۰ ثانیه که معادل ۲۴ ساعت شبانه روز است، یک بار به دور

اگر چرخش زمین با همین سرعت ادامه یابد، ممکن است در سال ۲۰۲۶ یک ثانیه از ساعت جهانی کاهش یابد دانشمندان می‌گویند چرخش زمین در سال ۲۰۲۰ سریع‌تر از حد معمول بوده و اگر این روند به همین ترتیب ادامه داشته باشد، احتمالاً ساعت جهانی در سال ۲۰۲۶ یک ثانیه کاهش خواهد یافت. به گزارش هفته، به‌نقل از پایگاه اینترنتی نومراما، به نظر می‌رسد سیاره زمین هم درست مثل مهمانان خو برای به پایان رساندن سال ۲۰۲۰ که پاندمی مهلک کرونا شرایط دردناکی برای همه ایجاد کرده بود، عجله بیشتری از خود نشان داده است. بدیهی است که این همزمانی صرفاً یک تصادف است و شتاب چرخش زمین نیز که تحت تاثیر عوامل مختلف به ویژه حرکت هسته مذاب

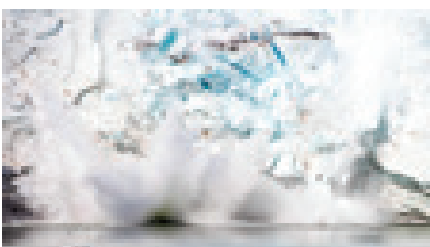
پرتاب موشک ویرجین اوربیت از روی بال «دختر کیهانی»



▲ لحظه بلندشدن هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ در صحرای موه‌وای روز یکشنبه ۱۷ ژانویه ۲۰۲۱. موشک ویرجین اوربیت از روی بال این هواپیما در ارتفاع بالا پرتاب شد.

مراحل آن‌طور که پیش‌بینی شده بود، اتفاق افتاد و لانچر وان LauncherOne به مدار زمین رسید.» بوئینگ حامل لانچر وان از بندر فضایی موه‌وای واقع در شمال لس آنجلس در ایالت کالیفرنیا به پرواز درآمد و موشک خود را بر فراز اقیانوس آرام به فضا پرتاب کرد. ویرجین اوربیت که سال ۲۰۱۲ توسط ریچارد برانسون تأسیس شد تلاش می‌کند در بازار پرتاب‌های فضایی که روز به روز رونق بیشتری پیدا می‌کند، خدمات پرتاب‌های فضایی سریع برای ماهواره‌های کوچک که بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلوگرم وزن دارند، ارائه کند. موشک ۲۱ متری ویرجین اوربیت که لانچر وان نام دارد، به صورت عمودی بلند نمی‌شود بلکه برای پرتاب زیر بال بوئینگ ۷۴۷ اصلاح شده که «دختر کیهانی» نامگذاری شده است، نصب می‌شود.

جنبه نوآورانه پروژه ویرجین اوربیت Virgin Orbit این است که این موشک از روی یک هواپیما در ارتفاع بالا به فضا پرتاب شده است. با استفاده از این روش نیازی به هزینه‌های سنگین برای ساخت سکوی پرتاب‌های فضایی نیست. به گزارش هفته، به‌نقل از رادیو کانادا، شرکت انگلیسی ویرجین اوربیت متعلق به میلیاردر انگلیسی ریچارد برانسون برای اولین بار موفق شد یک موشک نصب شده بر روی بوئینگ ۷۴۷ را به فضا بفرستد. این موفقیت می‌تواند راه جدید و کم هزینه‌تری را برای قراردادن ماهواره‌های کوچک در مدار زمین باز کند. می‌گذشته اولین اقدام ویرجین اوربیت برای این پرتاب فضایی با شکست مواجه شده بود. ویرجین اوربیت پس از این پرتاب موفقیت‌آمیز در توثیعی نوشت: «در دومین پرتاب موشک از بوئینگ ۷۴۷ همه



▲ بخشی از یخچال Apusijik در گرینلند ۱۷ اوت ۲۰۱۷ فروریخت

هدف از توافق نامه آب‌وهوایی پاریس که سال ۲۰۱۹ منعقد شد، نگه داشتن روند گرمایش زمین زیر دو درجه سانتی‌گراد است. اما طبق اعلام سازمان ملل متحد برای تحقق این هدف لازم است که میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای بین سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۳۰ هر ساله ۷۶ درصد کاهش یابد.

ناشی از فعالیت‌های انسانی دانست و چه بخشی از آن در نتیجه رویدادهای طبیعی بوده است. آن‌هایی که تلاش می‌کنند مسئولیت بشر را در گرمایش زمین انکار کنند، پدیده‌های طبیعی مثل فوران‌های آتشفشانی، نوسانات تابش خورشید را عامل اصلی گرم شدن زمین می‌دانند. اما نتیجه مطالعات جدید دانشمندان بین‌المللی که روز دوشنبه ۱۸ ژانویه در نشریه Nature Climate Change منتشر شد، حاکی از آن است که فعالیت‌های انسانی بین ۰.۹ تا ۱.۳ درجه سانتی‌گراد موجب افزایش دمای کره زمین شده است و این ارزیابی با روند گرمایش فعلی زمین کاملاً مطابقت می‌کند. ناتان گیلت از دانشمندان مرکز مدل‌سازی آب‌وهوایی، محیط زیست و تغییرات اقلیمی کانادا می‌گوید: «بررسی‌های ما آشکارا نشان می‌دهد که بشر عامل اصلی و مستقیم گرمایش زمین است.»

انسان؛ متهم اصلی گرمایش زمین

نتایج یک مطالعه جدید نشان می‌دهد که تقریباً کل پدیده تغییرات آب‌وهوایی که از ابتدای عصر صنعتی در کره زمین آغاز شده، تحت تاثیر فعالیت‌های انسانی شکل گرفته است و رویدادهای طبیعی در گرمایش زمین تاثیر چندانی ندارند. به گزارش هفته، به‌نقل از لاپرس، دمای کره زمین از اواسط قرن نوزدهم تا کنون بیش از یک درجه سانتی‌گراد افزایش یافته و همین امر موجب افزایش پدیده‌های آب‌وهوایی خطرناک از جمله دوره‌های گرمایی شدید، طوفان‌ها و سیلاب‌ها در سرتاسر زمین شده است. یک گروه بین‌المللی از دانشمندان در تازه‌ترین مطالعات خود تلاش کرده‌اند مشخص کنند چه بخشی از این گرمایش را می‌توان تاثیر مستقیم انتشار گازهای گلخانه‌ای

پنج مرحله‌ی گذار از دوران سوگ کدامند؟



تخلیه هیجانی کمک می‌کند که یک امر طبیعی تبدیل به یک بیماری مزمن نشده و به شکل روان‌تنی مثل زخم معده یا بیماری‌های روانی مثل افسردگی، اضطراب و یا اختلال استرس پس از سانحه خودش را نشان ندهد.

۳) سازگاری با زندگی تازه:

شکل زندگی ما با از دست دادن یک عزیز خانواده، ممکن است بسیار تغییر کند. این تفاوت‌ها را بپذیرید و باور داشته باشید که زندگی، پستی و بلندی داشته و با تغییرات آن کنار بیاید.

۴) ادامه دادن، نه فراموش کردن:

افراد سوگوار فکر می‌کنند اگر به زندگی عادی‌شان برگردند یعنی اینکه فرد از دست رفته را فراموش کرده‌اند و به این خاطر، احساس گناه می‌کنند. اما واقعیت این است که می‌توان زندگی را ادامه داد و یاد عزیز را هم همیشه گرامی داشت.

۵) معنای واقعی مرگ:

آدم‌های سوگوار بعد از حیرت در برابر از دست دادن، با سوال «اصلاً چرا مرگ؟» «چرا ما همیشه زنده نمی‌مانیم؟» روبرو می‌شوند.

روانشناسان و فیلسوفان زیادی مرگ را از زوایای گوناگون بررسی کرده‌اند. باورهای زیادی همچون مرگ معنای زندگی است که قدر زندگی را بیشتر بدانیم و بتوانیم تصمیم‌های بزرگی برای زندگی بهتر و با معناتر بگیریم، کمک می‌کند که پذیرش مرگ به عنوان یک اتفاق اجتناب‌ناپذیر برایمان راحت‌تر شود.

۱) **مرحله شوک و ناباوری:** اولین مرحله در سوگواری انکار واقعیت است. شخص در این مرحله نمی‌تواند باور کند که چه اتفاقی افتاده است. این مرحله به عنوان یک نوع دفاع شخصی به کار می‌رود و کاملاً طبیعی است.

۲) **مرحله عصبانیت و پرسش:** پرسش همیشگی: «چرا باید برای من این اتفاق بیفتد؟».

عصبانیت واکنشی طبیعی است و در این مرحله از سوگ امری عادی بشمار می‌رود. صحبت کردن با همکاران، دوستان، اعضای خانواده و یا یک مشاور در مورد این خشم بسیار مفید خواهد بود.

۳) **جرو بحث و چانه زدن:** سومین مرحله از مراحل سوگواری جرو و بحث است. این امر فعالیتی است که جهت به تعویق انداختن واقعیت مرگ به کار می‌رود. در صورت برخورد با چنین افرادی سعی کنید با جملات صادقانه، واقعی و مفید با آنها صحبت و همدلی کنید.

۴) **مرحله آشفتگی و غم:** سومین مرحله از سوگ که افسردگی است شاید مرحله‌ای باشد که طی آن شخص شروع به پذیرش واقعیت می‌کند. افسردگی می‌تواند خفیف و یا شدید و از نظر مدت زمان متفاوت باشد ولی اگر خیلی طولانی شود، بهتر است با یک روانشناس و یا روانپزشک مشورت شود.

۵) **مرحله پذیرش واقعیت و بازسازی زندگی:** این مرحله به این معنا نیست که شما از موقعیت پیش آمده راضی هستید، بلکه پذیرفته‌اید که از دست دادن و مرگ غیر قابل تغییر است. تازه اینجاست که امیدهای واهی را کنار می‌گذارید و واقعیت را می‌پذیرید و شروع به برنامه‌ریزی زندگی‌ای که «او» در آن حضور ندارد، می‌کنید. البته رسیدن به این مرحله ممکن است مدت زمان زیادی طول بکشد.

برخی از افراد که مراحل سوگواری را تجربه کرده‌اند، قادر به عبور از مراحل غم و اندوه و پذیرش واقعیت فقدان کسی که دوست داشته‌اند نیستند، که در اینصورت مراجعه به یک درمانگر ضرورت می‌یابد.

جهت تسهیل در مراحل سوگ تکالیفی وجود دارد که ما در اینجا چند پیشنهاد را مرور می‌کنیم:

۱) پذیرش واقعیت:

ناباوری و خیال پردازی‌ها در ابتدای شنیدن خبر به شما کمک کند که بار این شوک ناگهانی را راحت‌تر تحمل کنید. سعی کنید این واقعیت را که یک عزیز را از دست داده‌اید بپذیرید. باور اینکه ماهیت زندگی همین است، سوگ را برای شما قابل تحمل‌تر می‌کند.

۲) سوگواری و گریه کردن:

سوگواری به شکل شرکت در مراسم و گریه کردن از مهم‌ترین راهکارهای کاهش این بار سنگین است.

از دست دادن، قسمتی از زندگی هر فردی است. از دست دادن یا فقدان اشکال مختلفی دارد، مثل از دست دادن شغل، از دست دادن معشوق به شکل شکست عشقی، از دست دادن همسر به شکل جدایی یا طلاق، از دست دادن دوستان دوران دانشگاه، از دست دادن اطرافیان به شکل مهاجرت و از همه بزرگ‌تر از دست دادن عزیزان به شکل مرگ.

طبق جدول استرس در روانشناسی، مرگ عزیزان بالاترین میزان فشار روانی را برای افراد در پی دارد. «فقدان» یک عزیز می‌تواند بر روح و روان و رفتار ما تاثیر بگذارد. سوگ، تغییرات زیادی در فکر، احساس و رفتار بازمانده ایجاد خواهد کرد.

احساسات: غم، خشم و اضطراب از جمله احساساتی است که فرد سوگوار با آن دست و پنجه نرم می‌کند. همینطور احساس گناه از بیشترین مواردی است که افراد پس از مرگ عزیزشان تجربه می‌کنند.

افراد به این خاطر که نتوانسته‌اند جلوی از دست دادن فرد متوفی را بگیرند و به خاطر بدی‌های کوچک و بزرگی که به او کرده‌اند، احساس گناه زیادی دارند.

داشتن این احساسات تا حدودی طبیعی است، ولی اگر مدت طولانی ادامه‌دار باشد و یا از شدت زیادی برخوردار باشد، ضرورت مراجعه به یک روانشناس الزامی خواهد شد.

افکار: اولین افکاری که زودتر از همه بعد از شنیدن مرگ عزیز به ذهنمان می‌رسد «ناباوری» است. انبوهی از افکارهای منفی فرد را راحت نمی‌گذارد، همینطور تمرکز روی کارها بسیار سخت خواهد شد. حل کردن مسائل تبدیل به معضلی شده و فکر عزیز از دست رفته حجم زیادی از ذهن فرد را می‌گیرد.

رفتار: در دو مورد قبلی، فرد سوگوار به تنهایی بیشترین عذاب و ناراحتی را تحمل می‌کند و اطرافیان فقط از نشانه‌ها می‌توانند پی به احساسات و افکار او ببرند ولی رفتار، آشکار است و ممکن است واکنش دیگران را هم برانگیزد. رفتارهای فردی که عزیزش را از دست داده می‌تواند گوناگون باشد. به هم ریختن خواب مثل پر خوابی یا کم خوابی، پراشتهایی یا کم‌اشتهایی، خواب یا کابوس‌های مکرر و گریه کردن از نمونه رفتارهای رایج در افراد سوگوار است.

گذر از ۵ مرحله سوگواری

سوگواری بخشی از زندگی است و بعنوان یک گذار، مسیر آن بایستی طی شود. برای اینکه این مسیر با موفقیت و با سختی کمتری طی شود، باید آنها را به خوبی بشناسیم. انسان در برخورد با هر از دست داندی همچون فوت، حوادث، ترک اعتیاد، طلاق، ورشکستگی و تغییر شغل، پنج موضع عاطفی انکار، خشم، چانه زنی، افسردگی و پذیرش را از خود نشان می‌دهد.



قانون دعاوی مدنی و کنفرانس حل و فصل

طرف‌هایی که واجد شرایط وکیل معاضدتی (تسخیری) نیستند باید با وکلای خود در رابطه با هزینه‌های حقوقی او توافق کنند.

در صورت توافق طرفین و حل اختلاف چه اتفاقی می‌افتد؟

اگر کنفرانس حل و فصل به حل اختلاف منتهی شود، توافقنامه‌ای توسط طرفین و وکلای آن‌ها تنظیم و امضا می‌شود. همچنین، می‌توان توافقنامه را برای امضا به قاضی تسلیم کرد تا از نظر قانونی به عنوان رای دادگاه قابل اجرا باشد.

در صورت عدم توافق طرفین چه اتفاقی می‌افتد؟

اگر کنفرانس حل و فصل، طرفین را قادر به حل و فصل اختلافات خود نکند رییس دادگاه می‌تواند آن را به کنفرانس مدیریت پرونده تبدیل کند که منجر به دادرسی رسمی به ریاست قاضی دیگری می‌شود و او در مورد پرونده حکم صادر می‌کند.

اگر پروسه دادگاهی مدنی یا خانوادگی در پیش دارید به شما توصیه می‌کنیم حتما در مورد جلسه کنفرانس حل و فصل با وکیل خود صحبت کنید تا هزینه و زمان خود را به صورت بهینه استفاده کنید.

توضیح: متن فوق اطلاعات عمومی در خصوص موضوع مقاله است و در صورت بروز مشکل حقوقی، خواننده می‌بایست از وکیل خود، مشاوره حقوقی دریافت نماید. نگارنده مقاله و مجله «هفته» هیچ مسئولیتی در مورد ابعاد حقوقی این متن نخواهند داشت.

برای اطلاعات بیشتر یا برقراری ارتباط می‌توانید به وبسایت دفتر حقوقی Riahil Legal مراجعه و سوالات خویش را از وکیل دادگستری کبک، خانم نیوشا ریاحی بپرسید.

توجه: متن فوق اطلاعات عمومی در خصوص موضوع مقاله است و در صورت بروز مشکل حقوقی، خواننده می‌بایست از وکیل خود، مشاوره حقوقی دریافت نماید. نگارنده مقاله و مجله «هفته» هیچ مسئولیتی در مورد ابعاد حقوقی این متن نخواهند داشت.

برای اطلاعات بیشتر یا برقراری ارتباط می‌توانید به وبسایت دفتر حقوقی Riahil Legal مراجعه و سوالات خویش را از وکیل دادگستری کبک، خانم نیوشا ریاحی بپرسید.
www.riahil.com

طرفین یا وکلای آن‌ها، بایستی فرمی تحت عنوان درخواست مشترک کنفرانس حل و فصل در پرونده مدنی را که در وبسایت دادگاه موجود است تکمیل کنند. بعد از تکمیل فرم و امضای آن توسط طرفین و وکلای آن‌ها، فرم باید به منشی دادگاه در بخش مربوطه ارسال گردد.

روند اداری برگزاری کنفرانس حل و فصل به چه صورت است؟

طرفی که مایل به پیشنهاد کنفرانس تسویه حساب است، می‌تواند این کار را با ارسال مستقیم نامه به طرف دیگر یا به دفتر منشی دادگاه مربوطه انجام دهد. در حالت دوم، کارکنان دفتر منشی دادگاه بررسی خواهند کرد که آیا طرف مقابل مایل به شرکت در کنفرانس است یا خیر. در این صورت، فرمی برای طرفین و وکلای آن‌ها ارسال می‌شود تا امضا شود.

در فرم مذکور باید تاریخ‌های مناسب برای طرفین مشخص شود و ذکر نام امضاکنندگان در فرم کافی است. این درخواست می‌تواند از طریق پست الکترونیکی یا ایمیل فرستاده می‌شود.

سپس قاضی هماهنگ کننده یا قاضی تعیین شده، طرفین و وکلای آن‌ها را دعوت می‌کند تا در برابر قاضی تعیین شده برای ریاست کنفرانس، حاضر شوند. در مجموع، کنفرانس حل و فصل ظرف ۶۰ روز از تاریخ دریافت فرم امضا شده برگزار می‌گردد.

کنفرانس حل و فصل چگونه کار می‌کند؟

کنفرانس حل و فصل به ریاست قاضی دادگاه برگزار می‌شود. قاضی در این کنفرانس به عنوان سازش دهنده یا واسطه عمل می‌کند. این کنفرانس در اتاق‌های مخصوص طراحی شده به جای سالن‌های دادگاه برگزار می‌شود تا محیط برای بحث‌های غیررسمی و آرامتر فراهم شود. این کنفرانس همچنین دارای قوانین انعطاف‌پذیر مشخص شده‌ای برای حل و فصل اختلاف است.

طرفین در این کنفرانس حضور دارند و معمولاً وکلایشان آن‌ها را یاری می‌کنند. رییس دادگاه، طرفین و وکلای آن‌ها متعهد می‌شوند که به محرمانه بودن هرگونه اطلاعاتی که در جریان کنفرانس فاش می‌شود احترام بگذارند.

هزینه این سرویس چقدر خواهد بود؟

این سرویس به صورت رایگان ارائه می‌شود. با این حال،

در آخرین مقاله این سلسله در شماره ۶۱۶ مجله هفته درباره چهارمین مرحله از مراحل قانونی دعاوی مدنی که شامل ارائه «دفاعیه» است، صحبت کردیم. در مقالات هفته‌های پیشین بیان شد که بعد از فرستادن دادخواست اولیه و احضاریه توسط خواهان پروسه قانونی دعاوی مدنی آغاز می‌شود و سپس خوانده بایستی از جانب خود پاسخ ارائه دهد. پس از ارائه پاسخ از جانب خوانده و ایجاد پروتکل پرونده توسط طرفین، او در صورت داشتن دفاع از خود در برابر ادعاهای خواهان، می‌تواند دفاعیه ارائه دهد. طرفین دعوا می‌توانند در هر مرحله از مراحل قانونی با توافق یکدیگر درخواست کنفرانس حل و فصل از دادگاه مربوطه بنمایند. در این مقاله، سعی می‌شود که به این بخش از پروسه قانونی در دعاوی مدنی یعنی کنفرانس حل و فصل پرداخته شود.

کنفرانس حل و فصل در قانون دعاوی مدنی کبک:

اگر قرار است پرونده شما توسط دادگاه تجدیدنظر، دادگاه کبک یا دادگاه عالی رسیدگی شود، شما و طرف دیگر می‌توانید از دادگاه درخواست کنفرانس حل و فصل کنید. هنگامی که طرفین این درخواست مشترک را مطرح کردند، یک قاضی ریاست کنفرانس حل و فصل را بر عهده خواهد داشت که غالباً به طرفین این امکان را می‌دهد که به توافق برسند. این حل و فصل اختلاف باعث صرفه‌جویی در وقت و هزینه طرفین می‌شود و از نیاز آن‌ها به دادرسی جلوگیری می‌کند. این کنفرانس بدون تشریفات و به صورت غیر علنی و پشت درهای بسته برگزار می‌شود و هر آنچه در این کنفرانس نوشته یا انجام شود به صورت محرمانه است.

لازم به ذکر است جلسه حل و فصل در صد موفقیت بالایی دارد و پروسه‌ای محبوب و مقرون به صرفه برای افراد است که در آن قاضی به جای صدور رای نقش میانجیگر را خواهد داشت.

طرفین ممکن است در هر مرحله از مراحل قانونی درخواست کنفرانس حل و فصل بنمایند، اگرچه ترجیح داده می‌شود که این کار در ابتدای رسیدگی انجام داده شود تا مهلت‌های قانونی تعیین شده رعایت شود.

چه کسی می‌تواند درخواست کنفرانس حل و فصل بدهد؟

کنفرانس حل و فصل روندی داوطلبانه است و همه طرفین اختلاف باید قبل از برگزاری کنفرانس رضایت خود را برای آن اعلام کنند.



مشاوره ، طراحی ، اجرا گرافیک هفته



0-100

به ما بسپارید
از

طراحی تا چاپ

طراحی لوگو / طراحی پکیج اداری / پوستر / کاتالوگ / بروشور
تفویم و سررسید / صفحه آرایی کتاب و مجلات / طراحی بسته بندی
محصولات / طراحی تبلیغات

514-747-8878

337-887-8878



همراه با شما در خرید آگاهانه
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

مشاور املاک و متخصص وام مسکن

- سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:
- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

هدیه من به شما
پرداخت اولین قسط
در حین گانه وام بانکی شما

8280 Boul. Décarie # 150
Montreal, QC H4P 2P5
stosa.far@gmail.com

آنوسا تنگستانی فر
514 995 3041



حیات‌الله حیات، حقوق‌دانِ شاعر

گفت‌وگو: سلیمان کریمیار ورزشکار موفق افغان در گفت‌وگو با هفته
ورزش مرا از بسیاری بدی‌ها دور نگه داشت

داستان کوتاه: ایران فقط پناهگاه ما از جنگ بود

آریانا

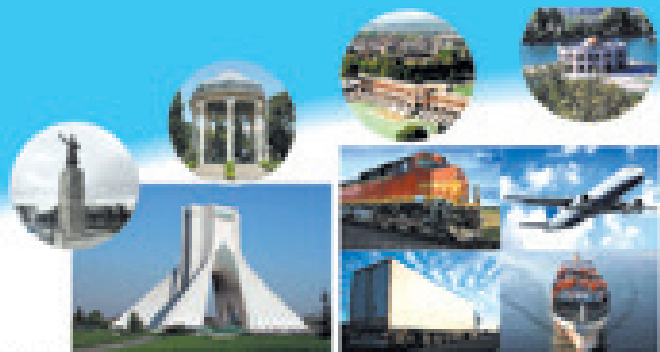
LOADEX TRANSPORT INC.
شرکت حمل و نقل بین‌المللی

خدمات حمل و نقل هوایی، دریایی و زمینی
ایران، سراسر کانادا، آمریکا و سایر نقاط جهان
سرویس کامل حمل برای واردات و صادرات کانتینرها
نرخ‌های ویژه برای اضافه بار هوایی مسافران

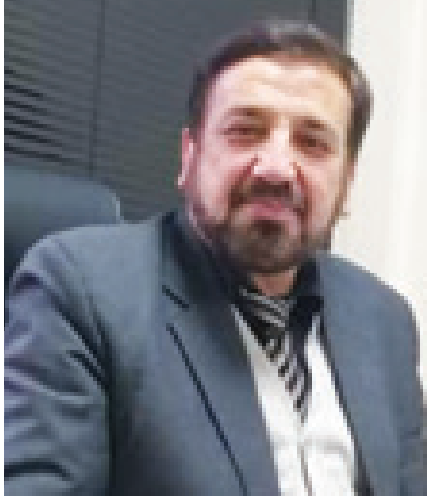
www.loadextranport.com | info@loadextranport.com

Tel: 514-234-3399

Fax: 514-685-3168



سرویس هوایی به شیراز، تبریز، تهران، اصفهان، گرمانشاه و مشهد



حیات‌الله حیات، حقوق‌دان شاعر

محمد سودا قرار می‌گرفت و ایشان همیشه تاکید می‌کردند؛ تا غزل، مسدس و مسمط بسراییم»
همچنان حیات‌الله حیات درباره اینکه چه زمانی شعرش رونق یافت؛ گفت: «بازار شعر و شاعری در من در دوره سخت مهاجرت به پشاور پاکستان رونق گرفت و نخستین مجموعه شعری‌ام تحت عنوان «تافصل شگفتن» به چاپ رسید و بر علاوه اشعارم را در جریده شهادت به نشر می‌رساندم.»
او درباره اینکه نخستین شعرش را در کجا به نشر رساند؛ می‌گوید: «اولین شعرم را در مجله آواز، ارگان نشراتی رادیو و تلویزیون ملی افغانستان به دست نشر سپردم.»

حیات‌الله حیات علاوه بر؛ آثار ادبی و کتاب‌های چاپ شده چندین اثر تحقیقی حقوقی آماده چاپ دارد. به گفته خود شاعر اولین مجموعه شعری‌اش «تافصل شگفتن» که در حوت ۱۳۷۶ در پشاور به چاپ رسیده بود؛ در دلو ۱۳۸۸ در مطبعه سپین زرمیلاد در افغانستان بار دوم اقبال چاپ را یافته است. یکی دیگر از مجموعه‌های شعری حیات به اسم «رویش سبزشقایق» که در بهار ۱۳۹۱ خورشیدی در مطبعه جیحون چاپ گردید؛ شادروان حیدری وجودی مقدمه‌ای بر آن تحریر نموده و با این دو بیت یادداشت او شروع شده است:

«آینه‌ی آرمان فطرت غزل است
آنسوی بیان، زبان فطرت غزل است
در طیف دل و دیده‌ی معنی نگران
مهر و مه آسمان فطرت غزل است»

حیات‌الله حیات فرزند محمد امین خان در سال ۱۳۴۰ خورشیدی در ولسوالی اشکمش ولایت تخار دیده به جهان گشود. در سن شش سالگی به مکتب رفت و در لیسه اشکمش ولایت تخار مکتب را به اتمام رسانید. او در سال ۱۳۶۳ خورشیدی تحصیلات عالی را تا دوره لیسانس از فاکولته حقوق و علوم سیاسی به اتمام رسانید و بیشتر در بخش‌های مختلف اداره لوی سارنوالی؛ به حیث معاون ریاست نظارت، رئیس نشرات و تحریرات، رئیس استیناف ولایت کابل، رئیس توریزم (کرزندوی و جهانگردی) و به صفت مشاور در لوی سارنوالی افغانستان ایفای خدمت نموده است. به درجه کادری او خارنوال است. آقای حیات بر علاوه به حیث مسوول نشرات اتحادیه حقوقدانان، مسوول جریده حقوق مردم و حقوق و اجتماع و همچنان به صفت نطای رادیو تلویزیون ملی نیز کار نموده است.

حیات‌الله حیات موسس انجمن سارنوالان افغانستان و در دو دور کنگره بحیث رئیس انجمن سارنوالان افغانستان انتخاب و جریده‌ی را بنام (اثبات) در دو شماره به نشر رسانیده است.
حیات‌الله حیات از همان روزگاران که فقط در صنف مکتب دانش آموز بود؛ به سرودن شعر می‌پرداخت.

به گفته خود شاعر که می‌گوید: «شاعر ابتدایی‌ام را شاعری به اسم برات محمد (سودا) که شاروال ولسوالی اشکمش بود توسط برادر مرحومم که در معاونیت شاروالی آنجا وظیفه داشت به شاعر متذکره می‌فرستادم. و همیشه موارد تایید برات

اگر دوباره سبز شوم. یکی دیگر از مجموعه‌های شعری «حیات» است که در سال ۱۳۹۴ در شهر کابل به چاپ رسید و محتوی کتاب‌اش بیشتر اشعار عشقی و میهنی است. او اثر تحقیقی و علمی را تحت عنوان «دیدگاه اسلامی محیط زیست» به نشر رساند و همچنان آشنایی با وزوالین یا اشکمش کنونی بخشی از تاریخ تخارستان است که درباره زادگاهش نوشته است. خارنوال در آینه اجرات و مسوولیت‌ها اثر تحقیقی و معلوماتی دیگر اوست که در چارچوب وظایف مسلکی‌اش به آن پرداخته است و در حال چاپ می‌باشد. از آقای حیات‌الله حیات مقاله‌ها و مضامین مختلف دیگر همچنان در جراید و مجله‌های کشور به چاپ رسیده است.

اینهم چند نمونه از شعرهای حیات‌الله حیات:

سروده

زهرلی که سخن می‌چکد ترانه ماست
به لوح عرش برین شعر عاشقانه ماست
نوید بخت سپیدی رسد ز فیض سحر
طلوع پر تو امید در کرانه ماست
جلال و شوکت ما آیتی ز پاکدلیست
به کشت زار وفا رویشی زدانه ماست
عجب مدار ز پیکار ما به گاه مضاف
که سر سپردن ما مشق جاودانه ماست
به قله‌های خطر ره سپرده‌ایم که عشق
فروغ مشعل این راه بی‌کرانه ماست
طلسم جهل و فسون را شکسته‌ایم چنان
که نقل مجلس اهل جهان فسانه ماست

شکست رنگ

بعد از تو کاج سبز تمنا شکسته شد
بعد از تو رنگ باغ تماشا شکسته شد
روح وفا و بیکره عشق در شکست
آینه سار زنده‌گی ما شکسته شد
بعد از تو رودبار سرودم نداشت آب
در سرزمین سینه‌ام آوا شکسته شد
بعد از تو عطر و بوی دلاویز گل نداشت
بعد از تو شور بلبل شیدا شکسته شد
اسطوره‌ها به جای حقیقت نشستند ماند
افسانه خوانی دل شب‌ها شکسته شد
در رگ رگ زمانه دود خون تیره‌گی
تقویم روزگار دریغا شکسته شد
از چشم ابر نم نم باران فرار کرد
چشم انتظار وادی و صحرا شکسته شد
بعد از تو سنگ جور و ستم بر دلم نشست
آینه امید من ایوا شکسته شد
در طبع من شراره ذوق لطیف مرد
از قالب ترانه‌ام معنا شکسته شد
ماهی که بی‌هراس گذر داشت از شیم
در امتداد این خط رسوا شکسته شد

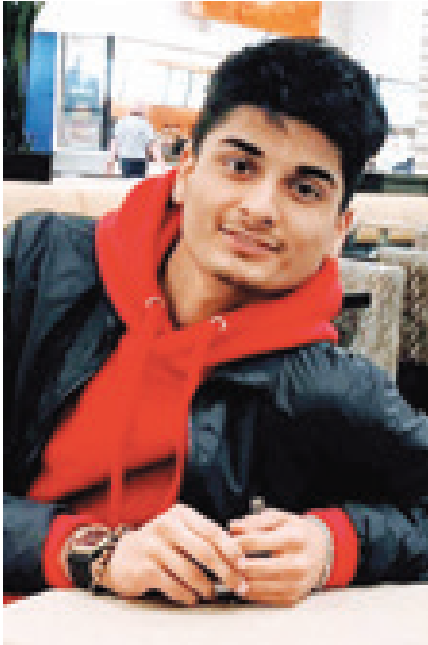
سرقت

چه شد که رونق بیت و ترانه دزدیدند
ز متن شعر حسبی شاعرانه دزدیدند
به چشم بانگر پاسبان و دزد بیکست
فروغ هستی ازین سوی خانه دزدیدند
چگونه هدیه دهند انتحار و کشتن را
چرا شعور وطن را، یگانه دزدیدند
درین سراچه همه هیچ و پوچ افگندند
متاع نیک ازین آشیانه دزدیدند
چه شد که باغ ز آوای مرغکان خالیست
بهار و جوشش گل زین میانه دزدیدند
ز مهر میهنم صد تا سرود میخواندم
چگونه عشق مرا عاشقانه دزدیدند
مگر که خواب ربود آن جناب قانون را
متاع حق و عدالت شبانه دزدیدند
کابل، جدی ۱۳۹۸

با ابراز امتنان از آقای حیات‌الله حیات که در تهیه معرفی‌نامه‌شان با ما همکاری نمودند.

سليمان كريميار ورزشكار موفق افغان در گفت‌وگو با هفته

ورزش مرا از بسیاری بدی‌ها دور نگه داشت



آرزو و خواست هر خانواده این است که فرزندان صالح، تحصیل کرده و باتربیت پرورش داده و تقدیم جامعه نمایند.

اگر فرزندان در جهت تحقق بخشیدن امیال و خواسته‌های والدینشان کمک نمایند خدمت والای را به خود، خانواده و اجتماع انجام خواهند داد. این امر وابسته است به؛ رهنمایی، کمک، حمایت و همکاری خانواده، مکتب و اجتماع.

انسان‌های هدفمند، بااراده و مستعد می‌کوشند، با وجودی بروز موانع، مشکلات و سختی‌ها؛ از موانع عبور، با مشکلات مبارزه و در برابر سختی‌ها مقاومت نمایند تا به اهداف و آرزوهای خویش برسند.

آن‌ها همیشه این فکر را در اذهان خویش می‌پرورانند که «از شکست نباید مأیوس شد و از زمین خوردن، بپا شدن را آموخت».

وقتی انسان روزی به اهداف، مقاصد و آرزوهایش رسد، با خود خواهد گفت؛

مقاومت، ایستادگی، سعی و تلاش‌های متداومش نتیجه ثمربخش داشته است.

صحبت از جوان ورزشکار افغان-کانادایی است. او سلیمان کریمیار نام دارد.

چون متولد مونترال است بیشتر فرانسوی تکلم می‌کند. گرچه مستقیم گفت‌وگوشنود نداشتیم. من پرسش‌های خود را مطرح کردم که جوابات بسیار جالب، جامع و پر محتوی برایمان ارائه نمود.

■ آقای سلیمان ورزشکار جوان خودش را معرفی نموده و چنین گفت:
 ◀ در ۲۵ جون سال ۲۰۰۲ در شهر لانگی مونترال به دنیا آمدم. من به یک مکتب ابتدائی به نام «تورنوسول» شامل شدم و در آنجا چیزهای یاد گرفتم و تجربه کردم که کمک نمود تا فردی باشم که امروز هستم و کسی که سعی می‌کنم بعداً باشم. دوستانی زیادی داشتم که بعضی از آن‌ها تا امروز با من دوست‌های نزدیک هستند. سپس به مکتب متوسطه به نام «ژرارد-فیلیون» که زیاد شهرت نداشت رفتم.

■ درباره آن مکتب چنین می‌گویید:
 ◀ من وقتی برای اولین بار به آنجا رفتم، کمی شک داشتم، اما صادقانه آن پنج سال از بهترین دوره‌ها بود. همه چیز به این بستگی دارد که شما در مدرسه با چه کسانی معاشرت کرده‌اید و آیا این‌ها تأثیرات خوب یا بد دارند؟

بنابراین حضور در یک مدرسه خصوصی یا گران‌قیمت مهم نیست زیرا تأثیر بد در همه‌جا وجود دارد، فقط باید خوب را انتخاب کنید.

دوستان عاقل دوران مکتب متوسطه من سرگرم‌کننده‌ترین‌ها تا به حال بوده‌اند؛ اما البته زمان‌های وجود دارد که به‌راحتی انجام می‌شود و بنابراین بزرگ‌ترین کلید استقامت است.

پنج سال دوره متوسطه را با ۱۹ گواهی‌نامه به پایان رساندم و در نیم تعطیلات یکی از مسابقات مونترال ایمپکت، در مقابل ۲۴۰۰ نفر به خاطر اینکه یک المپیک نمونه در مکتبم بودم، جوایز دریافت کردم.

■ ورود به دوره کالج:
 ◀ پس از پایان دوره متوسطه به کالج «ادوارد مونت پیتی» رفتم که تاکنون دو ترم را تمام کردم. کالج کاملاً قابل‌درک است. با آنچه قبلاً تجربه کردم متفاوت است،

” پشتکار می‌تواند شما را واقعاً از بسا چیزها دور کند و وقتی آن را با نظم و انضباط ترکیب کنید، چانس و موفقیت به نفع شما خواهد بود.

زیرا در کالج کاملاً خودتان و مستقل هستید و از سرگرمی و استرس بسیار کمتری نسبت به ابتدائی و متوسطه برخوردارید؛ زیرا من به‌ندرت دوستانم را می‌دیدم و حتی اگر مجبور شدم درس بخوانم یا انجام وظایف خانگی. تاکنون فکر می‌کنم مهم‌ترین مهارتی که باید در کالج و یونیورسیتی داشته باشیم، نظم، انضباط و البته پشتکار است؛ زیرا حتی باهوش‌ترین دانش‌آموزان هم در مقطعی از کالج و دانشگاه سختی را پشت سر می‌گذارند. من در برنامه تحت عنوان «Science humaine Individu» هستم که بهترین برنامه برای مطالعه آنچه می‌خواهیم و آن روانشناسی و به‌طور خاص برای درمانگر بودن است، اما هنوز نمی‌دانم در چه موضوعی است. همیشه می‌خواستم بشنوم و به افراد در مورد مشکلاتشان کمک کنم و از وقتی که ۵ ساله بودم... این کار را انجام دادم.

■ جهان ورزشی، موفقیت‌ها و دستاوردهای آن:
 ◀ از ۶ سالگی با بازی فضایی St-Hubert فوتبال بازی کردم و اکنون در تیم AA-U-18 AA-Hubert هستم. ورزش و به‌ویژه فوتبال بخش مهمی از زندگی من بوده و است. ورزش مرا از همه موارد بدی که یک نوجوان در معرض

کنار بکشم زیرا در سال ۲۰۱۵ در یک بازی منقبضه دست راستم شکست و بعد از گذشت یک سال (۲۰۱۶) بازی چپم شکست.

پس از آسیب دیدگی سه سال پشت سر گذاشتن سخت بود اما من فوتبال را ترک نکردم و هنوز هم در بالاترین سطح ممکن در سنم بازی می‌کنم. اینجاست که پشتکار، کلید مهمی نه تنها در مکتب؛ بلکه برای همه چیز در زندگی‌ام است.

دو، سه سال پیش فقط وقتی فوتبال بازی می‌کردم به مریضی «اسم» مبتلا شدم و این فرصت را برایم از بین برد که بتوانم بیش از ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بازی کنم و این از مصدومیت من بدتر است زیرا نمی‌توانم به تیم کمک کنم. قبل از شروع دو فصل گذشته به همان اندازه که می‌خواهم چنین کاری را انجام دهم، لحظه‌ای داشتم در مورد اینکه باید ترک می‌شدم اما در مورد آن فکر نمی‌کردم مدت طولانی دوام نیاورد زیرا حتی اگر شاید نتوانم به هدف اصلی خود دست یابم، نمی‌خواستم همه را به هدر دهم.

خانم وسیمه فاضلی و محترم صادق کریمیار درباره پسرشان متفقاً ابراز نظر نمودند؛ که گفته‌های مادرش ابراز می‌گردد:

وسیمه فاضلی: پسرم سلیمان، بسیار مهربان، رموز فهم و بادرک است. از او آن کودکی تاکنون نه تنها مانند مادر و فرزندی، بلکه زیاده‌تر مثل دوست استیم. حواسش همیشه به من است (متوجه و به فکر من است). وقتی به طرف چشمم می‌بیند، درک می‌کند و می‌فهمد که؛ خوشحال، آزرده، خسته یا ناراحتم. از کودکی تا حال مرا حمایت می‌کند. پدرش را نیز دوست دارد. چون پدرش ضروریات، خواسته‌ها و نیازمندی‌هایش را همیشه برآورده ساخته به خصوص در ساحه ورزش.

او پسر حرف‌شنو و مطیع است. به هر دوی ما احترام قائل است. اگر به چیزی ضرورت و نیاز داشته باشد به شیوه خوب و مؤدبانه بیان می‌کند، اگر از عهده آن چیز برآمده نتوانیم و برآورده نشود آزرده نمی‌شود. به درس‌ها و ورزشش کوشاست. لایق، تیزهوش و ذکی بوده، فیصدی نمراتش همیشه بین ۸۵ تا ۹۰ بوده است.

در جریان تحصیل تقدیرنامه‌ها و تحسین‌نامه‌های متعددی به دست آورده که نه تنها در امور درسی و تحصیلی‌اش بوده بلکه به حیث مددکار و کمک‌رسان به دیگران از او قدردانی شده است. هدفمند و مصمم است و اعتماد بر نفس دارد. سلیمان از کودکی به یگان مشکل صحتی مواجه بود؛ اما مقاومت و پایداری از خود تبار داده با مشکلات صحتی مبارزه کرده مسیر انتخابی خویش را در پیش گرفته و ادامه می‌دهد. از جمله؛ از کودکی با لبنیات حساسیت داشت بخصوص شیر و تخم‌مرغ، مشکل نفس‌تنگی به خصوص در فصل زمستان، درد مفاصل، در یک حادثه در طفولیت چشمش صدمه دید... این مشکلات را نادیده گرفته در جهت رسیدن به اهداف و آرزوهایش بپا خاسته و پیش می‌رود.

من و پدرش از پسرمان راضی استیم و حمایتش می‌کنیم.

«هفته» برای این جوان زحمت‌کش و فعال، سعادت، صحت‌مندی و پیشرفت‌های مزید آرزو می‌نماید.

دوست‌داشتنی و حمایت‌کننده متولد شدم و این یکی از اصلی‌ترین دلایلی که من امروز هستم و همه کارها را خواهم کرد است که به آن‌ها نشان دهم تمام فداکاری‌هایی که انجام داده‌اند و از افغانستان به اینجا آمده‌اند برای هیچ نبوده است.

تجارب و خاطراتش را چنین بیان می‌کند:

کبک یعنی جایی که پیش‌آهنگی‌های زیاد را در حال تماشای آن بودم، اما بعد از آن در اولین تمرین با تیم کامل، دست چپم شکست و شکستم داد و این درست زمانی ست که همه چیز تغییر کرده زندگی و رؤیای مرا تغییر داد تا ببینم هر آنچه را که قرار بود به دست بیاورم ناپدید و تقریباً غیرممکن می‌شود یا نه!

زیرا ۴ ماه نمی‌توانستم بازی کنم و این باعث شد تا چانس بازی در تیم ملی جنوب را از بین ببرم و هم چنین فصل تازه را با St-Hubert ادامه دهم. جایی که من قبل از صدمه دیدن به عنوان بهترین گل زن لیگ بودم.

قبل از اینکه صدمه ببینم آن رؤیا برای تبدیل شدن به یک بازیکن حرفه‌ای فوتبال در مغزم وجود داشت و اکنون که واقع‌بینانه به آن نگاه می‌کنم پس از آن مصدومیت رسیدن به آن رؤیا تقریباً غیرممکن بود. من می‌توانستم



”

از ابتدا تا حال در این تیم‌ها بازی کرده‌ام: تیم مکتب ما، تیم لانگی، تیم سن اویر، می‌خواستم در تیم «سوت شار» بازی کنم و از آن طریق به تیم «امی پکت» بروم که دست‌هایم صدمه دید.

آن قرار می‌گیرد دور نگه داشته و سلامتی مرا حفظ کرده است و این فرصت برایم تجربه و لحظات فراموش ناشدنی داده است؛ مانند کسب ده مدال و رفتن با تیم به سفرهای جاده‌ای و هتل‌ها.

در ۱۳ سالگی برای تیم منطقه به عنوان مسابقات انتخابی انتخاب شدم که یک برنامه انتخاب طولانی از ۱۳ تا ۱۶ سال برای انتخاب بهترین بازیکنان «South sore» بود که من همه برش‌ها را انجام دادم و تیم نهایی در آن مقطع را درست کردم.

وقتی تیم را ساختم خوشحال شدم و احساس نزدیکی کردم و رؤیای خود را برای داشتن یک بازیکن حرفه‌ای احساس نمودم، زیرا با آن تیم ... قرار بود که به همه مسابقات اطراف برویم. بنابراین، به این دلیل ادامه دادم که اگر هم سالم بازی کنم و هم بتوانم کمی به تیم کمک کنم تیم را ترک نخواهم کرد.

از ابتدا تا حال در این تیم‌ها بازی کرده‌ام: تیم مکتب ما، تیم لانگی و تیم سن اویر. می‌خواستم در تیم «سوت شار» بازی کنم و از آن طریق به تیم «امی پکت» بروم که دست‌هایم صدمه دید.

گفتنی‌هایش برای سایر جوانان:

اولین چیزی که می‌خواهم به هر دختر و پسر جوان بگویم این است که پشتکار می‌تواند شما را واقعا از بسا چیزها دور کند و وقتی آن را با نظم و انضباط ترکیب کنید، چانس و موفقیت به نفع شما خواهد بود. من می‌دانم که شنیدن مداوم در مورد استقامت می‌تواند آزاردهنده باشد، اما این چیزی ست که در همه چیز و همه‌جا به شما کمک می‌کند. این فقط ذهنیت عدم ترک چیزی است که می‌خواهید به آن برسید یا اینکه می‌دانید باید انجام دهید، زیرا از نتیجه ترک این کار پشیمان خواهید شد و پشیمانی می‌تواند بسته به آنچه در رؤیا یا اهداف خود قرار داده با شما بیوندد؛ زیرا هر فرد موفق مجبور به ادامه کار بوده، آن‌ها مجبور بودند هزارها بار شکست بخورند از آن بیاموزید تا بالاخره به جایی که می‌خواهند برسند.

نمی‌گویم هرگز کنار نمانید، زیرا گاهی اوقات باید این کار را کنار بگذارید که می‌دانید خوب نیست اما من می‌گویم هیچ‌وقت کنار نگذارید وقتی تنها مشکل این است که یک مانع وجود دارد یا می‌ترسید و راحت نیست یا از آنچه خانواده و مردم فکر می‌کنند می‌ترسید؟

توصیه دیگر این است که سعی کنید برای خود سرگرمی مانند؛ ورزش، ابزار، هنر و غیره پیدا کنید. چنین سرگرمی‌ها به شما اجازه می‌دهد تا احساس آرامش یا خوشحال شدن در هنگام استرس داشته و این امر باعث می‌شود که ذهن و بدن خود را سالم نگه دارید.

همیشه تنبل نباشید، وقتی روز شما تمام شد باید از آنچه انجام دادید یا یاد گرفته‌اید خوشحال باشید که پیشرفت کرده‌اید زیرا اگر چیزی بخواهید نمی‌توانید در انتظار آن باشید.

تنها در یک مکان یا یک چیز راحت نباشید، زیرا اتصال به یک مکان یا چیزی که وجود دارد به شما امکان نمی‌دهد همه کارهایی را که می‌توانید انجام دهید و کشف کنید.

احاطه با افرادی که شما را به فردی بهتر تبدیل می‌کنند و شما را دوست دارند مهم‌ترین چیز است.

من این نعمت را داشتم که در خانواده‌ای با ذهن باز،



ایران فقط پناهگاه ما از جنگ بود

یک مثل مشهور در زبان دری داریم که می‌گوید: از زیر چکچک به زیر ناوه نشستیم. یعنی بدحالتی داشتیم که بدترش کردیم. از اثر جنگ‌های داخلی به پاکستان فرار نموده بودیم. مثل هر مهاجر دیگر راهی دیار غربت شده بودیم. هیچ جا خانهای خود ما نمی‌شد. آن جا هم دچار مشکلات حدیده‌ای بودیم که نصف نان ما یکی نمی‌شد. پدرم تنها نان‌آور فامیل هشت نفره‌ای ما بود و خودش را در آب و آتش می‌زد تا مصارف ما را مهیا بسازد. ما هر یک خاطری تلخ راکتی را که به منزل ما اصابت نموده بود و مردم محله هر یک ما را از زیر خاک‌های آوار شده کشیده بودند، در ذهن خود داشتیم و در شوک بودیم. همین قدر می‌فهمیدیم که پدرم در گرمی‌های پاکستان پوست می‌داد و صرف کرایه خانه و آب و نان روزمره‌ای ما را برآورده می‌ساخت. خواهرانم که بزرگترشان ۱۶ ساله بود و ما سه برادر که خوردتر از خواهران ما بودیم، شوق رفتن به مکتب را در خیالات خود ترسیم می‌کردیم که عملی شدنش محال بود؛ بنابراین معضله‌ای اقتصادی از دادن فیس مکاتبی که خود افغان‌ها ایجاد کرده بودند بر نمی‌آمدیم. آرمان‌های جوانی و خیال پلوه‌ای چرب و خوش مزه‌ای آرزوها در اذهان ما خلق شده پرورش می‌یافت که با تاسف در نطفه خنثی می‌گردید. شب را به امید روز و روز را به امید روزهای دیگر سپری می‌کردیم. همان بود که تمامی آرزوهای ما در سلول خیالات ما قید می‌شد. ناگزیر به مصداق حرف بزرگان باید سفر می‌کردیم تا بخت خفته‌ای خود را در جایی از دنیا بیابیم و بیدارش کنیم. شهنشاه خیالات خویش را به مسند قدرت بنشانیم و به امیال خود جامه‌ای ابریشمی بپوشانیم. همراه با یک فامیل دیگر ای میدان و طی میدان به سوی راه قاچاقی که صوب ایران حرکت کردیم. اینکه تا ایران رسیدن چندین بار مُردیم و زنده شدیم؛ حرف‌هایست که همین اکنون به یادآوری آن خون در بدنم یخ می‌بندد و روحم را به بند می‌کشد. راست راستی، توان گفتن آنچه که بالای ما گذشت ندارم و ابراز آن حالات برایم مقدور نیست به خصوص زمانی را که رهزنان دار و ندار ما را چپاول کردند و یکی از دختران فامیل همراه و همسفر ما را با خودش بردند که فامیل متذکره ناچار شد راهش را ببرد و همراهی ما را رها کند. ما با قبولی یک عالم رنج و عذاب، شب‌ها و روزها راه‌های صعب‌العبور را طی کردیم تا به سرحد ایران رسیدیم.

آنجا که تعداد زیادی از مردم در حالت انتظار به سر می‌بردند، دم را غنیمت شمرده خستگی راه را از خود بدر کردیم. بعد از یک سلسله توهین و توبیخ، مشت و لگد و خطر رد مرز شدن و به زندان رفتن به ایران رسیدیم و تصور کردیم آب‌ها از آسیاب افتاد و خر ما از پل گذشت. دیگر به مشکلی بر نخواهیم خورد و به نواحی خواهیم رسید. راستش در ایران تا مدرک یا پاسپورت نمی‌داشتی اصلاً نمی‌توانستی منحیث یک انسان شناخته شوی و زندگی بدون استرس داشته باشی؛ کسی برایت خانه اجاره نمی‌داد، مورد اعتماد هیچ کسی قرار نمی‌گرفتی و تا زمانی که دستات به جایی بند نمی‌شد حتی حق زنده ماندن هم ازت سلب می‌گردید. آن هم فامیلی که ترس در گوشه گوشه وجودشان کمین کرده بود و قایم شدن ترسی که بعدش چی خواهد شد؟! تمام دغدغه ما شده باشد. با صدای شکستن یک لیوان یا گیلان آب چنان از جا می‌پریدیم که رنگ در رخسار و خون در رگ‌های ما می‌ایستاد. شکرش باقیست که زمان چون آبی می‌گذرد و کثافت‌های گذشته را با خودش می‌برد. وقتی کمی سکون پیدا کردیم، شوق ما گل کرد که مکتب برویم و درس بخوانیم. دو خواهرم، من و یکی از برادرانم آن قدر ذوقمند فراگیری تعلیم و تحصیل بودیم که کاغذ باطله را به عنوان برگ برنده از زمین بلند می‌کردیم و به خطوط آن زل می‌زدیم. ولی ایکاش همه چیز به وفق مرام آدمی خلاصه می‌شد. بی‌خبر از اینکه با نداشتن سند درست اصلاً ممکن نبود که در مدرسه‌ای دولتی درس بخوانیم و مانند یک شهروند عادی سیر حیات را به آسانی شاهد باشیم. فرض مثال هرگاه کسی مدرک نمی‌داشت نمی‌توانست بیمه باشد، نمی‌توانست خانه به اجاره بگیرد، نمی‌توانست شامل کاری شود. سرگشته‌ای کوچک و بازار باید می‌بود. ما و خیلی افغان‌های دیگر مدرک درست نداشتیم و هوس‌های ما در نطفه می‌مُرد و فراموش می‌شد. بعد از دو سال سعی و کوشش زیاد من و یکی از برادرانم به مدرسه‌ای خصوصی ثبت‌نام کردیم. یک کتاب شاگردان ایرانی و یکی دو مضمون افغانستانی که شامل پشتو و انگلیسی بود، برای ما تدریس می‌شد. هر یک ما ماهانه یک هزار تومان فیس

مکتب می‌دادیم. البته مکتب هم آن چنان مکتبی نبود که با تجهیزات ضروری مزین باشد. شخصی به نام ایوبی یک جایی را دور از مسکن ما اجاره کرده بود و کلاس‌های درسی را به نام در آن جاگزین نموده بود که خودش و یک فرد دیگر به نوبت تدریس می‌کردند که همه کاره‌ای مکتب هم بودند. جالب‌تر اینکه هنگام رخصتی هیچ وقت یک جایی بیرون نمی‌شدیم که شهرداری خبر نشود. بعد از مدتی ترس و گریز مکتب نامبرده بسته شد و ما ناچار شدیم به یک مکتب دیگر که از شهرک ما در حدود تقریباً پنجاه کیلومتر دورتر بود، ثبت‌نام نمایم و با بس و یا گاهی با پای پیاده تا یک ساعت به مکتب برسیم. آن مکتب همچنان جواز کار نداشت و فعالیت‌اش پنهانی بود. ما مانند خفاشان به دزدی مکتب می‌رفتیم و برمی‌گشتیم. مکتب اتاق‌های زیادی نداشت در روی حویلی چند اتاقک پلاستیکی بنا کرده بودند که چوکی ما خشت و سقف و یا چتر بالای سر ما آفتاب سوزان و یا ریزش باران می‌بود. فضای نمناک صنف درسی دماغ ما را نه تنها اذیت می‌کرد که زمینه‌های آموزش ما را نیز مختل می‌نمود. به خصوص زمستان‌ها که با لرزش بدن و یخ زدن دست‌ها حتی توان گرفتن قلم را نیز از دست می‌دادیم. دست‌های خود را کف و چوچف نموده به کندی می‌نوشتیم. تا اینکه تاب و توان ما ختم شد و کمی نمرات، ما را دل‌زده‌تر ساخت.

یک روز مادرم به مکتب ما آمد و دید که بالای خشت‌ها نشستیم و از سر و روی ما عرق می‌بارد. گرمی طاقت ما را طاق ساخته بود که حتی به مادرم سلام دادن را فراموش کردیم. مادرم با دو چشم گریان ما را تا منزل رساند و ناگزیر قید مکتب را زدیم؛ البته به نام الی صنف چار رهنمایی خوانده بودیم. آن گاه هر نوع شوق و ذوقی که داشتیم پایان یافت و به کار کردن مشغول شدیم. خواهرانم شوهر کردند و ما شاگرد خیاط، نانوا و پادو هتل شدیم. با این همه مدیون مردم ایران هستیم که حداقل پناهگاه ما از جنگ و قتل و کشتار شده بود. ولی دست ما برای ابد در دامان جنگ افروزان وطن آبیایی خود ما گیر است که هیچ‌گاه آنها را نخواهیم بخشید.

صرافی افرا
با مدیریت کارآزموده و حرفه‌ای

انجام خدمات ارزی به ایران و برعکس (استرالیا و ترکیه و ارمنستان)
تضمین امنیت وجود حواله های شما با مجوز رسمی از دولت کانادا

چاپ مشرو اتوماتیک
514-576-3830
4055 Ste Catherine O #124 Westmount QC, H3Z 1J8

★★★★★
Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره

سید مرتضی کرمانیان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و بالعکس با کمترین هزینه

514 585 2345 | 514 846 0221
4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

صرافی آشنا

خرید و فروش ارزهای رایج و حواله های ارزی

Office: 514 - 560 - 7085
Cell: 514 - 462 - 5185
4055 Ste Catherine O # 194 H3Z 3J8

مرکز آموزشی زبان انگلیسی در کانادا

مشاور: (موسسه آریا، آکسین، سراسر، دلتا و آمریکا)
دوره های: فشرده، آیلتس، نانو، و مکالمه

www.roxana-dlc.com

مرتضی طاهری
+1 (514) 585-0189

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف

توجه: انتقال ارز به ایران و برعکس تضمین شده

www.sharifexchange.ca
Tel: (514)223-6408
261 Côte Vertu Villa Saint-Laurent, QC

خاطره تعویذاری یکتا
مترجم رسمی کیبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths

در محدوده کیبک و خارج از کیبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در سریع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694
khaterehyekta@yahoo.ca

هر روز هر روز
مونترال ◀▶ تورنتو ▶▶ مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخهای باور نکردنی

Montreal: 514-887-0432
Toronto: 647-822-2529

صرافی پرسپولیس

سریع آسان قابل اطمینان

514-225-3455 & 438-357-7000

PersepolisSara | 5774 rue Sherbrooke Ouest, Montreal H4A 1X1

کلیه خدمات عکاسی و فیلمبرداری حرفه ای در استودیو
فقط با وقت قبلی

STUDIO PHOTOBOOK
(514) 984-8944
7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

VANTAGE
514 995 3041

آئوسا تنگستانی فر

همراه با شما در خرید آکاشانه هنگام با شما در فروش موفقت آمیز

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه نوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

مدیرین به شما پرداخت اولین اقساط برونه کلاه پارچه‌ای شما

8250 boul. Décarie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P6
alosa.far@gmail.com

SOROOR SADR **سرور صدر**

خدمات حسابداری و دفترداری

- امور دفترداری و حسابداری
- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES
WITH APPOINTMENT
Gestion Financière Loyale
5263, level Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale-accounting@gmail.com

Artistic Men Haircut by Sirous

متخصص
مدل‌های هنری
برای آقایان

514-240 1493

تعمیرات و نو سازی ساختمان
مسکونی و تجاری

Ben Reno **RBQ License**

- کاشیکاری و سنگ کاری
- نصب کپوش و پارکت
- تعمیرات و نو سازی حمام
- نرده چوبی
- کابینت و تجهیزات آشپزخانه
- پلکان (stair)
- نصب در و پنجره
- نقاشی

facebook: Ben Reno
benrenovation42005@gmail.com

(514) 441 4995

Pharmacie Golnasim Riahi

داروخانه دکتر گل‌نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در QC

www.riahipharma.com
Tel: (514) 519-3060

Impression • Reprographie • Ensignes • Accessoires et fournitures de bureau
Printing • Reprographics • Signs • Office supplies

اولین تعاونی چاپ در کانادا

کارکنان و کارمندان تعاونی در چندین استان میزبان

printing.coop

همه کارهای چاپی
طراحی و ساخت تابلو
در زیر یک سقف

با ۱۵ سال تجربه چاپ و تبلیغات
و نظریت مهندسان مهندسی فنی

قیمت مخصوص برای موسسات و سازمانهای اجتماعی

با سه شعبه در خدمت شما

5166 Rue Lajeunesse Montreal, QC H2M 1S2 514-344-8042 1-877-384-8043	Printing.coop Repineau 4504 Avenue Repineau Montreal, QC H2M 1Y1 514-439-9255	Printing.coop Parc 5117 Avenue du Parc Montreal, QC H2V 4G3 514-900-8043
---	--	---

imprimeur.coop

تدریس زبان فرانسه

شرایط شایسته
آموزشی و تدریس و کیفیت بسیار

- تدریس زبان فرانسه از پایه سطوح
- آماده‌گی برای آزمونهای TFI, TEF, DALF, DELF
- با کلاس زبان فرانسه از طریق اسکایپ
- آماده‌گی برای مصاحبه های کاری و لیته بلژیه
- از جمله همزمان و ترجمه آگهی ملون و مذاکره

Tel: 514 895 7997
Email: shahri.aharaneh@gmail.com

آشپزی: کلوجه کنجدی

سخن ستارگان: صفحه‌ای برای تفنن

خانواده وسرگرمی

				6	4			
7		6	1	3		5		
		5			9	1	2	7
2	1		9	4	6	3		
		9	3	7	8		1	2
5	4	2	3			7		
		3		9	2	8		1
	9	8						

نرمال

1						5		
			1			6		
	7	4		3	9			
4	1			9		8	6	7
	2		3		1		9	
9	3	8		4			1	2
			5	2		7	8	
		2			8			
		7						4

متوسط

						5		
6	1			4	3		7	
		9				8		
2					8		3	
5			2		6		4	
		8		3			2	
			6			7		
3				6	7		2	8
	7							

سخت

				5	8	6		
	8			3	1			
3					9			
		9				2	7	
			3		2	5		
2	6						8	
		2						3
				2	6		5	
	8	4	7					

خیلی سخت

توضیح: خانه‌های جدول زیر را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

مهسا عباسپور



جدول سودوکو

SUDOKU TABLE



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

کلوچه کنجدی

«کلوچه» نوعی نان شیرین است که با اضافه کردن موادی مثل خرما، نارگیل، کشمش یا کنجد میتوان انواع کلوچه با طعم‌های مختلف را آماده کرد. «کلوچه کنجدی» بافتی نرم و کیک مانند دارد که می‌تواند گزینه مناسبی برای عصرانه یا میان وعده باشد.

طرز تهیه

بیکنگ پودر را داخل ماست بریزید تا پف کند و آن را کنار بگذارید.
 آرد و پودر هل را با هم مخلوط کرده، الک کنید و کنار بگذارید.
 تخم‌مرغ، وانیل و پودر قند را به مدت ۵ تا ۷ دقیقه با همزن بریزید تا سبک، گرمی و کشدار شود. سپس روغن مایع را اضافه و مخلوط کنید. ترکیب ماست و بیکنگ پودر را اضافه کرده و مواد را مخلوط کنید تا یکدست شود. در آخر ترکیب آرد و پودر هل را طی دو مرحله به مواد مایع اضافه کنید. مواد نهایی شما باید از مایه کیک سفت‌تر باشد ولی حالت خمیری نداشته باشد. خمیر نرم را در نایلون گذاشته و بمدت ۱ ساعت در یخچال استراحت دهید.
 از مواد به اندازه دلخواه برداشته (طبق سلیقه من کمی بزرگ‌تر از گردو اندازه مناسبی است)، در دست گرد کنید، کمی فشار دهید تا پهن شود و در کنجد خام غلتانده و با کمی فاصله در سینی فر که کف آن را کاغذ روغنی انداخته‌اید، بگذارید.
 سینی را در فر گرم شده با دمای ۱۷۰ درجه بمدت ۱۵ تا ۲۰ دقیقه قرار دهید.
 بعد از خنک شدن، کلوچه‌ها را از سینی جدا کرده و سرو کنید. نوش جان

مواد لازم

۱. آرد سفید
 ۲. تخم‌مرغ
 ۳. پودر قند
 ۴. ماست شیرین
 ۵. روغن مایع
 ۶. بیکنگ پودر
 ۷. وانیل
 ۸. پودر هل
 ۹. کنجد خام
- ۳ پیمانه
۲ عدد
۱ پیمانه
۴ قاشق غذاخوری سر صاف
دوسوم پیمانه
۲ قاشق چایخوری
یک سوم قاشق چایخوری
۱ قاشق چایخوری سرپر
جهت تزئین

نکته مثبت هفته

این دنیا فقط می‌تواند چیزی که به آن باور داری را به تو بدهد. نه چیزی بیشتر و نه چیزی کمتر...



سخن ستارگان (برای تقن)

فال شما برای ۲۸ ژانویه تا ۳ فوریه / ۹ تا ۱۵ بهمن

ترجمه:
خاطره تحویل‌داری یکتا



متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)

چهار هفته آینده تنها زمان در طول سال برای شماست که خورشید در مقابل موقعیت شما قرار می‌گیرد و به دلیل آنکه خورشید انرژی است گویی همه سال از شما دور است. بنابراین انرژی‌تان کم شده و نیاز به خواب و استراحت بیشتر دارید. در عین حال پیوستگی عالی مشتری و زحل در یکی از خانه‌های پول شما اتفاق می‌افتد و حاکی از آنست که جهان درهای مالی خود را در سال جدید به سوی شما باز می‌کند.



متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)

ناگهان روحیه شما برای کار بسیار خوبست. کارهای بسیاری برای انجام دادن دارید و در چهار هفته آینده می‌خواهید کارآمد بوده و نظم و ترتیب بیشتری به کارها دهید. به همین دلیل خودتان به آنها می‌پردازید تا اطمینان حاصل کنید همه چیز درست انجام می‌شود. پس از آن آزاد خواهید بود تا وقت خود را به هر چه واقعا دوست دارید، اختصاص دهید. در این زمان ونوس در بخشی از موقعیت شماست که امکان جشن و تفریح با بچه‌ها را برایتان فراهم می‌کند.



متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

خوش به حال شما! به چهار هفته‌ای وارد می‌شوید که شما را به لذت از زندگی و انجام کارهای خود تشویق می‌کند. موضوع ماه آینده شما شادی و بازی با بچه‌ها، لذت از فعالیت‌های هنری و ورزشی و داشتن حسی خوب از زندگی است. از تغییر دکوراسیون خانه خود لذت برده و در سال جدید سلامت خود را هم بالا می‌برید. احتمال داشتن شغلی بهتر و یا حتی بهتر شدن شرایط شغل فعلی برایتان وجود دارد.



متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

در دو هفته آینده در نظر راسا والدین و حتی پلیس عالی به نظر می‌رسد. به عبارتی بدون آنکه کاری انجام دهید دیگران را تحت تاثیر قرار می‌دهید. این بدان دلیل است که اکنون تنها زمان در طول سال است که خورشید در بالای موقعیت شما قرار دارد. پیوستگی مشتری و زحل محبوبیت جدیدی را برای شما ایجاد می‌کند. دوستان جدید، گروه‌های جدید و ارتباطات جدید در انتظار شما هستند.



متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)

چهار هفته آینده برای شما بسیار جالب هستند، زیرا حضور سه سیاره شما را بر آن می‌دارد که به کشف جهان اطراف خود پرداخته و متفاوت عمل کنید. حتی اگر اکنون امکان سفر وجود ندارد به یادگیری مطالب جدید بپردازید تا با ایده‌ها و دانشی نو با دیگران تبادل اطلاعات کنید. در عین حال، پیوستگی سیاره‌های مشتری و زحل به خوبی حاکی از شرایط خوب کار و شهرت شما در میان همکاران است! همه چیزهای خوب در انتظار شماست.

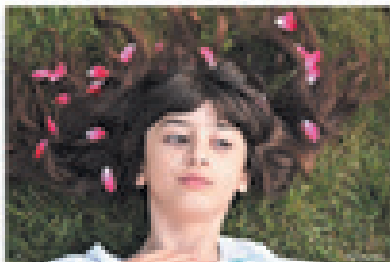


متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)

در چهار هفته آینده پر از شور و شوق خواهید بود. شاید مسئله مهمی در جریان باشد. هر اتفاقی بیفتد، در نظر شما تصادفی نیست. همه چیز مهم است. همه چیز یا خوب است یا بد. با این وجود می‌خواهید گریزی زده و تغییری در محیط خود ایجاد کنید. البته روابط با همسر و دوستان نزدیک گرم و صمیمی است. علیرغم آن بهتر است کاری انجام دهید که تغییر هیجان‌انگیزی را احساس کنید!



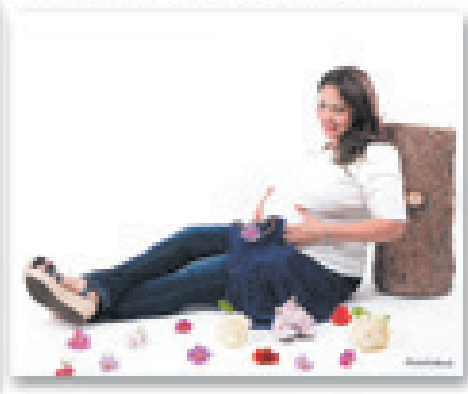
PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آتلیه مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۰۱۶-۶۶۰۰-۸۲۶۰



متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



اکنون زمان شماسات. خورشید با حضور در موقعیت شما و ماندن در آنجا به مدت چهار هفته، به شما فرصت می‌دهد تا باطوری‌های خود را برای بقیه سال شارژ کنید. احساس کامل بودن، تولدی دوباره و دوباره جوان شدن دارید! دیگران به شما توجه می‌کنند. در عین حال گنجینه‌های مالی‌تان هم بیشتر می‌شوند. در سال جدید پولدارتر می‌شوید و نوایی را برای دوران بازنشستگی خوبی در گوش خود احساس می‌کنید.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



سال شخصی شما به پایان رسیده اما هنوز سال جدیدتان آغاز نشده است. به همین دلیل در چهار هفته آینده در شرایط بلاتکلیفی هستید. بسیاری از شما ترجیح می‌دهید آرام و پشت پرده عمل کنید. برخی دیگر هم وقت خود را با دوستان، گروه‌ها و کلوپ‌ها می‌گذرانند. پیوستگی بزرگ سیارات در موقعیت شما انجام می‌شود! این بدان معناست که به مرحله جدیدی از زندگی وارد می‌شوید که هم دیگران شما را بهتر درک می‌کنند و هم شما.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



به چهار هفته‌ای وارد می‌شوید که محبوبیت‌تان بیشتر شده و از همراهی با دیگران، بخصوص جوان‌ترها لذت می‌برید. ممکن است حتی رهبری گروهی هم به شما واگذار شود. در این زمان بر روستا، تاجران و همه افراد در زندگی کاری‌تان تاثیر بسیار خوبی خواهید داشت. در حقیقت بدون توجه به شغل‌تان، دیگران نظر شما را در مورد دکوراسیون، طرح‌ریزی و تصمیمات کاری جویا می‌شوند. علاوه بر آن به کشف دنیای درون و ارزش‌های خود هم می‌پردازید.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



زمستان امسال بیش از همیشه بر خانه، خانواده و زندگی شخصی تمرکز دارید. در حقیقت در چهار هفته آینده از هر فرصتی برای ماندن در خانه و صرف وقت با اعضاء خانواده یا یکی از والدین استفاده می‌کنید. شاید هم به تعمیرات جزئی بپردازید. در این زمان احساس آرامش بیشتری داشته و قدر محیط اطراف خود را می‌دانید. پیوستگی سیارات که در مورد همه برج‌ها مطرح شد، برای شما روابط خوب با بچه‌ها را به همراه دارد.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



به دلایل مختلف آماده عمل هستید! در چهار هفته آینده برنامه شما پر از قرار ملاقات‌ها، ماموریت، صرف وقت با خواهر و برادر و همچنین خواندن، نوشتن و مطالعه بیشتر است. خبر خوب آنکه پول جذب می‌کنید. شاید ترفیع گرفته و یا درآمد خود را به نحوی افزایش دهید. قطعا این درآمد صرف خرید برای خود و خانواده هم خواهد شد. پیوستگی بسیار خوب سیارات شرایط خانه و خانواده را بهتر می‌کند و هر چه پیش آید برایتان خوشایند است.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



قطعا در چهار هفته آینده بیشتر به جریان نقد، پول و درآمد می‌اندیشید. بسیاری از شما نظرات پول‌ساز فراوانی دارید. خوشبختانه با حضور ونوس در موقعیت شما در نظر همه جذاب و با سیاست هستید. پیوستگی عالی سیارات، که در مورد همه برج‌ها مطرح شد، برای شما سالی مملو از تغییرات (البته تغییرات مثبت) را به همراه دارد. احساس می‌کنید اعتماد به نفس بیشتری داشته و افکار‌تان بسیار بزرگ هستند.



مشاور رسمی املاک مسکونی

مشاوره تخصصی املاک درآمدزا | دسترسی به پیش فروش VIP

جهت سرمایه‌گذاری | دریافت وام تضمینی

خانه های ویلایی و کان‌دو و تان‌هاوس

برای مشاوره رایگان با ما تماس بگیرید ☎ **514 730 3909**



Member of the Real Estate Board of Greater Toronto
HIGH ROLLER 2018, 2019, 2020
A Diamond partner of DIANE LARUE
Broker of the year 2018



محل های پخش هفته در اتاوا

سوپرمارکت آریا
۶۱۳۵۹۴۳۶۳۶
508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز
۶۱۳۵۶۳۱۲۰۷
725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل
۶۱۳۸۹۷۶۶۶۶
355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4

www.hafteh.ca info@hafteh.ca

Saeideh Shabani
REALTOR

Follow me on Instagram
saeideh_realtor

تلفن: ۴۱۳-۲۳۶-۵۹۵۵
تلفن: ۴۱۳-۴۱۳-۰۰۹۳
ایمیل: saeideh@TheTulipTeam.com
www.TheTulipTeam.com

سرمایه‌گذاری مطمئن
حاصل خریدن مطمئن
در نتیجه انتخابی مطمئن

MEHDI FALLAHI
REALTOR

تمام مشتریان من
تبدیل به دوستان
صمیمی من شده اند.

اجازه بدهید به شما
نیز خدمت کنم.
۶۱۳-۸۸۹-۷۷۰۰

www.hafteh.ca
info@hafteh.ca

www.ravadid.ca
info@ravadid.ca

موسسه مهاجرتی روادید:

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب
اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی
سرمایه گذاری و کار آفرینی
خرید بیزینس و دریافت مجوز کار
اکسپرس انتروی
ویزای توریستی
تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا
اسپانسرشیپ همسر والدین
خدمات اسکان اولیه

تماس رایگان در آمریکای شمالی:

Free Toll & fax:
1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی

+1(514) 797-6850 (Ottawa head office)
+1(514) 638-8258 (Montreal office)

ALIREZA MANSOURI
RCIC, R533715

پیش شماره‌های
نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

نیازمندی‌ها فقط با ۱۰ دلار در ماه! نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

مد و لباس	۹۳۳-۶۸۰۰	فریدون هرنیدیان	۶۵۳-۳۰۵۰	دکتر رضا یاوریان	اتومبیل (فروش)
HPadar ۸۴۲-۵۶۰۸	رسانه های گروهی	۸۴۸-۹۵۹۹	بیمه عمر و سرمایه گذاری	بیمه عمر و سرمایه گذاری	Auto Highlander ۹۹۰-۲۵۰۰
مراکز مذهبی	بازار	۵۷۵-۸۴۵۱	نیره امداد	نیره امداد	www.autohighlander.com
انجمن بهایی	پوشه	۷۸۷-۸۸۴۸	۲۹۶-۹۰۷۱	علی پاکنژاد	1080 Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R 1P7
موسسه خویی	هفته	۹۰۳-۴۷۲۶	۴۶۷-۸۴۹۱	عبدالله صفوی	اتو کاسپین
کلیسای ایرانی	پرنیان	۹۹۶-۹۶۹۲	۶۹۰-۶۱۸۱	متین تیره دست	www.autocaspio.com
کلیسای فارسی- کشیش	پیوند			بیمه (خودرو و خانه و سفر)	اتومبیل (تعمیرگاه)
مشاور املاک	رستوران-پیتزا - کترینگ				اطلس
مهدی انصاری	فارس			مشاور فارسی زبان بیمه Allstate	۴۸۴-۴۴۸۱
آتوسا تنگستانی فر	رستوران غذاهای دریایی			مهرداد ملکچمشیدی	6000 saint jaque H4A 2E9
مینو اسلامی	362-Ave.-Fairmount W. / 514-270-8437			پزشکی چایگزین	شمیران
نادر خاکسار	پوشاپ (هندی)				آرایشگاه - زیبایی - اسپا
شهره شهریان	آریا			ترجمه و دعوتنامه رسمی	آمنه
سحر صمدایی	کباب سرا			رضا داودی	۹۳۳-۰۷۶۳
فیروز همتیان	820 Ave. Atwater / 514-933-0933			شهریار بخشی	3545 Côte-des-Neiges, H3H 1V1
آرزو کتمیری	ساخت و ساز Builders			خاطره تحویل داری یکتا	www.Amybeautysalon.com
کاظم پرتو تهرانی	علی خاقانی			نوشادجمال	سوزان
آرش شکور	سی.دی - ویدئو			چاپ و کپی	رویا
محمد اجزای	تپش دیجیتال			فتو کپی ان دی جی	فریبا
مشاور خانواده	فروش و موکت			حسابداری	آرز
لاله رهبین	قالی شویی و رفو			اردشیر معین افشاری	آپادانا
مشاور تحصیلی	عکاسی و فیلمبرداری			حسین خریدین	پرسپولیس
مشاور مهاجرت	استودیو فتوبوک			حجت رستمی	پنج ستاره
معصومه علی محمدی	فتو شاپ			سرور صدر	صرافی الیت
علی مختاری	فروشگاه ها			مهدیه سلیمی	شریف
سهیل ملاحمدی	سن لوران			حمل و نقل	صرافی رویال
کنجی	بازار			المپیک	پاسیفیک
نان و شیرینی	EXO Fruits			قربان	ExpertFX
کندم	کتاب فروشی / کتابخانه			Loadex Transport	الکترونیک - برق کار
نان سنگک آذر	کتابخانه نیما			خدمات ویزای توریستی	آراز الکترونیک
نوسازی و تعمیرات ساختمان	نوروز زمین			خیاطی	سازان های مسافرتی
شرکت بن	طراحی و گرافیک			Tailleur Bijan	سلطان تراول
شرکت آماج	محضر رسمی			خدمات در ایران	فرناز معتمدی
لوله کشی پتانسیل	مونا صالحی			دارالترجمه فرهنگ	مهری صدوقی
لوله کشی پارس	مهدیود برگر			دارو خانه	سعید هاشمی
بهنام	کتاب فروشی / کتابخانه			کل نسیم ریاحی	آموزش
وام مسکن	کتابخانه نیما			فارماپری لاوال	پروین عبائی - فارسی
بهرز باباخانی	نوروز زمین			فارماپری لاوال	مدرسه فردوسی
آتوسا تنگستانی فر	طراحی و گرافیک			دندان پزشکی	مدرسه وست آیلند
شیرین تیموری	محضر رسمی			راضیه رضوی	مدرسه دهخدا
مهرداد مرادخانی	مونا صالحی			شریف نائینی	آموزشگاه (راندگی)
مهد کودک	دیوید برگر			علی شفیعی	آموزش (موسیقی)
سیما (دولتی)	پیانو / فخاریان				پیانو / فخاریان
وکیل/مهاجرت	استاد بیانیت فرچه داغی				استاد بیانیت فرچه داغی
۹۶۱-۸۷۴۶	آموزش (زبان)				آموزش (زبان)

17: Histoire de couverture

Entretien avec le professeur Ebrahim Karimi,
lauréat 2020 de la médaille CAP Herzberg



Cover
NO.618

par : Farahgis Shakiba

43 Cinema : Mostafa Azizi
Un entretien avec Reza Kahani, réalisateur sur
ses œuvres



25 Immigration : Masoumeh Alimohammadi
Nouveaux immigrants et pandémie, comment
s'adapter



31 Littérature : Farshid Sadatsharifi
Entretien avec Amineh Sharifi et Masoud Mansouri
sur l'art et la culture?

50 Politique : Negin Parvarandehi
Comment mettre fin au travail de 152 millions
d'enfants à travers le monde?



52 Economy: Armin Aryanpour
Pipeline Keystone XI, le nœud gordien de l'économie
et de la politique canadiennes

Un magazine hebdomadaire
pour la communauté Afghane/
iranienne de Montréal
A weekly Magazine for the
Afghan/Iranian Community in
Montreal
28 January 2021, numéro 618
28 January 2021, issue Nr. 618

(514)834-7254
• www.hafteh.ca
• info@hafteh.ca
• news@hafteh.ca
• ad@hafteh.ca
• ISSN 1918-4379 HafteH

Publication: Journal Hafteh / 4479777 Canada Inc

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Littérature: F. Sadatsharifi

Cinema: Mostafa Azizi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Communauté afghane: Habib Osman, Nargis Karimi Hashimi

Actualité Communauté: Negin Parvarandeh

Économie: Behrad Ranjbari

Price: \$2.50

Annual subscription: \$120

Hafteh will not be published on
the following dates during 2021:

January 7th
March 25th
July 5th
October 14th

This project is funded in part by the Government of Canada.

Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada



Les frais de l'abonnement
annuel: 120 dollars



PERMONT

Entrepreneur générale - General contractor Inc.

سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

تیم مدیریتی با بیش از ۲۰ سال سابقه اجرا در کانادا

- طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی
- برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز
- استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان

Tel: 514-738-0006

Fax: 514-738-0002

Info@permont.ca www.permont.ca

5473 Ave Royalmount #214 Montreal, QC, H4P 1J3

RBQ # 5639-5874-01

در سال ۲۰۲۰ با افتخار

۱۹۱ خانواره

با تیم ما صاحب خانه و بیزنس شده اند.

امیدواریم در
سال 2021
در کنار شما این
تجربه شیرین
را دوباره تکرار
کنیم.

تراکنش در جزیره
مونترال و غرب

۸۳

تراکنش در
جنوب مونترال

۶۸

تراکنش در
شمال مونترال

۴۰

ممنون از مطمئنان شما

کارشناسان
املاک شما
در مونترال
و حومه

آرش و شیرین
شکور



514 730 3909

514 441 4189



با حمایت شما، توانستیم بیش از \$۱۰،۰۰۰ به خیریه "Dans La Rue" اهدا نمایم.



SAMI FRUITS

میوه تره بار سامی

کیفیت: خوب قیمت‌ها: غیرقابل رقابت

با شش شعبه بزرگ در خدمت شما

D.D.O. (514) 423-6333
 3000 Rue du Mancho, H9B 2Y3
 تهران شنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 پنجشنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 شنبه و یکشنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 دوشنبه و سه‌شنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 (دوشنبه و سه‌شنبه تعطیل)

Head Office
 1505 rue Legendre Ouest
 Montreal, QC H4N 1H6
 (514) 888-8383

North-east (514) 993-1333
 8200 190 Avenue, H1Z 4J8
 تهران شنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 پنجشنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 شنبه و یکشنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 دوشنبه و سه‌شنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 (دوشنبه و سه‌شنبه تعطیل)

St. Laurent (514) 856-5333
 1320 boul. Jules-Guérin, H4N
 تهران شنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 پنجشنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 شنبه و یکشنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 دوشنبه و سه‌شنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 (دوشنبه و سه‌شنبه تعطیل)

Laval (450) 978-1333
 1550 Blvd Daniel-Johnson
 دوشنبه و تهران شنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 پنجشنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 شنبه و یکشنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 دوشنبه و سه‌شنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 (دوشنبه و سه‌شنبه تعطیل)

Lacelle (514) 368-1333
 400 ave Lafleur, H8R 3H6
 تهران شنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 پنجشنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 شنبه و یکشنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 دوشنبه و سه‌شنبه: ۹۳۴۵۵۳۳۰
 (دوشنبه و سه‌شنبه تعطیل)

سامی جایی که می‌توانید سبد خرید خود را پر از میوه کنید

اما کیف بوتان را خالی نکنید



INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 années écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس
• مشاوره برای خریدهای ارزانتر می شود

Service de Placement Disponible






5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☎ De La Savane
www.avirontech.com

رویه های خود را واقعیت بخشید

les cours en ligne sont disponibles en français et en anglais

دوره های آنلاین اویرون آغاز شد

Programmes D.E.P 1800 heures:

- Soudage-montage
- موشکافی و مونتاژ
- Mécanique automobile
- مکانیک اتومبیل
- Dessin industriel
- طراحی صنعتی
- Électricité
- برق کاری

• تئوری: به صورت آنلاین
• عملی: فرموسه و شبوری
• امتحانات: شبوری، فرموسه و شبوری

514-739-3010

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

کارشناس ارشد مهندسی عمران
از دانشگاه کتکوردیا

- خرید و فروش تخصصی ملک، دسترس ویژه به
- پیشن خرید در سراسر مونترال
- دسترس تضمینی به بهترین مبلغ وام با کمترین سود بانکی

**بسته خرید ویژه مخصوص
پرستاران و پزشکان عزیز**

☎ **514-588-0609**

www.mahdiansari.com
medi.ans.mtlbroker



GRUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

CANADA AWARDED BROKER 2019 - 2020